

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# ره‌توشهٔ راهیان نور

ویژهٔ نوجوانان

تابستان ۱۳۹۳

تهیه و تدوین:

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

معاونت فرهنگی-تبلیغی

گروه تأمین منابع

۱۳۹۳

عنوان و نام پدیدآور: ره‌توشه راهیان نور ویژه نوجوانان تابستان ۱۳۹۳ / تهیه و تدوین دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت فرهنگی - تبلیغی گروه تأمین منابع.  
مشخصات نشر: قم: تا ظهور، ۱۳۹۳.  
مشخصات ظاهری: ۲۰۴ ص.  
فروست: منشورات معاونت فرهنگی، تبلیغی؛ ۱۳۷.  
شابک: ۸۰۰۰ ریال: ۲ - ۳۸ - ۲۹۷۴ - ۹۶۴ - ۹۷۸  
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا.  
یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.  
موضوع: اسلام .. به زبان ساده.  
موضوع: رمضان .. مسائل متفرقه .. راهنمای آموزشی.  
موضوع: اسلام .. تبلیغات .. راهنمای آموزشی.  
شناسه افزوده: حوزه علمیه قم. دفتر تبلیغات اسلامی. گروه تأمین منابع.  
رده بندی کنگره: ۱۳۹۳۹ / ۶۲ / ۱۸BP  
رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۰۴۵  
شماره کتابشناسی ملی: ۳۵۰۹۸۶۴

## ره‌توشه راهیان نور

ویژه نوجوانان - تابستان ۱۳۹۳

تهیه و تدوین: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت فرهنگی - تبلیغی  
نویسندگان: گروهی از پژوهشگران  
ناشر: تا ظهور  
نوبت چاپ: اول، تابستان ۱۳۹۳  
شمارگان: ۸۰۰۰  
قیمت: ۸۰۰۰ تومان  
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه دفتر تبلیغات اسلامی  
تلفن گروه تأمین منابع: ۰۲۵ - ۳۷۷۴۰۳۹۷ پست الکترونیکی: [tabligh@dte.ir](mailto:tabligh@dte.ir)

با قدردانی از همکارانی که در تولید و نشر این اثر نقش داشته‌اند:

ویراستار: الیاس حضرتی • صفحه‌آرایی: امید رستمی • طراح جلد: سید محمود موسوی  
کارشناس: محمدحسین فکور • کارشناس امور اجرایی: سیدحسین موسوی  
کارشناس چاپ و نشر: محمود نوراللهی • کارشناس بازاریابی: عطاءالله علی‌زاده.

تمام حقوق این اثر محفوظ است

## فهرست مطالب

آرامش ظاهری	سید محمد باقر ابطحی	۶
آن مرد	سید محمد باقر ابطحی	۱۶
تلاش و نشاط	علیرضانجفی	۲۵
امام بخشنده	سید محمد کاظم پاکدل	۳۲
اولین پیروزی مسلمانان	محمد رضا عابدی	۳۹
پیام آوران	سید محمد فاطمی نسب	۴۸
پیروی	حسن کریمی	۵۵
آیه الکرسی	محمد سلطانی	۶۳
چتر آرامش	حسین ملکی برزگر	۷۱
خلاقیت	حسین ملکی	۸۰
خواب صد ساله	عباس احمدیان	۹۱
دانشی از نور	علیرضانجفی	۹۷
روزنامه دیواری امام علی <small>علیه السلام</small>	محمود خیری	۱۰۴
رهبر	محمد رضا حقیقت	۱۱۲
سنگ در مشت	محمد رضا حقیقت	۱۱۹
شکیبایی	سید محمد باقر ابطحی	۱۲۶
عید روزه داران	سید محمد یعقوبی	۱۳۵
کاردستی قلک	محمود خیری	۱۴۲
کار با کاغذ	محمود خیری	۱۴۹
مرد نیایش	سید محمد باقر ابطحی	۱۵۴
مسابقه فرهنگی	محمود خیری	۱۶۳
معمای انگشتر	عبدالله کریمی	۱۷۲
مهمانی خدا (۱)	حسین ملکی برزگر	۱۷۸
مهمانی خدا (۲)	حسین ملکی برزگر	۱۸۸
یاران	محمد رضا حقیقت	۱۹۷



## سخن نخست

نسل نوجوان سرمایه‌های اصلی یک کشور محسوب می‌شوند. فتح قله‌های رفیع عرصه‌های علمی، اقتصادی، نظامی ... به وجود جوانان یک کشور گره خورده است، اینان هستند که آینده کشور را می‌سازند و چرخ اقتصادی کشور را می‌چرخانند، از این رو است که - امروزه - در جوامع مختلف برای تربیت و سامان‌بخشی مسایل نسل جوان سرمایه‌ها گذاری‌های کلان صورت می‌گیرد. در جامعه مانیز نسل نوجوان و جوان تاثیرگذارترین انسان‌ها در موفقیت جامعه بوده و خواهند بود، از این رو بایسته است که زمینه‌های رشد، بالندگی شادابی و نشاط آنان را فراهم نمایم. این امر با اتخاذ سیاست‌های راهبردی وارثه روش‌های مفید امکان پذیراست. یکی از این روش‌ها، تربیت، تقویت باورهای دین و حفظ نسل جوان از آسیب‌های خطرآفرین است. به خاطر تاثیرگذار نسل جوان در کسب موفقیت کشور است، که امروزه بیش از هر زمان دیگر نوجوان و جوان ما، به لحاظ معنوی، فکری و اخلاقی، مورد هجوم شیخون فرهنگی دشمنان قرار گرفته‌اند. تهاجم فرهنگی - فکری گسترده غرب از یک سو، مشکلات و تنگناهای شدید زندگی از سوی دیگر، فاصله و شکاف فراهم آمده بین این نسل با نسل‌های قبل از سوی سوم و عدم روزآمدی شیوه‌ها و روش‌های تربیتی - تبلیغی دینی از سوی چهارم، باعث شده است که جوانان در شرایط بسیار سخت و نابهنجار روحی - فکری قرار گرفته و در دریایی از پرسشگری غوطه‌ور گردند و از پاسخ‌یابی، احساس خستگی و گاه ناامیدی کنند که این وضعیت حالتی از عصیانگری و پرخاشگری را برای جوانان به دنبال داشته و دارد. گستردگی و پیچیدگی کار تربیتی - تبلیغی و ارشادی با این قشر، همه مبلغین را بر آن می‌دارد که بیشترین اهتمام را برای شناخت مسایل چند بعدی و شرایط سخت و در هم تنیده این قشر داشته و با دقت و حوصله و وسواس، خود را برای ایفای وظیفه الهی آماده نمایند. مهارت‌های لازم و اطلاعات ضروری را تحصیل نموده و با شرایط روحی و معنوی آنان آشنا شده و واقعیت‌های زندگی و انتظارات حقیقی آنان را درک نمایند.

دفتر تبلیغات اسلامی - معاونت تبلیغی و فرهنگی - به منظور تربیت و حفظ نسل جوان از آفات خطرناک،  
متنی درسی موسوم به ----- را تدوین نموده است. اثر حاضر شامل درس‌های -----  
می‌باشد

در پایان لازم می‌دانیم از همه دست اندرکاران بویژه آقایان ----- که در سامان‌دهی این اثر نقش داشته‌اند، قدردانی نماییم.

سعید روستا آزاد

معاون فرهنگی تبلیغی

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

## آرامش ظاهری

موضوع: موسیقی

هدف کلی: آشنایی با نظرهای موافقان و مخالفان موسیقی

اهداف جزئی:

- تاریخچه موسیقی
- نظرهای موافقان موسیقی
- نظرهای مخالفان موسیقی
- تأثیرهای مثبت و منفی موسیقی
- آرامش بخش‌های حقیقی

هدف رفتاری (خروجی): فهماندن این مطلب به دانش‌آموزان که آرامش بخش حقیقی ارتباط

با خالق هستی است نه گوش دادن به موسیقی

روش‌های مناسب تدریس: توضیحی و فعال (هم‌خوانی آیات قرآن، پرسش و پاسخ، بازی با

کارت، مسابقه و...)

وسایل آموزشی: تابلو، کارت و جدول

## آرامش ظاهری<sup>۱</sup>

به نام خدایی که جان آفرید      سخن گفتن اندر زبان آفرید  
 خداوند بخشنده دستگیر      کریم خطاپوش پوزش پذیر

دوستان عزیزم سلام! ان شاء الله که دل های تان همیشه گرم و مهربان باشد.

آیا می توانید بحث امروز ما را حدت بنزید؟

۲ ر mefa سُل la ۳۰

خُب برای این که راهنمایی کرده باشم، بگوئید این کلمات چیست؟

دور می فاشل لا سی

آفرین! نت های موسیقی؛ پس بحث امروز ما چیست؟

موسیقی

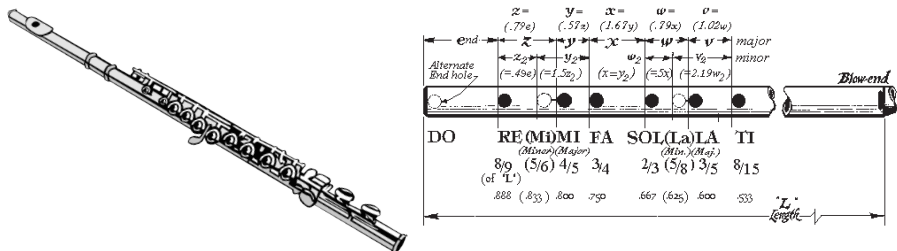
عیزان من! موسیقی هنری صدادار است که از تجربه و احساس سرچشمه گرفته و با فکر

ترکیب می شود و بر شنونده اثری سریع می گذارد.

حس و ارتباطی که از شنیدن موسیقی در شخص به وجود می آید، به حدی است که هنگام

خوشی، موجب هیجان و از خود بی خود شدن و زمان غم باعث آرامش و در خود فرورفتن می شود.

دانش آموزان عزیز! به عکس های زیر توجه کنید.

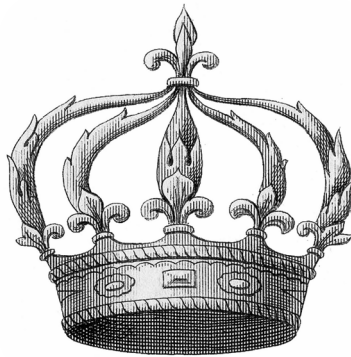


نام این وسیله موسیقی چیست؟

۱. توصیه می شود مربی محترم، این درس را با در نظر گرفتن مخاطبان و به سلیقه خود کمی ساده تر کرده و به طور خلاصه در کلاس بیان کند.

بله، فلوت.

محققان دانشگاه توپینگ موفق شدند اجزای یک فلوت قدیمی را از جنس عاج، که مربوط به ۳۵ هزار سال قبل است، در غار «هول فلس» در جنوب غربی آلمان کشف کنند.<sup>۱</sup>  
این تحقیق نشان می‌دهد که از گذشته‌های بسیار دور، مردم با موسیقی آشنا بوده‌اند؛ طوری که تاریخ پیدایش موسیقی را از زمان پیدایش آدم می‌دانند. انسان‌های اولیه برای برقراری ارتباط با هم، از موسیقی دهان و حرکات موزون مناسب با آن استفاده می‌کرده‌اند.  
بچه‌ها! این تصویر شما را یاد چه کسانی می‌اندازد؟



بله، پادشاهان.

از گذشته‌های بسیار دور در دربار پادشاهان ساز و آواز بسیار رایج بوده است. مطربان و رقاصان همیشه محبوب و مورد توجه پادشاهان بوده‌اند.  
موسیقی، حتی مخالفان خود را در دربار پادشاهان سحر کرده و مجذوب خود می‌ساخت. به این نمونه توجه کنید:

در زمان عمر بن عبدالعزیز، قاضی مدینه کنیزی آوازخوان داشت. او چنان آواز می‌خواند که هوش و حواس قاضی را می‌برد. این جریان به گوش خلیفه رسید. او قاضی را سرزنش و کنیز آوازخوان را به دربار احضار کرد. آن‌گاه از وی خواست که برایش آواز بخواند تا بفهمد چگونه یک قاضی نمی‌تواند در مقابل یک آوازخوان خود را نگه دارد. خلیفه پس از شنیدن آواز کنیز، چنان از

۱. سایت واضح.



خود بی خود شد که از سرزنش قاضی پشیمان شد.<sup>۱</sup>

پس موسیقی و رقص، وسیله‌ای برای گرم کردن مجلس پادشاهان ظالم و خون‌ریز و ابزاری برای آرامش و از یاد بردن ستم‌ها و حق‌خوری‌ها و افزایش قساوت قلب و بی‌رحمی‌شان بوده است.

اما آیا این تحریکات برای روح و جسم آدمی و سلامت زندگی و طول عمر او مفید و سازنده است، یا مضر و مخرب؟

از زمان‌های گذشته، دانشمندان زیادی به صورت علمی و تجربی، آثار موسیقی روی انسان را بررسی کرده و نظرهای متفاوتی در این زمینه ارائه داده‌اند که به اختصار به آن‌ها می‌پردازیم:<sup>۲</sup> برای پی بردن به نظریات موافقان موسیقی، ابتدا باید جدول «بگرد و پیداکن» زیر را پر کرده و کلمات به دست آمده را به ترتیب در خانه‌هایی که شماره آن‌ها داده شده است قرار دهید:

---

۱. مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۱۹۲.

۲. مربی می‌تواند قبلاً عبارات را پشت یا روی کارت نوشته و به کلاس بیاورد.

### سؤالات جدول:

۱. کامل ترین دین آسمانی؟ اسلام. (۳، ۲، ۷، ۱۲ و ۱۷)
۲. مرکز این استان زاهدان است؟ سیستان. (۸، ۶، ۱۰، ۵، ۱۶ و ۹)
۳. مصدر پرستیدن؟ پرستش. (۴، ۱۸، ۲۳، ۱۳ و ۱)
۴. گناهی که به فرمایش حضرت علی علیه السلام باعث خشم خداوند می شود؟ کینه. (۱۵، ۲۰، ۲۱ و ۱۴)
۵. گیرنده امواج تلویزیون؟ آنتن. (۱۹، ۲۵، ۲۲ و ۲۴)
۶. حرف هجدهم الفبای فارسی؟ ط. (۱۱)

۵	۴	۳	۲	۱
۱۰	۹	۸	۷	۶
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱
۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶
۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱

خُب دوستان عزیز! حالا حرف اول را نوشته و پنج تا پنج تا می شماریم تا پنج کلمه مشخص شود:

(شیطان، سلامت، استرس، پنهان و تسکین)

حالا کلمات فوق را به ترتیب در جاهای خالی قرار دهید تا نظرهای موافقان موسیقی مشخص

شود.

قدیمی‌ها معتقد بودند: موسیقی باعث فرار..... (شیطان) و آرامش انسان است. یونانیان باستان، موسیقی را موجب..... (سلامت) انسان می‌دانستند. طبق برخی از تحقیقات علمی، روز موسیقی کاهش..... (استرس) را به دنبال دارد. بعضی از روان‌شناسان معتقدند: گوش کردن موسیقی باعث تخلیه هیجانات..... (پنهان)، مانند خشم می‌شود.

برخی از روان‌پزشکان می‌گویند: موسیقی باعث ترشح آندرومین‌ها و..... (تسکین) درد است. حالا سؤال مهم این است که آیا هیجان یا آرامش موقتی که از شنیدن یک موسیقی حاصل می‌شود، می‌تواند مشکلات ریشه‌ای و درونی افراد را از بین ببرد؟ به این حکایت توجه کنید:

شخصی که ناراحتی شدید پوستی داشت، برای معالجه نزد پزشک متخصص رفت. پزشک پس از معاینه، برای او دارویی تجویز کرد که با مصرف مرتب آن، بیماری‌اش به تدریج رو به بهبودی گذاشت؛ اما تنها دو روز پس از بهبودی، ناگهان بیماری با شدت بیش‌تری ظاهر شد و شخص بیمار بعد از دعوی مفصلی با پزشک معالج، به نزد دکتری دیگر رفت. او با زهم موقتاً بهبود پیدا کرد؛ اما به محض قطع کردن داروها، مجدداً آثار بیماری ظاهر شد. بیمار برای بار سوم پزشک خود را تغییر داد و دکتر جدید پس از معاینه به او گفت: درست است که شما مشکل پوستی پیدا کرده‌اید؛ اما ریشه آن در «کبد» شماست و تاریخش از بین نرود، مشکل پوستی حل نخواهد شد!

بله، عزیزان من! اگر ریشه مشکلات به درستی شناسایی و برطرف نشود، دردی دوا نخواهد شد! «آرامش» هم که گم شده همه انسان‌هاست، با مسکن‌های موقتی حاصل نمی‌شود! متأسفانه دیده می‌شود عده‌ای برای رسیدن به شادی و نشاط، سراغ مسکن‌های زودگذری از قبیل رقص و موسیقی می‌روند یا با تمسخر یک‌دیگر و اقوام مختلف، در پی شادی هستند! حتی عده‌ای به مواد مخدر روی می‌آورند؛ غافل از این‌که منشأ بیش‌تر غم‌ها و غصه‌ها، احساس تنهایی است که در نتیجه دشمنی‌ها و کینه‌ها، بویژه قهر و دوری از خدای متعال به وجود می‌آید.

روزی حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام در مناجاتش خطاب به خداوند متعال عرض کرد:  
 پروردگارا! آیا تواز من دوری تا با فریاد صدایت بزخم یا نزدیکی تا با تو آهسته سخن بگویم؟  
 دوستان من! برای این که بدانید خدای بزرگ در جواب حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام چه فرمود، باید این  
 کارت‌ها را مرتب کنیم؛ آماده‌اید؟

أَنَا      مَنْ      موسی      جلیس      یا      دَکَرَنِي

برای این کار، ابتدا لازم است ترجمه کلمات را بدانیم.

أَنَا: من؛

مَنْ: کسی که؛

جلیس: هم‌نشین؛

یا: ای؛

دَکَرَنِي: یاد کند مرا.

آفرین! جواب خداوند به طور مرتب چنین است: «یا موسی! أنا جلیس مَنْ دَکَرَنِي؛ ای موسی!  
 (دوری و نزدیکی ندارد) من هم‌نشین کسی هستم که یادم کند.»<sup>۱</sup>

بله! یاد خدا، نماز و ارتباط با او موجب می‌شود که خداوند هم‌نشین انسان باشد و همین  
 هم‌نشینی است که به انسان احساس آرامش می‌دهد: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ؛<sup>۲</sup> با یاد خدا  
 دل‌ها آرام می‌گیرد.»

بنابراین، کسی که با خداوند مهربان دوست باشد، اساساً هیچ‌گاه احساس تنهایی نمی‌کند تا  
 برای ایجاد آرامش سراغ موسیقی‌های مبتذل و مسکن‌های موقتی برود.  
 برای این که این مطلب را بهتر بفهمید، به این داستان توجه کنید:

هوایمایی از ایران به سمت عراق و شهر بغداد حرکت کرد و یکی از مسافران آن پیرمردی  
 نورانی بود. بعد از مدتی پرواز، ناگهان دچار مشکل شد و خلبان به مسافران اطلاع داد که هوایمما

۱. منهج الصادقین، ج ۴، ص ۱۱۵.

۲. رعد، آیه ۲۸.

دچار نقص فنی شده و احتمال سقوط هم هست. همه به تلاطم افتادند و وحشت و جیغ و فریاد هواپیما را فراگرفت. هیچ‌کس آرام و قرار نداشت؛ به غیر از آن پیرمرد نورانی. یکی از مسافران که از آرامش پیرمرد متعجب شده و دنبال تسکین خود بود، به او نزدیک شد و علت آرامشش را پرسید. پیرمرد خیلی ساده و آرام جواب داد: «من هنگام ورود به هواپیما برای سلامتی این سفر آیه‌الکرسی خوانده‌ام و ایمان دارم که خداوند حافظ ماست. اگر او بخواهد، ما از این دنیا رحلت کرده و به آغوشش بازخواهیم گشت و اگر صلاح در زنده ماندن مان باشد، تنها کسی که می‌تواند ما را از این مهلکه نجات دهد، خود اوست؛ پس دیگر چه جای نگرانی است؟»

کلام پیرمرد، به قدری نافذ بود که بر مسافران اثر گذاشت و همه متوجه خدا شدند. پس از مدتی، هواپیما به سلامت در فرودگاه بغداد فرود آمد.

بله، دوستان! در شرایطی که عوامل بیرونی همه را نگران و مضطرب کرده بود، فقط ایمان درونی و واقعی پیرمرد، به او آرامش می‌داد.

اینک نظرهای مخالفان موسیقی را بررسی می‌کنیم:

برای این‌که با این نظرها آشنا شویم، باید کلمات سمت راست را به کلمات سمت چپ متصل کنید:

بیماری:	سبب بیماری:
ضعف اعصاب	پوچی، بیماری‌های عشقی و خودکشی
تأثیرهای منفی قلبی	کمی طول عمر
افسردگی و خمودی	بیماری‌های عصبی و دیوانگی
ضعف قوای شنوایی و بینایی	افزایش فشارخون و سکته مغزی و قلبی
تأثیرهای منفی روحی و روانی	بیماری‌های گوش و چشم

### تأثیر موسیقی بر اخلاق

یکی دیگر از آثار موسیقی بر روان انسان، ابتلا به بیماری قساوت قلب است.

رسول خدا ﷺ در سفارشی به حضرت علی رضی الله عنه می‌فرماید:

۱. آیت‌الله مشکینی، نصاب، ص ۱۳۴.

«ای علی! سه کار است که دل را سخت می‌کند:

۱. گوش دادن به «ا، آ، و، ز» و موسیقی؛

۲. «ک، ا، ش، ر»؛

۳. رفت و آمد به «د، ب، ا، ر، ر» سلاطین.<sup>۱</sup>»

با توجه به این حدیث، معلوم می‌شود آن‌چه موجب قساوت قلب می‌گردد، عبارت است از قرارگرفتن در فضای ظالمانه پادشاهی، از جمله گوش دادن موسیقی‌های مجالس شاهانه که موجب غفلت می‌شود.

حالا برای آشکارشدن آثار موسیقی‌های مخرب، جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید:<sup>۲</sup>

(استجابت، غیرت، بلاها، غفلت، حیا)

۱. .... از یاد خدا؛

۲. از دست دادن .....؛

۳. از بین رفتن .....؛

۴. نزول ..... ی ناگهانی؛

۵. عدم ..... دعا.

مرحوم علامه جعفری درباره موسیقی می‌نویسد:

اگر موسیقی آن‌چنان که عاشقان دل‌باخته‌اش می‌گویند، حقیقتاً روح انسان را تصفیه می‌کند، چرا با شیوع موسیقی در شرق و غرب، بیماری‌های روانی و فساد اخلاقی به حدی است که گفت‌وگو درباره آن باعث شرمساری است؟<sup>۳</sup>

تأثیر موسیقی بر بدن انسان از نظر پروفیسور «ماسارو ایموتو» دانشمند ژاپنی:

همان‌طور که شنیده‌اید، پروفیسور ایموتو بیش از بیست هزار آزمایش روی مولکول‌های آب انجام داده است. او از این آزمایش‌ها نتیجه گرفته است که مولکول‌های آب پیام‌پذیر هستند؛

۱. گوش دادن به آواز و موسیقی، شکار، رفت و آمد به دربار سلاطین.

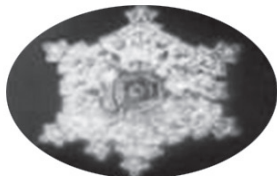
۲. جاهای خالی به ترتیب با کلمات غفلت، حیا، غیرت، بلاها و استجابت پر می‌شود.

۳. جواد امین‌خندق، شناخت و بررسی شیطان‌پرستی، ص ۱۳۶ تا ۱۳۸.

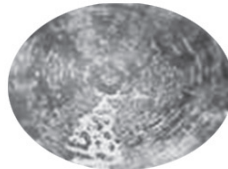
یعنی در اثر گفتار و رفتار انسان‌ها شکل آن‌ها تغییر می‌کند. قشنگ‌ترین مولکول‌های آب (که به شکل شش ضلعی هستند)، وقتی تشکیل می‌شوند که آب از درون چشمه جوشیده و هنوز رفتار و گفتار انسان‌ها روی آن‌ها اثر نگذاشته است.

به تصاویر زیر دقت کنید و اثر انواع موسیقی روی مولکول‌های آب را با هم مقایسه کنید:

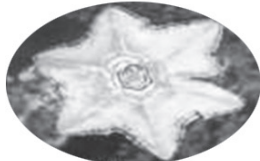
## اثر صدا و موسیقی بر روی آب



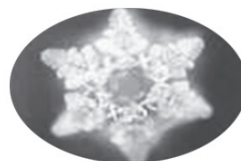
آهنگ پاستورال از بتهوون



موسیقی هوی متال



رقص گروهی کاواچی (آهنگ محلی)



تلاوت قرآن

از آن جایی که هفتاد درصد بدن را آب تشکیل می‌دهد، پس انواع موسیقی می‌تواند روی بدن انسان اثر مثبت یا منفی بگذارد.

با توجه به تصویر بالا، بدترین تغییر شکل در اثر موسیقی هوی متال به وجود آمده است. دوستان خوبم! بحث‌مان را با بیان این نکته که صداهای اطراف‌مان را می‌توانیم به دو بخش «مطبوع» و «نامطبوع» تقسیم کنیم، پایان می‌دهیم. صدای مطبوع، صدایی است که با روح ما سازگاری دارد و موجب نمی‌شود خود را فراموش کنیم و صدای نامطبوع، صدایی است که با طنین آن و ایجاد شادی یا غم بیش از اندازه، برای لحظاتی خود را فراموش می‌کنیم؛ مانند موسیقی‌های تند و شلوغ، صدای مته کمپرس، موتور ماشین و ...

پروردگارا! همه ما را به راه راست هدایت فرما.

آمین یا رب العالمین!

## آن مرد

موضوع: مهربانی امام علی علیه السلام

هدف کلی: آشنایی با حضرت علی علیه السلام و جلوه‌های مهربانی او

اهداف جزئی: آشنایی با موارد زیر:

▪ امیرالمؤمنین علیه السلام

▪ فضیلت اخلاقی و مهربانی آن حضرت

هدف رفتاری (خروجی): آشنایی با جلوه‌های مهربانی حضرت علی علیه السلام و الگوگیری از

شیوه‌های رفتاری او در زندگی

روش‌های مناسب تدریس: توضیحی و فعال (راز گل‌ها، پرسش و پاسخ، حروف فانتزی،

جدول و...)

وسایل آموزشی: تابلو، کارت و جدول

تو را می‌شناسم؛ تو آئینه هستی دلت صاف و روشن، تو بی‌کینه هست

تو بوی گل یاس، تو آب روانی تو خیلی بزرگی، تو یک آسمانی

بهارم تو هستی؛ تو که بی‌ریایی تو را می‌شناسم؛ خدایی خدایی

دوستان خوب و مهربان سلام! حال شما خوب است؟ الحمدلله! ان شاء الله که طاعات و

عبادات‌تان قبول باشد و آماده‌ی اجرای یک برنامه‌ی خوب باشید؟

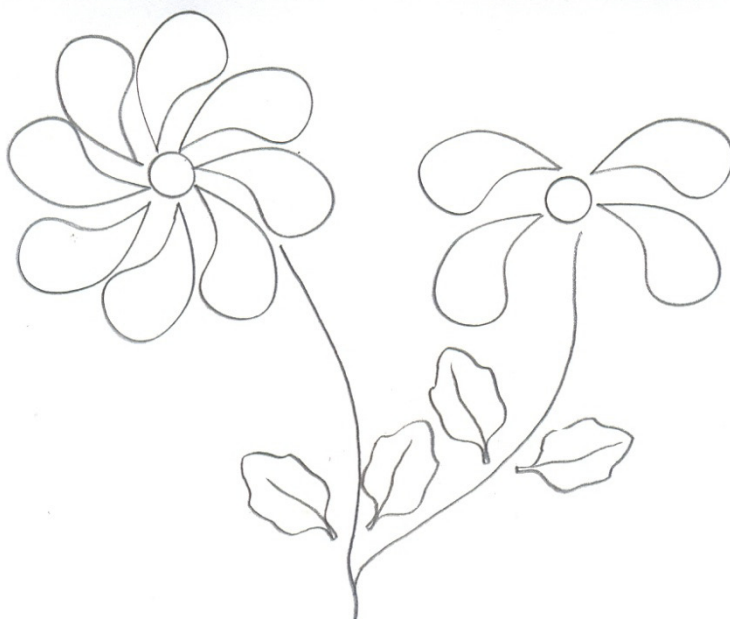
بچه‌های عزیز! برنامه‌ی امروز درباره‌ی بزرگ‌مرد تاریخ اسلام است؛ او کیست؟

بله، او امام و پیشوای اول ما شیعیان، یعنی حضرت علی علیه السلام است.

برای این‌که با چنین شخصیتی آشنا شویم، به سراغ راز گل‌ها می‌رویم. درون هر یک از

گل‌برگ‌های دو گل زیر، پاسخ یک سؤال قرار می‌گیرد.





سؤالات گل اول:

نام پدر امام علی علیه السلام چیست؟ ابوطالب.

امام علی علیه السلام در چه شهری متولد شد؟ مکه.

اصحاب به چه معناست؟ یاران.

حضرت علی علیه السلام در چه ماهی متولد شد؟ رجب.

سؤالات گل دوم:

نام دختر کوچک حضرت علی علیه السلام چه بود؟ ام کلثوم.

شبی که امام علی علیه السلام به خاطر حفاظت جان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بستر آن حضرت خوابید چه

نام دارد؟ لیلة المبيت.

نام بهترین یار آن حضرت چیست؟ مالک اشتر.

دراذان کنار نام او می آید؟ ولی الله.

محل شهادت آن حضرت در مسجد کوفه؟ محراب.

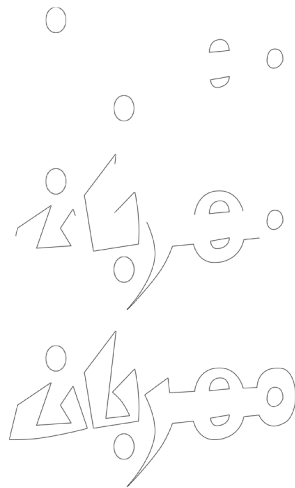
نام شهری که آن امام همام در آن مدفون است؟ نجف.  
 جای خالی را با کلمه مناسب پر کنید: «ضرب علی... الخندق افضل من عباد الثقلین». یوم.  
 جنگی که خوارج در برابر حضرت علی علیه السلام به پا کردند؟ نهروان.



عزیزان من! حالا اگر اول کلمات گل برگ ها را کنار هم بگذاریم، یکی از القاب آن امام بزرگوار می شود؟ بله، امیرالمؤمنین. با این که تمامی دوازده امام ما، امیرالمؤمنین بودند؛ اما حتی خود آنان نیز، فقط امام علی علیه السلام را به علت احترام فوق العاده ای که برای آن حضرت قائل بودند، با لقب امیرالمؤمنین یاد می کردند.

۱. بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۲۱۶ (در جنگ خندق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «ضربت علی علیه السلام در روز خندق، بالاتراز عبادت تمام جن وانس است»).

یکی از صفاتی که باعث شد او را امیرالمؤمنین بنامند و ما باید از ایشان الگو بگیریم چیست؟



بله، او مانند پروردگار خود (خدای رحیم) با همهٔ مردم مهربان بود. با کمی دقت و تأمل در زندگی آن حضرت، درمی یابیم که مهربانی در زندگی ایشان موج می زند. او نسبت به همهٔ مردم، مخصوصاً زنان و کودکان و حتی دشمنان خود مهربان بود؛ ولی دشمنان او از روی حسادت و برای جلوگیری از محبوبیت آن حضرت در میان مردم، تبلیغات منفی گسترده ای را به راه انداختند و او را فردی خشن، بی توجه و حتی نامسلمان نامیدند تا از پیوستن مردم به او جلوگیری کنند.

### حکایت:

روز گرمی بود، زن بیچاره، مشک آب را به سختی به دوش می کشید و نفس نفس زنان به سوی خانه اش می رفت. مردی ناشناس به او برخورد، مشک را از او گرفت و خودش به دوش کشید. کودکان خردسال زن، چشم به در دوخته و منتظر آمدن مادر خود بودند. در خانه باز شد. کودکان معصوم دیدند مرد ناشناسی همراه مادرشان به خانه آمده و مشک آب را به جای مادرشان به دوش گرفته است. آن مرد، مشک را زمین گذاشت و از زن پرسید: «معلوم است مردی نداری که خودت آب کشی می کنی؛ چه طور شده که تنها مانده ای؟»

زن گفت: «شوهرم سرباز بود. علی بن ابی طالب او را به یکی از مرزها فرستاد و در آن جا کشته

شد. اکنون منم و این چند طفل خردسال؟»

مرد بیش از این حرفی نزد. سرش را به زیر انداخت و خداحافظی کرد و رفت؛ ولی در طول آن روز، آن زن و بچه‌هایش لحظه‌ای از فکر او بیرون نمی‌رفتند. شب را نتوانست راحت بخوابد. صبح زود زنبیلی برداشت و مقداری آذوقه از گوشت، آرد و خرما، در آن ریخت و به طرف خانه آنان رفت و در زد. کسی از پشت در صدا زد: «کیستی؟» مرد گفت: «همان بنده‌ی خدای دیروزی هستم که مشک آب آوردم. حالا مقداری غذا برای بچه‌ها آورده‌ام.»

زن گفت: «خدا از تو راضی شود؛ و خودش بین ما و علی بن ابی طالب حکم کند.» در باز شد و آن مرد به خانه داخل شد و گفت: «دلّم می‌خواهد ثوابی کرده باشم. اگر اجازه بدهی، خمیر کردن و پختن نان، یا نگه‌داری اطفال را من برعهده گیرم.» زن گفت: «بسیار خوب؛ ولی من بهتر می‌توانم خمیر درست کنم و نان بپزم. تو بچه‌ها را نگه‌دار تا من از پختن نان فارغ شوم.»

زن مشغول درست کردن خمیر و پختن نان شد و مرد، مقداری گوشت را که خود آورده بود کباب کرد و با خرما، با دست خود به بچه‌ها خورانید. او با هر لقمه‌ای که به دهان کودکان می‌گذاشت، می‌گفت: «فرزندم! علی بن ابی طالب را حلال کن، اگر در کار شما کوتاهی کرده است.» خمیر آماده شد و زن صدا زد: «بنده خدا! تنور را آتش کن.»

مرد ناشناس رفت و تنور را آتش کرد. شعله‌های آتش زبانه کشید. مرد، چهره‌ی خویش را نزدیک آتش آورد و با خود گفت: «حرارت آتش را بجش! این است کیفر کسی که در کار یتیمان و بیوه‌زنان کوتاهی می‌کند.»

در همین حال، زنی از همسایگان به آن خانه وارد شد و مرد ناشناس را شناخت. به زن صاحب‌خانه گفت: «وای به حال تو! این مرد را که کمک گرفته‌ای می‌شناسی؟ این امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب است.»

زن بیچاره جلو آمد و گفت: «هزاران خجالت و شرمساری بر من! من از تو معذرت می‌خواهم.» امام علی علیه السلام فرمود: «نه! من از تو معذرت می‌خواهم که در کارت کوتاهی کرده‌ام.»

دوستان عزیز! پیامبر اکرم ﷺ در حدیث شریفی می فرماید:

«هر کس ..... نکند، به او ..... نشود؛

و هر کس ..... ، ..... نشود؛

و هر کس ..... کسی را نپذیرد، خداوند ..... او را نخواهد پذیرفت.»

برای این که به مطالب این حدیث شریف دست یابیم، سه کلمه باید مشخص شود تا در جاهای خالی قرار گیرد.

کلمه اول، همان موضوع بحث امروز ماست؛ موضوع بحث امروز ما چیست؟ بله، مهربانی.

اما برای این که کلمه دوم به دست آید، باید جدول قرآنی زیر تکمیل شود.

### سؤالات جدول قرآنی:


۱ بزرگ‌ترین سوره قرآن، چه سوره‌ای است؟ بقره.

۲ دود عربی و نام سوره‌ای در قرآن؟ دخان.

۳ یکی از نام‌های قیامت و سوره هشتاد و هشتم قرآن است؟ غاشیه.

۴ نام سوره‌ای از قرآن و قبیلۀ پیامبر اکرم؟ قریش.

حالا حدس بزنید رمز جدول چیست؟

(اگر حرف اول ردیف اول جدول، حرف دوم ردیف دوم، حرف سوم ردیف سوم و حرف چهارم

ردیف چهارم را کنار هم بگذاریم، رمز به دست می آید.)

بله، آفرین! بخشش؛ پس دومین کلمه هم مشخص شد.

بچه‌های عزیز! یکی از ابعاد مهربانی امام علی علیه السلام بخشش است.

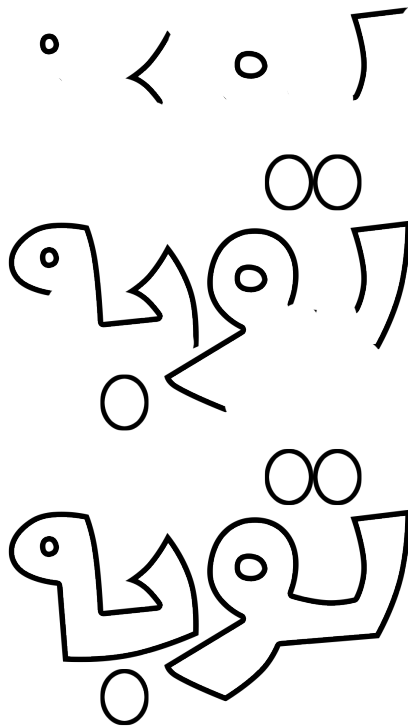
همان‌طور که می دانید، بخشش دو معنا دارد: یکی به معنای هدیه دادن اموال و وسایل است

و دیگری به معنای گذشت است؛ که آن حضرت در عمل به هر دو معنی کوشش و تلاش می کرد.

داستان بخشش انگشتر امام علی علیه السلام در نماز را که شنیده‌اید؟ اینک به داستان دیگری از بخشش

آن حضرت توجه کنید:

یک روز در گرماگرم جنگ، حریفی که در حال نبرد با امیرالمؤمنین علیه السلام بود، گفت: «ای علی! شمشیر خوبی داری؛ کاش آن را به من می‌بخشیدی!»  
 حضرت شمشیر خود را به سوی او انداخت و گفت: «این شمشیر برای تو باشد.»  
 دشمن کافر سخت متعجب شد و گفت: «آیا در چنین وقتی شمشیر خود را به دشمن می‌دهی؟»  
 امام علی علیه السلام فرمود: «چه می‌توان کرد؟ تو دست نیاز دراز کردی و محروم کردن نیازمند از جوانمردی به دور است.»  
 آن دشمن خود را به پای علی علیه السلام انداخت و گفت: «آن چه تو را چنین بزرگوار ساخته، دین و آیین توست. دینت را می‌پذیریم و پای تو را می‌بوسم.»  
 اما به سراغ کلمه سوم برویم؛ حدس بزنید با این عدد چه کلمه‌ای ساخته می‌شود؟



۱. شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ص ۴۱۳.

بله، کلمه سوم توبه است.

برای تکمیل حدیث پیامبر، این ۳ کلمه باید به ترتیب در جملات اول، دوم و سوم گذاشته شود: «مهربانی، بخشش (دو فعل از مصدر بخشش) و توبه».

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید:

«هر کس مهربانی نکند، به او مهربانی نشود؛

و هر کس نبخشد، بخشیده نشود؛

و هر کس توبه کسی را نپذیرد، خداوند توبه او را نخواهد پذیرفت.<sup>۱</sup>»

دوستان خوبم! امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام همیشه به این توصیه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عمل می کرد. امام علی عَلَيْهِ السَّلَام توبه و عذر دیگران را می پذیرفت و از خطاهای آنان می گذشت. به نیازمندان بخشش می کرد و با همه مردم مهربان بود؛ حتی با دشمنانش.

هنگامی که ابن ملجم شمشیرش را بر فرق آن حضرت فرود آورد، امام بی هوش شد و وقتی به هوش آمد، به امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «این اسیر را در بند نگه دارید. غذایش بدهید، سیرابش کنید و سعی کنید اسارتش نیکو باشد. به پسرش امام مجتبی عَلَيْهِ السَّلَام نیز فرمود: «پسرم! بر اسیرت مهربان باش و به او مهر بورز. به او نیکی کن و دلسوزش باش» و هنگامی که بچه های یتیم برای آن حضرت شیر آوردند، فرمود: «آن را نزد اسیرتان ببرید.<sup>۲</sup>»

شهریاری می گوید:

به جز علی که گوید به پسر که قاتل من  
چو اسیر توست اکنون به اسیر کن مدارا

یا در شعر دیگری می گوید:

می زند پس، لب او کاسه شیر  
می کند چشم اشارت به اسیر  
چه اسیری؟ که همان قاتل اوست  
تو خدایی مگر؟ ای دشمن دوست!

ما مسلمانان اگر بخواهیم در زمره شیعیان و پیروان واقعی آن حضرت قرار بگیریم، باید مانند او

۱. کنز العمال، ح ۵۹۶۶.

۲. حسین سیدی، امیر گل ها، ص ۱۸۱.

با همهٔ مردم مهربان و اهل بخشش و پذیرفتن عذر دیگران باشیم .

خب دوستان خوبم! آماده‌اید با هم این اشعار را زمزمه کنیم:

یا مولا نظری مولا (۳) علی علی مولا (۳) علی

من خاکِ قَدَمَت هستم (۲) محتاجِ کَرَمَت هستم

مشتاقِ حرمت هستم علی علی مولا (۳) علی

جان من فدای تو (۲) دست من و عطای تو (۲) علی

منم غلامت، کنم سلامت (۲) علی علی علی مولا (۳) علی

امام مایی، تو ابوترابی، تو دلربایی علی هر چه که هستم، دل به تو بستم (۲) علی

عاشق احمد علی (۳) علی علی علی مولا (۳) علی

روح مناجات (۳) علی قبلهٔ حاجات (۳) علی

حبیب مایی، طیب مایی (۲)، علی علی علی مولا (۳) علی

ساقی کوثر (۳) علی، شافع محشر (۳) علی

به نزد داور (۳) علی علی علی مولا (۳) علی

دوستان عزیز! با آرزوی این که ان شاء الله خداوند شمارا از یاران و شیعیان واقعی آن حضرت قرار

دهد، برنامه را پایان می دهیم .

خداوندا! به عظمت امام علی علیه السلام، ما را به دیگران دلسوز و مهربان قرار ده .

آمین یا رب العالمین!



## تلاش و نشاط

موضوع: اردو

اهداف کلی: آشنایی با زندگی گروهی در اردو

اهداف جزئی:

▪ آشنایی با مفهوم اردو

▪ ایجاد روحیه وحدت و هم‌دلی

▪ رسیدن به مرحله هم‌اندیشی

▪ مسابقات و بازی‌های گروهی

هدف رفتاری: شناخت مفهوم اردو و آموزش رعایت اصول هم‌زیستی در زندگی

روش‌های مناسب تدریس: توضیحی و فعال (سرود، مسابقه، بازی و هم‌اندیشی)

وسیله آموزشی: کارت

## اردوی تلاش و نشاط

می‌گشایم زبان به نام خدا      که ز نامش جهان شده برپا  
حمد بی حد به خالق یکتا      قادر است و علیم و بی‌همتا

### اردو

اردو، یعنی فراهم شدن لحظه‌های گران بها تا مریبان بتوانند با به کارگیری روش‌های مناسب ضمن سیر و سیاحت و تفریح و سرگرمی، به کارهای فرهنگی و تقویت باورهای مذهبی، دینی و علمی نوجوانان و جوانان بپردازند.



اردو، حرکتی گروهی است برای:

- آشنایی بیش تر با کسانی که با آن‌ها بوده‌ایم؛
- ره‌پویی و تلاش در مسیر رشد و کمال در کوتاه‌ترین مدت، برای دست‌یابی به الگویی مناسب

درزندگی؛

▪ گزینش و امتحان دوستان مناسب؛

▪ تجربه وحدت و هم‌دلی برای خلق لحظه‌های خاطره‌انگیز.

پس به خوبی معلوم شد که اردو با کلاس تفاوت دارد؛ چراکه در کلاس فضا محدود است، یک نواختی به همراه دارد، نقش اصلی را معلم برعهده دارد و مشارکت کم‌رنگ است و رنگ‌وبوی آموزشی دارد؛ ولی در اردو فضا محدود نیست، برنامه‌ها متنوع است، دانش‌آموزان محور اصلی برنامه‌ها هستند و مشارکت پررنگ است و وجهه تربیتی دارد.

از آن جا که غالباً در برنامه‌های تابستانی اردوها در یک روز برنامه‌ریزی می‌شوند، در این بخش می‌خواهیم به کمک هم‌دیگر، نحوه رفتن به اردوی یک‌روزه را مرور کنیم؛ ناگفته نماند همین قالب در اردوهای بیش از یک روز هم قابل اجراست و نکات لازم برای اردوهای چندروزه در پایان این نوشتار خواهد آمد.

ابتدا بهتر است بدانیم اردو ارکانی دارد:

**رکن اول: مدیر اردو**

وظایف مدیر اردو از این قرار است: انتخاب نام اردو (مانند: طبیعت)، داشتن هدف (مثلاً تثبیت و تقویت یک صفت خوب در بچه‌ها)، گزینش نیروهای کمکی در اردو، گزینش دانش‌آموزان (با امتیاز، آزمون و...)، تقسیم کارها، انتخاب مسیر و مکان اردو و برنامه‌ریزی و ارزش‌یابی.

**رکن دوم: معاونان اجرایی، فرهنگی و ورزشی**

وظایف این معاونان نیز بدین شرح است: ثبت نام و گروه‌بندی بچه‌ها، رضایت‌نامه، نظارت بر انتظامات، اجرای برنامه‌های فرهنگی، تربیتی، صبح‌گاهی، ورزشی، مسابقات و... .

**رکن سوم: تدارکات**

وظایف رکن تدارکات نیز چنین است: تهیه و تأمین وسیله نقلیه، تغذیه، دارو و امداد و... .

**برنامه‌های اردویی**

**الف) داخل ماشین: سرود و مسابقات مختلف.**

دانش‌آموزان عزیز سلام!

ورود شما را به این اردو خوش آمد می‌گوییم. در آغاز با هم دعای مختصر سفر و سلامتی را می‌خوانیم: «فَاللّٰهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِيْنَ». حالا برای آغاز برنامه‌ها، دعای سلامتی امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام را زمزمه می‌کنیم.

نوبتی هم که باشد، نوبت شماست. هر کدام از شما ضمن معرفی خودتان، یک جمله آموزنده بگویید. بهترین جمله‌ها امتیاز بیش‌تری می‌گیرند (چنان‌چه جایزه بود، به بهترین جمله هدیه داده شود).

حالا شعری درباره‌ی اردو می‌خوانم و شما پایان هر بند را تکرار کنید:

اردو، اردوی شادی، اردوی تلاشه	هر کس ز رنگ‌تره دل ما باهاشه
اخماتو واکن روز، روز شادیه	جمع‌مون جَمعه، غصه زیادیه
خوش اومدی برادر خوب من	ای که خندونی مثل گل تو چمن!
از دیدنت خوش‌حالم، خوش‌حالم،	خوش‌حالم به وجودت می‌بالم، می‌بالم، می‌بالم
خوب معلومه که خیلی پرتلاشی	تو دل خود بذر امید می‌پاشی
مشغول نمی‌شی همیشه به بازی	آینده‌تو با دست خود می‌سازی
از تنبلی بیزاری، بیزاری، بیزاری	تو زندگی بیداری، بیداری، بیداری
تو یه خدای مهربونی داری	تو رو به سوی سعادت می‌بره
تا اونو داری غصه‌ای نداری	اونو نکن فراموش، فراموش، فراموش
از پدر و مادر مهربون‌تره	به دستوراش بکن گوش، بکن گوش، بکن گوش
یک وقت نگي ناتوون و ضعيفم	بگو همه سختی‌ها رو حریفم
یک وقت نیاد نااومیدی سراغت	فکر بد، خاموش نکنه چراغت
از تنبلی بیزاری، بیزاری، بیزاری	حتماً خوندی تو قرآن این آیه رو
تو زندگی بیداری، بیداری، بیداری	لیس للانسان الا ما سعی

یعنی هرچی تلاش کنی تو دنیا جایزه شو تو می‌گیری از خدا  
 از دست ندی فرصت‌ها، فرصت‌ها، فرصت‌ها قدر بدون از نعمت‌ها، نعمت‌ها، نعمت‌ها  
 امیدوارم تو اردو خوش بگذره دوست خوب پیدا کردن، یادت نره  
 با خاطرات خوش از این جا می‌ری گه‌گاهی هم سراغ از ما می‌گیری

حالا چندتا معما می‌پرسم، ببینم کی بیش تر حواسش جمع است؟

۱. یک سؤال از تو دارم ای حکیم پره‌نر! اندر این صحرا بدیدم بوالعجایب جانور  
 مورچشم و ماردم، کرکس پرو عقرب شکم پای او مانند اره، شیرسینه، اسب سر  
 بله، ملخ.

۲. در کاف هست، در قاف نیست؛ در لام هست، در میم نیست و در غین هست و در عین  
 نیست.  
 بله، کلاغ.

۳. چیستم ای نیک فال؟ می‌پریم من دوبرال

سوزنی دارم نهان جای آن اندر دهان  
 کوچکم من در نظر لیک هستم پرخطر  
 بله، پشه.

**ب) افتتاحیه و اختتامیه ۱: قرآن، نیایش، سرود، برنامه‌ها و مسابقه‌های شاد**

در افتتاحیه هم برنامه‌هایی چون: تلاوت قرآن، سرود جمهوری اسلامی، مسابقه‌ها و  
 برنامه‌های شاد، مثل اجرای تئاتر توسط بچه‌ها یا برنامه‌ای شاد از مربیان و... اجرا می‌شود.

یک نمونه از برنامه‌های افتتاحیه

می‌خوام براتون یه قصه نمایشی بگم.

(مربی می‌تواند با توجه به مخاطبان قصه و حدیث زیر را به صورت نمایشی اجرا کند و  
 لحظه‌های طنزی را بیافریند. در صورت امکان، یکی از بچه‌ها را در نقش درخت، یک نفر را

۱. اختتامیه هم تقریباً مثل افتتاحیه و با اندکی تفاوت (مثل سرود وداع، خدا حافظی، گذر از زیر قرآن و...) برگزار می‌شود.

در نقش سؤال کننده و یکی دیگر را هم در نقش سلمان انتخاب می کند و خودش نقش گوینده داستان را برعهده می گیرد.

روزی از روزهای پاییز، سلمان و دوستش پای درختی به هم رسیدند. پس از سلام و احوال پرسی، نشستند و شروع به گفت و گو کردند. ناگهان دوستش دید سلمان بلند شد و درخت را تکان داد. چون فصل پاییز بود و برگ های درخت زرد شده بودند، روی زمین ریختند. با تعجب گفت: «ای سلمان! چرا این کار را کردی؟» سلمان گفت: «من هم یک روز با رسول خدا پای این درخت نشسته بودیم و صحبت می کردیم. ناگهان پیامبر این درخت را تکان داد. من همین سؤال را از پیامبر ﷺ پرسیدم. حضرت جواب دادند، وقتی بنده ای وضو می سازد و به نماز می ایستد گناهان و خطاهای او مانند برگ های زرد این درخت می ریزند و پاک می شوند.»

بچه های عزیز! در طول اردو هر سه وعده نماز، به جماعت برگزار می شود. منتظر حضور شما هستیم.

### ج) مسابقات آموزشی و تفریحی: ایستگاه شادی و نشاط

بخشی از روز را در صبح و بعد از ظهر، طبق برنامه ریزی قبلی به ایستگاه شادی و نشاط که دربرگیرنده مسابقه های مختلف است، اختصاص می دهیم؛ البته نباید از امتیازبندی و اهدای جایزه در پایان هرروز یا پایان اردو غافل شد.

#### چند نمونه از مسابقه ها:

۱. طناب کشی: بچه ها را گروه بندی می کنیم تا هر دو گروه، با هم دیگر مسابقه دهند و در نهایت گروه برنده مشخص شود.
۲. پنالتی زدن با چشم بسته: دو نفر را برای دروازه بانی و پنالتی زدن انتخاب می کنیم. با چشم بند، چشم هر دو را می بندیم. پنالتی زن باید بتواند با چشم بسته توپ را وارد دروازه کند و دروازه بان، چشم بسته بتواند مانع از گل شدن توپ شود.
۳. دویدن امدادی: دو گروه ۴ یا ۵ نفره را انتخاب می کنیم. دو نفر در خط پایان، یک نفر در وسط مسیر و یک نفر در ابتدای مسیر قرار می گیرند. مربی، دو لوله پلاستیکی (پولیکا) به طول ۱۵ سانتی متر که قبلاً سؤالی هم در کاغذی نوشته و درون آن ها گذاشته شده را به هر نفر می دهد.

نفرات اول باید با آغاز مسابقه، لوله را به نفر وسطی و آن‌ها به دو نفری که در انتهای مسیر هستند بدهد و آن‌ها باید سؤال را خارج و پاسخ را به مربی بدهند. هر گروهی که بتواند در اسرع وقت لوله را به نفرات رسانده و پاسخ صحیحی به سؤال بدهد، برنده مسابقه خواهد بود.

### د) صبح‌گاه، جُنْگ شبانه، هم‌اندیشی

چنانچه اردو دو روز یا بیش تر طول کشید، برنامه‌هایی مانند:

- صبح‌گاه: شامل تلاوت قرآن، سرود ملی، بیان تذکرات و برنامه‌های اردو و ورزش و نشاط صبح‌گاهی؛
- جُنْگ شبانه: اجرای نمایش و برنامه جذاب؛
- هم‌اندیشی: که برای این کار کمیسیون‌هایی با موضوعی مشخص معرفی می‌شوند و بچه‌ها به صورت گروهی با مشورت هم‌دیگر در یک موضوع مربوط به موضوع اصلی، جمع‌بندی و گزارش خود را به مربی ارائه می‌کنند.



## امام بخشنده

موضوع: عقاید

هدف کلی: آشنایی با فضایل اخلاقی و سیره امام حسن مجتبی علیه السلام

اهداف جزئی:

- آشنایی با تاریخ و محل تولد امام حسن مجتبی علیه السلام
  - مراسم نام‌گذاری آن حضرت
  - دانستن معنای کلمه حسن
  - آشنایی با بخشش امام حسن علیه السلام
  - چگونگی الگو قرار دادن رفتار آن امام در زندگی
- هدف رفتاری (خروجی): درس گرفتن از الگوی عملی امام حسن مجتبی علیه السلام و رعایت آن در

زندگی

روش‌های مناسب تدریس: توضیحی و فعال (شعر، داستان، جدول، کاغذ و برش و بازی با

کلمات)

وسایل آموزشی: تابلو (تخته و گچ)



## امام‌بخشنده

به نام آن خداوندی که یادش کند آرام قلب بندگانش  
به وقت شام و وقت صبح‌گاهی به هرحالی کنم شکرالهی

با سلام و به امید قبولی عبادت‌های شما در ماه مبارک رمضان!

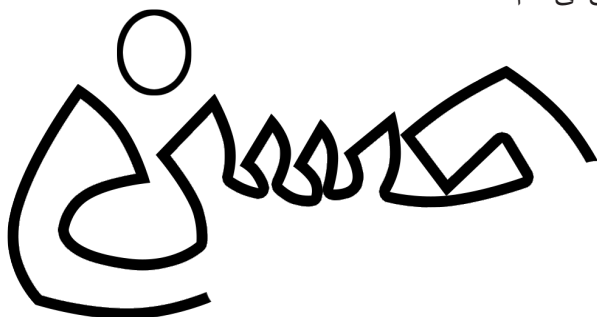
در ابتدای برنامه از شما می‌خواهم بگویید که موضع برنامه چیست؟

برای همین به واژه روی تخته توجه کنید.

نه، این‌ها عدد نیستند؛ بلکه این یک کلمه است.



کمی راهنمایی می‌کنم.



روز پانزدهم این ماه، تولد معصوم چهارم است.

# حسن

بله، «حسن».

نام چند امام ما حسن است؟ دو امام: امام دوم و یازدهم.

درس امروز ما درباره امام دوم، یعنی امام حسن مجتبی علیه السلام است.

قبل از امام حسن علیه السلام چند معصوم داریم؟ بله، ۳ معصوم: ۱. پیامبر صلی الله علیه و آله، ۲. حضرت علی علیه السلام،

۳. حضرت فاطمه علیه السلام.

به نظر شما بعد از تولد امام حسن علیه السلام، کدام یک از این معصومان نام مبارک حضرت را برگزید؟<sup>۱</sup>

پاسخ سؤال در داستان تولد امام حسن علیه السلام است.

در پانزدهم رمضان سال سوم هجری قمری<sup>۲</sup> مدینه، شهر پیغمبر نورباران شد و موجی از سرور

و شادی خاندان اهل بیت علیهم السلام را فراگرفت. این شادی به علت تولد اولین نوۀ پیامبر صلی الله علیه و آله بود.

علی علیه السلام و فاطمه علیه السلام، پدر و مادر این کودک هم شاد و خندان بودند. آن‌ها می‌خواستند مؤدۀ

این تولد را به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بدهند؛ لذا وقتی فاطمه علیه السلام از همسرش خواست او را نام‌گذاری کند،

علی علیه السلام فرمود: «می‌دانی که در چنین کار مهمی، هرگز بر رسول خدا صلی الله علیه و آله پیشی نخواهم گرفت.»

وقتی خبر به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید، حضرت بسیار شادمان شد و به خانۀ دخترش رفت. وارد خانه شد

و کودک را در بغل گرفت. او را در پارچۀ سفیدی قرار داده بودند. پیامبر او را به سینه‌اش چسباند و

بوسید. سپس از حضرت علی علیه السلام پرسید:

۱. جواب، خداوند متعال است.

۲. علی بن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۳.

«آیا نامی بر او گذاشته اید؟»

او جواب داد: «یا رسول الله! در نام گذاری او بر شما سبقت نمی گیرم.»

پیامبر ﷺ نگاهی به سوی آسمان انداخت و فرمود: «من هم در نام گذاری، بر خدا سبقت نمی گیرم.»

بعد از دقایقی رسول خدا ﷺ به حاضران در مجلس فرمودند: «خداوند، این نوزاد را حسن نامید و ما نیز همین نام را بر او می نهیم.»<sup>۱</sup>

آن حضرت، بعد از حمد و سپاس به درگاه الهی، در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه خواندند.

در روز هفتم، پیامبر ﷺ گوسفندی قربانی و بین مستمندان تقسیم کردند. مقداری پول هم صدقه دادند.<sup>۲</sup>

برنامه را با کاغذ و برش ادامه می دهیم. بچه ها! دقت کنید که چه چیزی به دست می آید.

الف) مقوای مستطیل شکلی را برداشته و آن را از نیمه تا می زنیم.

ب) شکل گلی را در کناره تا شده آن به صورت نقطه چین می کشیم.

ج) اکنون شکل نقطه چین شده را برش می زنیم.



۱. محمد باقر مجلسی، پیشین، ج ۴۳، ص ۲۳۸ و ج ۱۰۱، ص ۱۰۹.

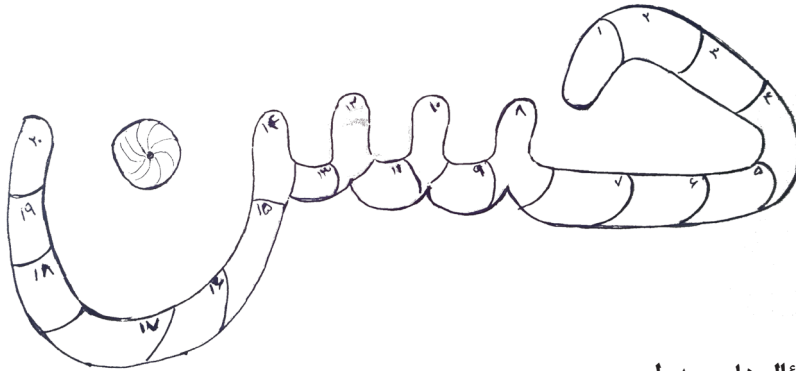
۲. سید محمد الامین، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۵۶۲.

بله، دسته گل.

روز تولد امام حسن مجتبی علیه السلام یک دسته گل تقدیم تان می کنیم.

آیا می دانید «حسن» به چه معناست؟ بله، به معنای نیکو و زیباست. امام حسن علیه السلام هم چهره زیبا داشتند و هم دارای صفات و فضایل اخلاقی و رفتاری نیکویی بودند که به یک نمونه اشاره می کنیم.

حالا یک پیام زیبا را از امام حسن مجتبی علیه السلام در جدول پیدا می کنیم که نشان می دهد یک کار زیبا چگونه به انسان آرامش می دهد؛ همان طور که دل انسان با یاد خدا آرامش پیدا می کند. می رویم سراغ جدول و با هم جدول را حل می کنیم (جواب سؤال ها را در خانه هایی که شماره های شان داده شده بگذارید).<sup>۱</sup>



### سؤال های جدول:

۱. عقل و هوش؟ خرد. (۴، ۱۴ و ۱۸)
۲. به آدم جاهل چه می گویند؟ نادان. (۲، ۱۷، ۵، ۱۹ و ۱۰)
۳. اولین حرف سوره قلم؟ ن. (۱۵)
۴. سوره ای که درباره روزگار سخن می گوید؟ دهر. (۱۳، ۶ و ۸)
۵. حیوان وفادار؟ سگ. (۹ و ۱۶)
۶. چه چیز مایه حیات است؟ آب. (۱۱ و ۱)

۱. مربی طرح را آماده می کند تا دانش آموزان پیام زیبای امام حسن علیه السلام (بخشندگان در آرامش هستند) را از جدول به دست آورند.

۷. امام سجاد علیه السلام معصوم چندم است؟ ششم. (۳، ۷ و ۲۰)

۸. حرف چهارم الفبای فارسی؟ ت. (۱۲)

حرف اول را می نویسیم. بعد سه تا سه تا شمرد، حروف را کنار هم می نویسیم تا سخن امام حسن علیه السلام به دست می آید: «بخشندگان در آرامش هستند»؛ چرا؟ چون می دانند که بخشندگی را دوست دارد و به شخصی که این کار را می کند، ده ها برابر پاداش می دهد. خود امام حسن علیه السلام چندین بار تمام دارایی اش را به دیگران بخشید؛ به همین دلیل به ایشان «کریم اهل بیت» گفته اند.

### حکایت:

روزی امام حسن علیه السلام بر اسبی سوار بود و از جایی عبور می کرد. شخصی جلو آمد و گفت: «چه اسب خوبی داری!» امام فهمید که او نیاز به اسب دارد؛ ولی خجالت می کشد آن را از امام درخواست بکند. از اسب پیاده شد و آن را به او بخشید.<sup>۱</sup>

به به چه کار خوبی! بچه های عزیز! ان شاء الله شما هم دست بخشنده دارید؛ البته یادتان باشد که این کار را با اجازه بزرگ ترهای تان انجام دهید.

در انتها، برنامه را با سرودی از تولد امام حسن مجتبی علیه السلام و دعا به پایان می بریم.

۱. محمد بن علی بن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۲۲ (فاما السخی ففی راحه).

۲. همان، ص ۲۳.

## حسن خوش آمد

حسن به دنیا آمد      صفای گل‌ها آمد  
عزیز زهرا آمد      حسن خوش آمد (۲)

\*\*\*

آمد جهان زیبا شد      گل‌ها به عشقش واشد  
بر شیعیان مولا شد      حسن خوش آمد (۲)

\*\*\*

داده خدای یکتا      یک یار خوب و زیبا  
بهر علی و زهرا      حسن خوش آمد (۲)  
مدینه شد گل‌باران      گل‌های زیبا خندان  
گوید به عشقش هر آن      حسن خوش آمد (۲)

خدایا! همه ما را از یاران واقعی امام حسن علیه السلام قرار بده.

خدایا! عیدی ما را ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار بده.

اللهم کن

لولیک الحجة بن الحسن ...

## اولین پیروزی مسلمانان

موضوع: اجتماعی

هدف کلی: آشنایی با مسئله اجتماعی دفاع مقدس و آثار آن

اهداف جزئی:

- آشنایی با آیاتی از سوره آل عمران
  - قرائت آیاتی از سوره انفال
  - آشنایی با معنی و مفهوم آیات در تبعیت از رهبری
  - شرایط بهره‌مندی از امدادهای غیبی الهی در جامعه
- هدف رفتاری: توانایی دانش‌آموزان برای درک وجود دفاع مقدس و لزوم تبعیت از رهبری در جامعه و ارائه دلیل

روش‌های مناسب تدریس: توضیحی و فعال (پرسش و پاسخ، جدول و داستان)

وسایل آموزشی: تابلو (تخته و گچ)

## اولین پیروزی مسلمانان

■ با سلام خدمت شما و آرزوی توفیق در کارهای تان! به مناسبت ماه رمضان برنامه‌های متنوعی برای جنگ با شیطان و پیروانش در نظر گرفته‌ایم که امید است آن‌ها را بپسندید. ابتدا از قاری محترم قرآن تقاضا می‌شود برای آغاز این مبارزه، برنامه را با چهار آیه از آیات کلام خدا، قرآن، دو آیه از سوره آل عمران و دو آیه از سوره انفال مزین نماید.<sup>۱</sup>

قاری محترم قرآن، ابتدا ۲ آیه از سوره آل عمران را قرائت می‌فرماید:

«إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمَدِّدَ كُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلاَفٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ \* بَلَىٰ إِنْ تَصَبَّرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا يُمَدِّدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلاَفٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ» (آل عمران، آیات ۱۲۴ و ۱۲۵)

با تشکر از قاری محترم!

حالا به پرسش‌هایی که می‌پرسم پاسخ دهید تا از برندگان شوید و در مسابقه شرکت داده شوید.<sup>۲</sup>

■ قاری محترم چند آیه از قرآن را خواند؟

■ آیه‌های قرائت شده از کدام سوره قرآن بود؟

■ پروردگار مؤمنان را چگونه در جنگ‌ها یاری می‌کند؟

تا به حال سه نفر از افراد مسابقه معلوم شدند. برویم سراغ سه نفر دیگر. حالا قاری محترم دو آیه دیگر از سوره انفال را قرائت فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ \* وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال، آیات ۴۵ و ۴۶)

۱. مرتبی با هماهنگی قبلی، قرآن را آماده کند تا برای ترسیم بخشی از فضای جبهه و جنگ، دو آیه از سوره آل عمران (آیات ۱۲۴ و ۱۲۵) و دو آیه از سوره انفال (آیات ۴۵ و ۴۶) قرائت شود. ترجمه را هم بخواند. بهتر است برنامه در فضای باز و در زمان صبح اجرا شود.

۲. مرتبی با یادداشت امتیازها از میان بچه‌ها دو گروه سه نفره انتخاب کند تا با پاسخ صحیح هر پرسش، یک نفر را که در جدول مطابق طرح در درس آمده است، نام نویسی کند.



اکنون به پرسش‌های دیگری که می‌پرسم پاسخ دهید تا سه نفر مشخص و در مسابقه شرکت داده شوند.<sup>۱</sup>

- اثر و نتیجه پیروی از فرمان خدا و رسول خدا چیست؟
  - برای پیروزی در میدان نبرد و غلبه بر کافران چه باید کرد؟
  - عامل ضعیف شدن مسلمانان و نابودی قدرت‌شان در میدان نبرد چیست؟
- آفرین!

سه نفر دیگر از افراد مسابقه هم معلوم شدند.

اکنون نوبت چیست؟

هر گروه برای خودشان، سرگروه و نام مناسبی انتخاب کنند تا مسابقه را شروع کنیم.

گروه	نام گروه	سرگروه	امتیازات
۲	میثم تمار	...	

گروه	نام گروه	سرگروه	امتیازات
۱	عمار یاسر	...	

راستی می‌دانید عمار یاسر کیست؟

پدرش (یاسر) اهل یمن بود که همراه ۲ برادرش به مکه آمده و در آن جا شد. او با زنی از اهل مکه ازدواج کرد و عمار ثمره این ازدواج بود. پس از بعثت پیامبر ﷺ پدر و مادرش، اسلام را پذیرفتند و شدیدترین شکنجه‌ها را به خاطر اسلام تحمل کرده و سرانجام زیر شکنجه مشرکان شهید شدند. او که فرزند دو قهرمان شهید بود، با عشق به اسلام و پیامبر ﷺ به حبشه هجرت کرد و بعد به پیامبر ﷺ پیوست تا در خدمت به اسلام، در رکاب پیامبر ﷺ باشد.

▪ پیامبر ﷺ درباره او فرمود: «سرایای او را، ایمان پر کرده؛ گویا ایمان با گوشت و خونش آمیخته است.

او، یکی از ۴ نفری است که بهشت، مشتاق آنان است. «این شیرمرد شجاع، در جنگ صفین در ۹۴ سالگی به شهادت رسید. معاویه درباره او، روزی که مالک اشتر در راه مصر شهید شد، گفت: «علی علیه السلام دو دست داشت: یکی از آن‌ها (عمار یاسر) در جنگ صفین بریده شد و دست دیگرش

۱. پاسخ پرسش‌ها در ترجمه آیات آمده است.

امروز جدا گردید و آن مالک اشتر بود.

«ایمان، صبر و شجاعت این مرد شجاع، الگوی همه رهروان راه حق و عدالت است.

حالا بگویید میثم تمار کیست؟

او نیز از یاران ایرانی اهل بیت علیهم السلام و اهل آذربایجان است. پس از اسلام آوردن برای نزدیکی بیش تر به اهل بیت علیهم السلام در کوفه بین عرب ها به عنوان غلام و خدمت کار زنی عرب، زندگی می کرد. امام علی علیه السلام که او را در کوفه می بیند می خرد و آزاد می کند. در این دیدار امام از او می پرسد: «اسمت چیست؟» او می گوید: «سالم». امام می فرماید: «اما پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود که پدرت اسم تو را در ایران «سالم» نگذاشته است. او بسیار تعجب می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله و جانشین او، درست می گویند. اسمش قبلاً سالم نبوده است؛ اما در کوفه هیچ کس از این موضوع باخبر نیست. امام علیه السلام به او می فرماید: از امروز نامت همان اسم تو در سرزمین خودت باشد. همان نامی که پدرت بر تو گذاشت. همان اسمی که پیامبر صلی الله علیه و آله مرا از آن آگاه کرد؛ بدین ترتیب حضرت علی علیه السلام نام او را از سالم تغییر داد و با دستور امام نامش، دوباره به همان نام قبلی ایرانی اش برگشت. او با پیروی از امام علیه السلام جزو یاران خاص او قرار گرفت. او روزی در منزل حضرت خدمت امام علی علیه السلام می رسد. حضرت می فرماید: «به خدا قسم! به خاطر دوستی تو با من، دست و زبانت را می برند و از نخل آویزانت می کنند.» او می پرسد: «آیا این اتفاق می افتد؟» امام می فرماید: «آری! این رازی است که پیامبر صلی الله علیه و آله به من گفته است.» او در پاسخ می گوید: «من ایمان دارم که این اتفاق می افتد. پیامبر صلی الله علیه و آله هرگز دروغ نمی گوید.» بیست سال بعد از این ماجرا، وی برای ملاقات با امام حسین علیه السلام به مدینه می رود. در خانه امام حسین علیه السلام همسر پیامبر صلی الله علیه و آله ام سلمه، را می بیند. از او در مورد امام حسین علیه السلام می پرسد. ام سلمه می گوید: «امام حسین علیه السلام نیز از شما زیاد یاد می کند.» وی خیلی خوش حال می شود و می گوید: «دلَم می خواهد امام را ببینم.» ام سلمه می گوید: «ایشان به باغ شان رفته اند.» وی برای دیدار امام حسین علیه السلام به باغ می رود. وقتی عبیدالله بن زیاد، حاکم کوفه می شود، دستور می دهد تا یاران امام حسین علیه السلام را دستگیر کنند. او را هم پس از دستگیری دست بسته نزد عبیدالله می برند. عبیدالله با تمسخر می گوید: «این برده ایرانی چه قدر مهم است که سیاسی هم شده و با حسین علیه السلام دیدار می کند.» مردم کوفه، همه او را

شیعه می‌شناختند. ابن زیاد او را شکنجه می‌کند. در شکنجه تا حدی پیش می‌رود که می‌گوید: «الآن خدای تو کجاست که کمکت کند.» وی خون از چهره پاک می‌کند و گوید: «در کمین تو و دشمنانت است.» در نهایت وی گوید: «چه طور جرئت می‌کنی با من این‌گونه صحبت کنی؟» او می‌گوید: «امام علی علیه السلام به من گفته تو زبان مرا بریده و از نخل آویزان می‌کنی و در پایان مرا می‌کشی، حتی من می‌دانم آن نخل کجاست. اگر بخواهی به تو نشان دهم.» ابن زیاد برای اینکه امام علی علیه السلام را دروغ‌گو خطاب کند، می‌گوید: «حالا که این‌طور است، من برخلاف آن گفته عمل می‌کنم.» اما وی که ایمان کامل به امام علیه السلام دارد، می‌گوید: «امام علی علیه السلام مولای من هرگز دروغ نمی‌گوید.» در این جا عبیدالله، او را زندانی می‌کند. وی در زندان کوفه زندانیان را علیه حکومت یزید و عبیدالله، می‌شوراند تا نظام ظالم مجبور شود ایشان را از زندان خارج کرده و دست و پایای شان را بریده و بر نخلی آویزان کند. وی بالای دار با دست و پای بریده، برای مردم صحبت می‌کند و ظلم را افشا می‌کند. در روز سوم، عبیدالله دستور می‌دهد تا زبانش را ببرند و سپس عبیدالله او را با نیزه‌ای به شهادت می‌رساند. آری! او به خاطر محبت به امام علی علیه السلام شهید می‌شود و این‌گونه وعده پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام درباره جناب میثم تمار به واقعیت می‌پیوندد. آفرین! امتیاز به کسی می‌رسد که پاسخ صحیح داد.

▪ امتیاز او را در جدول ثبت می‌کنم. حالا که نام دو گروه و سرگروه‌ها نام‌گذاری شدند، به ادامه مسابقه بپردازیم. از هر گروه می‌خواهم که در جدول خود با دقت و توجه به شماره‌هایی که می‌گویم، با حرف‌ها کلمه مناسبی را بسازد و آن را تعریف کند.

▪ آماده‌اید؟

گروه یک:

حرف‌های خانه‌های: ۴، ۱۰، ۱۱ و (ر، ه، ز).

گروه دو:

حرف‌های خانه‌های: ۳، ۹ و ۱۰ (ن، م، ی).

گروه یک:

حرف‌های خانه‌های: ۶، ۱۶، ۱، ۳ و ۱۹ (ش، م، ی، ش، ر).

گروه دو:

حرف‌های خانه‌های: ۶، ۱۳، ۱، ۱۶ و ۱۹ (س، س، م، ل، ل). (ل، ل).

گروه یک:

حرف‌های خانه‌های: ۲، ۱۸ و ۱۲ (ا، ب، س).

گروه دو:

حرف‌های خانه‌های: ۲، ۴، ۵ و ۱۸ (ت، ن، ا، ک).

گروه یک:

حرف‌های خانه‌های: ۷، ۵، ۲۰ و ۱۵ (پ، م، چ، ر).

گروه دو:

حرف‌های خانه‌های: ۷، ۱۱ و ۱۴ (و، ن، ا).

اکنون، امتیاز هر گروه اعلام و در تابلو ثبت می‌شود:

حالا هر دو گروه به خاطره‌ای که خوانده می‌شود، توجه کنند و به سؤال‌هایی که پرسیده می‌شود با پاسخ صحیح امتیاز را برای خود ثبت کنند.

آماده‌اید؟

جریان حمله به خرمشهر، می‌بیند که ۵ دستگاه از تانک‌های عراقی به سمت رزمندگان اسلام هجوم آورده و در صدد محاصره و قتل عام آن‌ها هستند. او در حالی که چند عدد نارنجک به کمرش بسته و تعدادی را در دستش گرفته بود به طرف تانک‌ها حرکت می‌کند. تیری به پای او می‌خورد و مجروح می‌شود. بدون هیچ تردید از لابه‌لای تیرها، خود را به تانک پیشرو عراقی رسانده و با نارنجک، تانک را منفجر می‌کند و خود نیز تکه‌تکه می‌شود. پس از انفجار، نیروهای دشمن گمان می‌کنند که حمله‌ای صورت گرفته، روحیه خود را می‌بازند و به سرعت تانک‌ها را رها کرده، فرار می‌کنند. در نتیجه محاصره خرمشهر، شکسته می‌شود و پس از مدتی نیروهای کمکی سرمی‌رسند. صدای جمهوری اسلامی ایران با قطع برنامه‌های خود اعلام می‌کند که نوجوانی سیزده ساله با فداکاری زیر تانک عراقی رفته، آن را منفجر کرده و خود نیز به شهادت رسیده است. در پیامی که به مناسبت دومین سال‌گرد پیروزی انقلاب اسلامی صادر می‌کنند، می‌فرمایند: رهبر

است - و خود - نیز - شربت - شهادت - نوشید - که - با - قلب - کوچک - خود - که - ارزشش - از - صدها - زبان و قلم - بزرگ تر - ما - آن - طفل - ۱۳ ساله ای - است - با نازنجک - خود را - زیر تانک - دشمن - انداخت - و آن را - منهدم - نمود .

امتیاز برای گروهی است که از کلمه های درهم ، جمله صحیح را به دست آورد . امتیازش ثبت می شود . حالا به پرسش ها پاسخ دهید :

• جمله ی : « رهبر ما آن طفل سیزده ساله ای است که با قلب کوچک خود که ارزشش از صدها زبان و قلم بزرگ تر است ، با نازنجک ، خود را زیر تانک دشمن انداخت و آن را منهدم نمود و خود نیز شربت شهادت نوشید . » از کیست ؟ امام خمینی رحمته الله علیه .

• منظور از « طفل سیزده ساله » چه کسی است ؟ شهید حسین فهمیده .

• چه روزی به افتخار او روز دانش آموز در ایران نام گذاری شده است ؟ ۱۳ آبان .

• تصویر این شهید روی اسکناس چند ریالی چاپ شده است ؟ دوهزار ریالی .

خاطره ای که خوانده شد ، درباره جنگ ایران بود . حالا به داستانی از صدر اسلام گوش کنید تا در پایان به سؤالی که می پرسم ، جواب دهید :

در یکی از روزهای جنگ خیبر فرماندهی عملیات ، با خلیفه اول بود که متأسفانه فرار کرد و به وقت برگشتن ، او نفرات خود را متهم به ترس و فرار می کرد و نفراتش او را . روز دوم ، فرماندهی با خلیفه دوم بود ، او نیز مانند خلیفه اول فرار کرد .

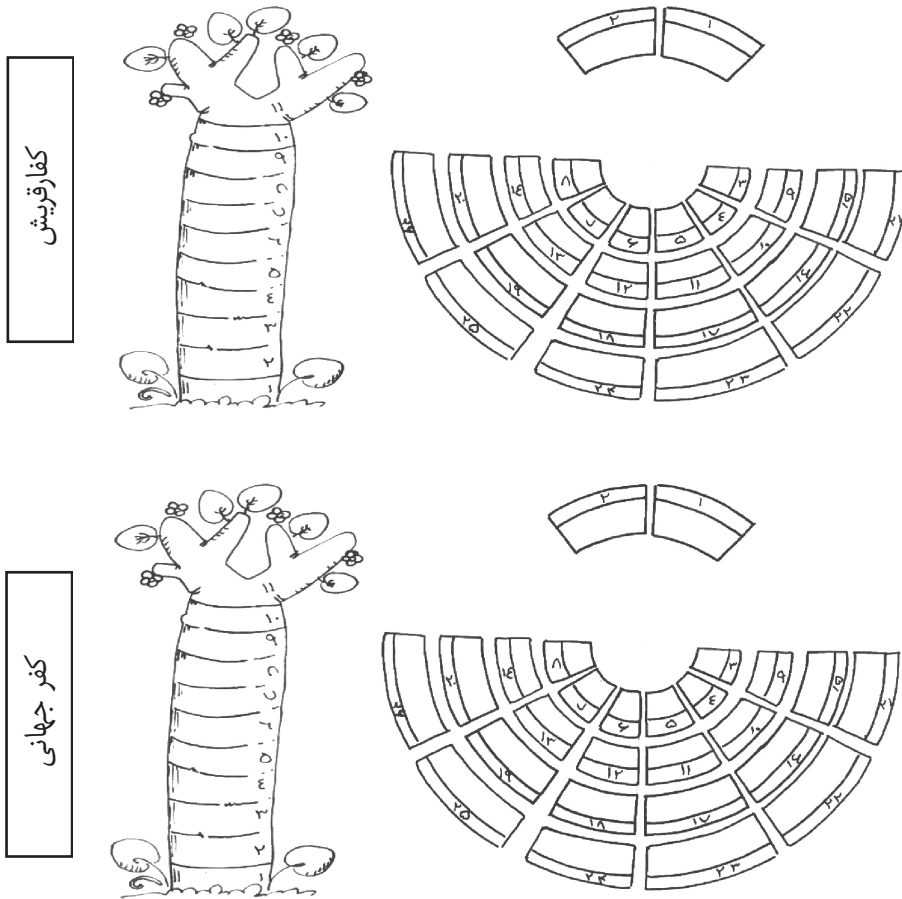
رسول خدا صلی الله علیه و آله که از این پیش آمد بسیار ناراحت شده بود ، فرمود : « فردا پرچم را به دست مردی خواهم داد که خدا و رسولش او را دوست دارند و او ، خدا و رسولش را دوست دارد ، هجوم کننده است و فرار کننده نیست . از حمله بر نمی گردد تا خدا به دست او قلعه را فتح کند . » فردای آن روز که همه انتظار به دست آوردن این مقام را داشتند ؛ اما پیامبر صلی الله علیه و آله او را خواست و پرچم را به او داد و خدای بزرگ با دست او پیروزی را به مسلمانان عطا کرد .

۱ . در جنگ خیبر فرمانده کل که بود ؟ پیامبر صلی الله علیه و آله .

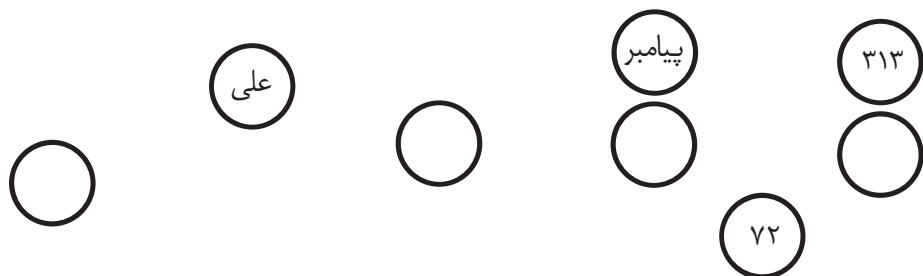
۲ . پیامبر صلی الله علیه و آله افتخار پرچم داری در جنگ خیبر را به چه کسی داد ؟ حضرت علی رضی الله عنه .

۳ . ویژگی های حضرت علی رضی الله عنه در پرچم داری جنگ خیبر چه بود ؟ الف ) مردی بود که خدا او

را دوست می داشت. ب) مردی بود که رسول خدا ﷺ او را دوست می داشت. ج) مردی بود که در جنگ، هجوم‌کننده بود. د) مردی بود که در جنگ، فرارکننده نبود. ه) مردی بود که در جنگ، حمله‌کننده بود. و) مردی بود که فاتح خیبر شد و خدا به دست او قلعه خیبر را فتح کرد.



حالا که در طرح با دو جبهه همیشه جنگ حق و باطل آشنا شدید، می خواهیم با یکی از جنگ‌های پیامبر در ماه رمضان آشنا شویم. ابتدا چند دایره روی تخته می کشم تا بفهمیم این دایره‌ها چه رازی برای ما دارند. داخل دایره‌ها، اعداد و کلمه‌هایی را می نویسم. آماده‌اید؟ خیلی ممنون.



اکنون به ترتیب، هر یک از کلمه‌ها را با هم می‌خوانیم و ارتباطش را با جنگی که پیامبر در ماه رمضان شرکت داشت مشخص می‌کنیم:

- پیامبر ﷺ فرمانده جنگ بود.
  - علی ع پرچم‌دار این جنگ بود.
  - ۳۱۳ نفر تعداد یاران پیامبر ﷺ در این جنگ بودند.
  - ۱۰۰۰ نفر تعداد سربازان لشکر کفر در این جنگ بودند.
  - ۷۰ نفر از دشمنان را مسلمانان در این جنگ به اسارت گرفتند.
  - ۷۲ نفر از مسلمانان در این جنگ به شهادت رسیدند.
  - امداد الهی مهم‌ترین عامل پیروزی مسلمانان بر قریش بود.
  - آزادی هر اسیر مشروط به آموزش خواندن و نوشتن ده نفر از فرزندان مسلمانان شد.
- حالا بیایید با هم از دایره‌ها نام این جنگ را پیدا کنیم. اگر دایره‌ها را به هم وصل کنیم مشخص خواهد شد چه کلمه‌ای به دست می‌آید.

یک راهنمایی: نام این جنگ در قرآن هم آمده است. از دو گروه کدام سرگروه می‌تواند نام این جنگ را ترسیم کند؟ راز دایره‌ها چه شد؟ بدر.

آفرین! در پایان امتیاز هر گروه را اعلام می‌کنم. گروه برنده، گروه... است. تشویق!  
اکنون قاری محترم آیه‌ای را تلاوت می‌کند که نام این جنگ در آن آمده است.

همه با ذکر صلوات گوش می‌سپاریم به قرائت قاری محترم! آماده‌اید؟

«وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (آل عمران، آیه ۱۲۳)»

## پیام آوران

موضوع: قرآن

هدف کلی: آشنایی بیش‌تر با هدف از بعثت انبیا

اهداف جزئی:

▪ آشنایی دین و مذهب و ضرورت دین

▪ آشنایی با وظایف و رسالت پیامبران

ابزار آموزشی: آیه‌های قرآن، روایت، شعر، مسابقه، جدول، کارت و داستان

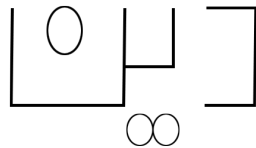
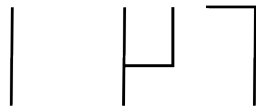
روش‌های بیان: مسابقه‌ای، پرسش و پاسخ و نموداری

به نام آفریدگاری هم‌تا

ای خدایی که تویی بنده‌نواز می‌کنم قفل دلم پیش تو باز

هر کجا می‌روم و می‌گذرم سایه مهر تو باشد به سرم

سلام به شما دانش‌آموزان عزیز! برنامه امروز را با استمداد از خدا آغاز می‌کنیم. موضوع برنامه را می‌نویسم ببینم کی می‌تواند حدس بزند. آماده‌اید؟ یک راهنمایی کنم: این ۱۲۶ نیست؛ بلکه یک کلمه سه حرفی است که سه تا نقطه دارد.



(مربی نقطه‌های یا و نون را بگذارد و سپس کلمه را کامل کند.)



بله، دین؛ یعنی راه و رسم زندگی؛ یعنی آیین و مذهب؛ یعنی احکام و قوانینی که اسلام برای دنیا و آخرت انسان‌ها ارائه کرده است.

ما و شما پیرو چه دینی هستیم؟ بله، اسلام.

(مربی کلمهٔ اسلام را روی کارت نوشته و به دانش‌آموزان نشان دهد.)

پس اگر پرسیدند دین شما اسلام است، یعنی چه؟ جواب چیست؟ یعنی ما باید زندگی مان را طبق قوانین و احکام اسلام تنظیم کنیم.

حالا بفرمایید دین اسلام را از چه کسی باید بگیریم؟ چه کسی می‌تواند دین را به ما معرفی کند؟

• (هم‌زمان با طرح سؤال این سه کلمه ← خود انسان

← دانشمندان و علماء را روی تخته بنویسید)

← خداوند

۱. خوب بفرمایید آیا انسان می‌تواند خودش برای زندگی خود برنامهٔ خوب تنظیم کند؟ چرا؟

چون انسان از همهٔ نیازهای دنیوی و اخروی خود اطلاع ندارد. علم و دانش انسان محدود

است. علامت این ناتوانی هم این است که بارها و بارها از رفتار و کردار خود پشیمان شده‌ایم؛ پس

انسان خودش قادر نیست برنامهٔ جامع و کاملی برای سعادت دنیا و آخرت خود تنظیم کند.

۲- پس می‌رویم سراغ گزینهٔ دوم؛ یعنی دانشمندان و خردمندان.

آیا واقعاً دانشمندان و دانایان نمی‌توانند این برنامهٔ جامع و کامل را برای انسان‌ها تنظیم کنند؟

چرا؟ بله، چون آن‌ها هم از همهٔ نیازهای واقعی انسان اطلاع کامل ندارند.

۳- پس می‌ماند راه سوم، خداوند حکیم و علیم.

(مربی کارت «خدای حکیم» را نشان دهد.)

چون او انسان را آفریده است. خالق و آفرینندهٔ هر چیزی به تمام اسرار آفرینش او آگاه است.

اوست که اطلاع کامل از هستی (ماهیت)، نیازها و خواسته‌های حقیقی انسان دارد؛ پس حق

این است که فقط خداوند باید دین را به بشر ارائه کند؛ اما بحثی که هست این است که خداوند

چگونه و به چه طریق دین را به ما معرفی و ابلاغ می‌کند؟ بله، بفرمایید! خداوند این کارها را

به وسیله‌ی؟

(مربی بعد از راهنمایی دانش آموزان، کارتی را که روی آن نوشته شده «پیامبران» به آن‌ها نشان دهد.)

بله، پیامبران کسانی هستند که خداوند آن‌ها را هدایت و سپس مأمور هدایت انسان‌ها کرده است. پیامبران انسان‌های برگزیده خداوند هستند که دستورها و احکام الهی (دین) را از طریق وحی از خداوند تحویل گرفته و به ما انسان‌ها ابلاغ می‌کنند.

با نگاه به این اعداد، بفرمایید منظور چیست و این اعداد چه ارتباطی با هم دارند؟

(مربی این اعداد را پای تخته بنویسد)

۵، ۲۸، ۱۲۴۰۰۰، ۵

(به ترتیب: اولولعزم، تعداد کل پیامبران الهی، اسامی انبیایی که در قرآن ذکر شده است و دفعات ذکر نام مبارک پیامبر اسلام ﷺ در قرآن)

اما مأموریت و وظیفه پیامبران چیست؟ برای رسیدن به پاسخ، اجازه بدهید با یک مسابقه برنامه را برگزار کنیم. ما ۲ گروه ۲۰

نفره می‌خواهیم.

برای گزینش شرکت‌کنندگان در مسابقه، چند سؤال طرح می‌کنم.

سؤال ۱: پیامبرانی که اول نام آن‌ها الف است را نام ببرید.

(هر نفر حداقل ۳ نام را باید بگوید) حضرت آدم، ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، ادريس و ایوب علیهم‌السلام.

سؤال ۲: پیامبرانی را که نام آن‌ها با حرف یاء (ی) شروع می‌شود نام ببرید؟

حضرت یعقوب، یوسف، یونس، یحیی و یوشع علیهم‌السلام.

سؤال ۳: سوره‌های قرآن را که به نام پیامبران است نام ببرید.

ابراهیم، محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، یوسف، هود و یونس علیهم‌السلام.

(نکته: مربی لازم نیست هر سه سؤال را طرح کند؛ بلکه هر کدام را نیاز بود و تشخیص داد بپرسد.)

حالا این چهار نفر را به دو گروه تقسیم (با رعایت تعادل درس و پایه درسی) کنید. نام گروه را

خودشان انتخاب کنند و روی تخته نوشته شود تا امتیازها به طور دقیق محاسبه گردد. اما مسابقه، سه مرحله ای است.

مرحله اول: شرکت کنندگان خوب به مطالبی که خوانده می شود دقت کنند. در صورت صحیح بودن جمله بگویند «الله» و اگر اشتباه است، بگویند «شیطان». هر سؤال ۱۰ امتیاز دارد.

سؤالات گروه اول:

انتخاب و تعیین پیامبران به دست خداست. الله

برای رسیدن به سعادت و خوش بختی دنیا و آخرت، پیش رفت های علمی کافی است. شیطان  
دین، تنها راه رسیدن به بهشت نیست. شیطان

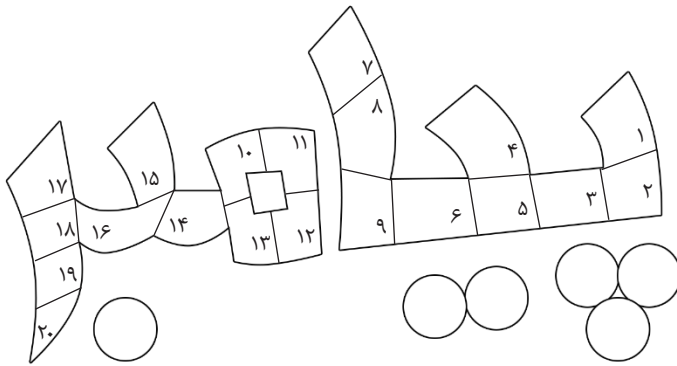
پیمودن سفر آخرت بدون راهنما، مثل امتحان دادن کتابی است که اصلاً نخوانده ایم. الله  
ادیان آسمانی و غیر آسمانی همه می توانند تضمین کننده بهشت باشند. شیطان  
سؤالات گروه دوم:

انسان می تواند بدون هدایت پیامبران برای دنیا و آخرت خود برنامه ریزی کند. شیطان  
برای رسیدن به بهشت، تجربه و عقل کافی نیست. الله

کتاب های آسمانی نقشه راه و دستور العمل زندگی سعادت مند هستند. الله  
نیازهای انسان فقط جسمی است. شیطان

زندگی بدون دین و بدون راهنما، مثل رانندگی کردن در جاده ای است که علائم راهنمایی و  
رانندگی نصب نشده است. الله

مرحله دوم: یک جدول روی تخته به شکل پیامبر ترسیم کرده، تعداد خانه های جدول همان  
نمره مورد علاقه همه است؛ به بیست خانه ای. جواب سؤال ها را در خانه هایی که شماره های شان  
داده شده است بنویسید. پس از تکمیل جدول، می توانیم بفهمیم مأموریت و وظیفه پیامبران که  
برگرفته از قرآن است چیست.



با پاسخ به این سؤال‌ها و تکمیل جدول به پاسخ خواهیم رسید.

■ کتاب آسمانی که حضرت موسی علیه السلام برای قوم یهود آوردند چه نام دارد؟ تورات. (۱، ۱۵، ۶، ۱۱ و ۲۰)

■ بازگشتن به سوی خداوند را با اظهار پشیمانی از گناه چه می‌گویند؟ توبه. (۳، ۱۵، ۱۰ و ۴)

■ به کسی که پدر و مادرش را از دست داده چه می‌گویند؟ یتیم. (۱۳، ۱۸، ۱۶ و ۱۷)

■ با ادب اسلامی، رفتن به دیدن مریض و جویای حال او شدن را چه می‌گویند؟ عیادت. (۵، ۱۴، ۱۲، ۸ و ۲)

■ به تپه و توده بزرگ شن و خاک می‌گویند؟ تل (۷، ۱۹، ۹)

رمز جدول عدد چهار است؛ یعنی اگر خانه‌های جدول را چهارتا چهارتا بشماریم و حروف‌شان را کنار هم قرار دهیم، چهار کلمه (ی پنج حرفی) به دست می‌آید.

مرحله سوم: هر گروهی سریع‌ترین چهار کلمه را بنویسد و تحویل دهد ۵۰ امتیاز می‌گیرد.

کلمات به ترتیب: تعلیم، تربیت، تلاوت و هدایت.

سپس کلمات روی تخته نوشته شود و مربی درباره هر کدام از وظایف پیامبران توضیحی ارائه دهد.

۱. تعلیم؛ یعنی آموزش دادن. درباره اهمیت تعلیم، حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «مَنْ عَلَّمَنِي

حَرْفًا فَقَدْ صَيَّرَنِي عَبْدًا؛ هر کس یک حرف به من بیاموزد، قطعاً مرا بنده (مدیون)ی خود کرده

است.»

۲. تربیت؛ یعنی پرورش و رشد دادن (مثل: اداره آموزش و پرورش) برای رسیدن به بهشت، خداوند و سعادت، ما هم به علم و دانش و هم به تربیت و عمل نیازمندیم. انسان با دو بال تعلیم و تزکیه و علم و عمل به سوی خدا پرواز می‌کند؛ اما کدام مقدم است؟ تعلیم یا تربیت؟

در قرآن چهاربار تعلیم و تزکیه (تربیت) در کنار هم (به عنوان وظیفه و رسالت پیامبران) ذکر شده که در سه مورد اول، تزکیه (تربیت) و سپس تعلیم آمده و فقط در یک مورد اول تعلیم و سپس تزکیه آمده است؛ پس اصالت و تقدم با تربیت و تزکیه است.

۳. تلاوت؛ یعنی خواندن قرآن (و کتاب). راه تحقق تعلیم و تربیت و وسیله این دو، تلاوت آیات قرآن توسط پیامبر است.

۴. هدایت؛ «اهدنا الصراط المستقیم» تنها دعای واجب (که روزی ده بار در نمازهای واجب آن را از خداوند می‌طلبیم) همین است که خدایا ما را به راه راست هدایت کن. اگر پیامبر سه وظیفه قبل (تلاوت، تربیت و تعلم) را درست عملی و پیاده کند، هدایت حاصل می‌شود.

در سوره انعام، آیه ۹۰ خداوند می‌فرماید: «... فَبِهَدَاهُمْ أَقْتَدِهِ؛ به هدایت پیامبران الهی اقتدا کن.»

جمع بندی امتیازات و تقدیر و تشکر از گروه برنده با اهدای جایزه.

این وظایف و رسالت پیامبران در سوره مبارکه جمعه، آیه دو بیان شده است:

(پای تخته نوشته و سپس به کمک دانش آموزان معنا شود.)

«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ؛

خداوند کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده، پیامبرانی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آن‌ها بخواند و آنان را تزکیه (تربیت) کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت بیاموزد.»

اما یک داستان از پیامبری الهی که رسالت خود را به نحو احسن انجام داد. حضرت هود عليه السلام حدود هفتصد سال قبل از میلاد حضرت عیسی عليه السلام در سرزمین احقاف (جنوب عربستان بین عمان و در میان قوم عاد زندگی می‌کرد. قوم عاد، افرادی تنومند، بلند قامت و نیرومند بودند. آنان شهرهایی آباد، سرزمین‌هایی خرم و باغ‌هایی سرسبز داشتند و در ناز و نعمت به سر می‌بردند؛

اما از طاغوت‌ها و مستکبران سرکش پیروی می‌کردند. بی‌بندوباری، شهوت‌پرستی، لجاجت و یک‌دندگی در سراپای وجودشان دیده می‌شد. حضرت هود عَلَيْهِ السَّلَام آن‌ها را به پرستش خداوند یکتا دعوت و از مخالفت با فرمان خداوند نهی می‌کرد؛ اما آنان در برابر اندرزهای مهربانه هود سرکشی و لجاجت ورزیده و او را تکذیب می‌کردند؛ حتی از هود درخواست عذاب از جانب خدا می‌کردند (احقاف، آیه ۲۲). باپند و اندرزهای هود، فقط تعداد اندکی به او ایمان آوردند و بقیه به پیامبرشان نسبت دروغ‌گویی، دیوانگی و... دادند. پس از دعوت و اندرزهای مکرر هود و درخواست عذاب از پیامبرشان، خداوند تندبادی شدید و کوبنده را هفت شب و هشت روز پی‌درپی بر آن‌ها مسلط کرد. آنان هم چون تنه‌های پوسیده و نخل‌های توخالی، در میان آن تندباد کوبنده بر زمین افتادند، به هلاکت رسیدند و نابود شدند (حاقه، آیه ۶). و خداوند این چنین آن‌ها را نابود و حضرت هود عَلَيْهِ السَّلَام و ایمان‌آوردگان به او را نجات داد.

امیدوارم خداوند همه ما را از پیروان واقعی پیامبران قرار دهد و به راه راست هدایت فرماید!  
به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

## پیروی

موضوع: احکام

اهداف کلی: آشنایی با چرایی و بایسته‌های تقلید

اهداف جزئی:

۱. آگاهی نسبت به شناخت وظایف شرعی

۲. راهنمایی افراد در به دست آوردن وظایف شرعی خود

۳. احکام تقلید و اقسام آن

اهداف رفتاری: پرورش روحیه تبعید آگاهانه دینی دانش‌آموزان و انتخاب مرجع تقلید اعلم

برای به دست آوردن احکام دین

اول دفتر به نام ایزد دانا      کردگار صانع و حی و توانا

اکبر و اعظم خدای عالم و آدم      صورت خوب آفرید و سیرت زیبا

لبخند و یک سلام، آغاز دوستی است، این راز دوستی است.

سلام خدمت شما دانش‌آموزان سرحال، سربلند، سرافراز، موفق و پیروز!

برنامه خود را با یک معما آغاز می‌کنیم. چهار چیز که با حرف «پ» شروع می‌شوند، آخر آن‌ها

حرف «ر» است و عامل خوش بختی هستند. یاد آن‌ها مایه آرامش و عمل به دستوره‌های آنان،

عامل سعادت است؛ می‌دانید آن چهار کلمه خوش بختی کدام‌اند؟

پ ..... ز: پروردگار

پ ..... ز: پیامبر

پ ... ز: پدر

۱. پروردگار: با یاد و ذکر خدا دل آرام می‌گیرد و مایه آرامش ما می‌گردد. ما برای استفاده از یک وسیله مثل رایانه، در مرحله اول سراغ سازنده آن می‌رویم. ۲. دومین «پ» پیامبر که باعث رحمت و آسایش برای همه عالمیان و موجودات و مایه عدالت و برکت است؛ زیرا اگر ما به سازنده وسیله مثل رایانه دسترسی نداشتیم، به افرادی که با سازنده آن ارتباط دارند مراجعه می‌کنیم که رسول خدا، فرمان خداوند را از طریق وحی (کتاب و راهنمای زندگی) دریافت می‌کرد و آن چه را آموخته بود، به نخستین مسلمانان؛ یعنی حضرت علی علیه السلام و حضرت خدیجه علیها السلام آموزش می‌داد. ۳. سومین «پ» پدر، که شامل پدر ظاهری و واقعی می‌گردد.

پ ..... از ..... ر: پیروی از رهبر<sup>۱</sup>

و اما در مورد سومی، کمی صحبت می‌کنیم تا چهارمین «پ» خوش بختی را به دست آوریم.<sup>۲</sup> عزیزان! این درختی که در تصویر مشاهده می‌کنید، مانند ما دانش‌آموزان پربار و تنومند است. اولش یک جوانه بیش نبوده است؛ پس بدانیم ما هم که این همه نعمت‌هایی که داریم، قبلاً نداشتیم. خداوند امروز ما را دارای نعمت‌ها و ویژگی‌هایی کرده است.

شما این ویژگی‌ها را که در تنه درخت (صفحه ۶۲) به صورت افقی یا عمودی آورده شده است (یا در کارت‌ها) پیدا کنید.<sup>۳</sup>

ع	ا	ق	ل
•	ز	ن	ده
ب	ا	ل	غ
•	م	ر	د

(بله این‌ها از شرایط تکلیف است<sup>۴</sup>)؛ پس ما هم توجه داشته باشیم که دیروز کجا بودیم، الآن کجا هستیم و وظایف امروز ما نسبت به دیروزمان چیست؟  
همه ما انسان‌ها به واسطه پدر به دنیا آمده‌ایم.

حال اگر خودمان را به یک «درخت» تشبیه کنیم، پدر چه قسمتی و ما چه قسمتی از آن

۱. البته این را الآن نمی‌نویسم و بعد از این که «پدر» را توضیح دادیم به آن می‌پردازیم.

۲. دوتا درخت با تنه بزرگ (جای جدول) روی صفحه کشیده می‌شود.

۳. به صورت غیرمستقیم شرایط تکلیف گفته می‌شود: عاقل، زنده، بالغ، مرد و آزاد (صاحب اختیار).

۴. «عاقل» یعنی چه؟ کلمه مخالفش چیست؟ آفرین! یعنی این که دیوانه نیست تا ما را به بیمارستان برد. خداوند قدرت فکرکردن به ما داده تا بتوانیم کارهای خود را صحیح انجام دهیم. «شیعه»: آفرین! یعنی با عقل و درایت خود دریافته‌ایم که خداوند بعد از آخرین پیامبرش، دوازده امام و پیشوا برای ما قرار داده است.

«بالغ»: آفرین! بالغ از ریشه عربی «بلغ» به معنی کامل شدن و رسیدن می‌باشد. بلوغ شرعی برای دختران، بعد از تمام شدن نه سالگی و پسران پانزده سالگی است.

«صاحب اختیار»: خداوند متعال ما را صاحب اختیار قرارداده است. از بین تمام موجودات (سنگ‌ها، آب‌ها و گل‌ها) فقط ما هستیم که خداوند صاحب اختیار و قانون‌مند قرارداده است و در چارچوب قوانینی زندگی می‌کنیم؛ یگانه موجودی که این امکان و توانایی شگفت را دارد.

آیا می‌دانید که این‌ها از شرایط تکلیف است؟



می‌شویم.<sup>۱</sup>

### طرح درخت

بله، پدر «ریشه»ی درخت است و ما ساقه و شاخه‌های آن هستیم.

اگر درخت ریشه نداشته باشد، با کوچک‌ترین حرکت گنده می‌شود، یا اصلاً به وجود نمی‌آید؛ پس به کلام امام سجاد علیه السلام رسیدیم که می‌فرماید: «پدر ریشه است و تو شاخه؛ اگر او نبود، تو هم نبودی؛ پس هر گاه در خود چیز پسندیده‌ای دیدی، پدرت اصل آن نعمت است.»<sup>۲</sup>

ولی دوستان عزیز! آیا ما فقط همین پدران را داریم؟ آیا جز پدران خودمان، کسانی به گردن ما حق پدری دارند؟ جدول زیر را کامل می‌کنیم تا ببینیم آیا افراد دیگری هم به گردن ما حق پدری دارند یا خیر؟

پیام جدول: حرف اول (الف) را نوشته پنج تا پنج تا بشمارید و حروف به دست آمده را در جدول شماره ۲ قرار دهید (خانه آخر که ستاره در آن است، شمرده نمی‌شود).

(جدول در تنه تصویر درخت دوم (صفحه ۶۲) طراحی شود.)

ا	ر	ا	د	و	م
ی	ن	ر	ز	ا	م
و	ی	ا	م	ه	ب
د	س	پ	ر	ر	ل
ت	د	ب	ا	س	*

بله، به پیام جدول که کلامی از امام رضا علیه السلام است، رسیدیم:

۱. یک درخت زیبای روی تخته می‌کشیم یا تصویر آن را نشان می‌دهیم.

۲. حق پدر: «و اما حق ابیک فتعلم انه اصلک وانک فرعه وانک لولاه لم تکن؛ فمهما رأیت فی نفسک مما یعجبک؛ فاعلم ان اباک اصل النعمه علیک فیه و احمده لله واشکره علی قدر ذلک و لا قوه الا بالله؛ اما حق پدرت برتوان است که بدانی او اصل و ریشه نوست و تو فرع و شاخه او هستی. اگر او نبود، تو نبودی؛ پس هر وقت در خودت چیزی می‌بینی که موجب پیداشدن غرور در تو می‌گردد، متوجه باش که پدرت اصل و اساس آن نعمت است و خداوند را به خاطر این نعمت بزرگ ستایش کن و از او تشکر کن به اندازه نعمتی که به تو ارزانی نموده است و قوتی نیست مگر به قوت خداوند متعال» (رساله حقوق امام سجاد علیه السلام).

«امام، پدری مهربان و برادری دلسوز است.»

همین درختی که می بینید، شجره طیبه اسلام است که در قرآن هم آمده. امام رضا علیه السلام فرمود: «اصل و ریشه شجره طیبه حضرت محمد صلی الله علیه و آله است و فرع آن شجره، امیرالمؤمنین علی علیه السلام و میوه های آن حسن و حسین علیه السلام و شاخه آن درخت، فاطمه علیه السلام است. شعبه های مختلف آن شاخه، امامان معصوم علیهم السلام از فرزندان فاطمه علیه السلام هستند و برگ های سبز آن درخت، شیعیان و محبان اهل بیت و علی علیه السلام اند. هر گاه یک شیعۀ ما از دنیا برود، ورقی از درخت می افتد و هر زمان مولودی محب اهل بیت به دنیا بیاید، یک ورق سبز بر این درخت می روید.»

سؤال کردم: «یابن رسول الله! پس «توتی اکلها کل حین یاذن ربها» به چه معناست؟» فرمود: «یعنی امامان معصوم علیهم السلام که حکم حلال و حرام را در مراسم حج و عمره به شیعیان شان فتوی می دهند و بیان می کنند.»

(تمام این ها در قسمت جلوی شاخه و برگ ها طراحی شود.)

به نظر شما شباهت های بین این پدران چیست؟<sup>۱</sup>

پدر ظاهری:

(تمام این ها در قسمت شاخ و برگ ها توضیح داده می شود.)

«واسطه نعمت:

وجود: باعث تمام فضیلت ها و خوبی ها

پول: شادابی و برآوردن حاجات و توسل

خوراک: باب معرفت، علم و دانش

پوشاک: باعث لباس تقوا و پاک شدن از گناهان

مسکن: باعث قبولی نماز و اعمال برای راه یافتن به بهشت

مهربانی و عطوفت: مهربانی و تعلیم احکام دین

قراردادن وکیل و وصی در مسافرت و دوری: قراردادن نائبان عام و خاص در غیبت

تشبیه دوم:

۱. کمال الدین، ترجمه پهلوان، ج ۲، ص ۲۱.

به کسی که پدرظاهری خود را از دست بدهد، یتیم می‌گویند و پدرش برای او وکیل و وصی قرار می‌دهد یا کسی که اهلیت داشته باشد، کفالت او را برعهده می‌گیرد؛ امامان هم به مناطقی که شیعیان دور بودند یا دچار شبهه‌های دشمنان می‌شدند، وکیل و نماینده می‌فرستادند.»

در زمان امام زمان علیه السلام هم این «نهاد وکالت» ادامه یافته و ایشان کسانی را به عنوان نایبان عام معرفی کرده است. هر کسی خودش مجتهد نیست، واجب است که احکام را از این افراد یاد گرفته و به فتوای کارشناس و مجتهد عمل کند. کسی که می‌خواهد کارشناس دینی باشد، وظایف سنگین‌تری نسبت به ما دارد؛ یعنی همان شرایط ما که همان شرایط تکلیف بود به علاوه چند شرط دیگر که باید داشته باشد. این شرط‌ها را که در جدول به صورت افقی یا عمودی آمده است، پیدا کنید (در تنهٔ درخت اولی (صفحه ۶۲) درس قرار داده شود).

د	ق	ع	ش
ا	ا	ا	بع
ز	ن	د	ه
ا	ع	ل	م

اعلم، عادل، شیعه، آزاد، قانع و زنده

به نظر شما کسی که بخواهد یک کارشناس در امور احکام باشد، باید چه خصوصیتی داشته باشد؟

برخی شرایط آن‌ها با ما دانش‌آموزان (کسانی که می‌خواهند احکام را بیاموزند) مشترک است؛ مثل این‌ها:

- بالغ باشد؛
- عاقل باشد؛
- مرد باشد؛<sup>۱</sup>
- شیعهٔ دوازده‌امامی باشد؛

۱. اگر دانش‌آموزان پسر باشند.

اما شرایطی که مختص مرجع تقلید است:

۱. عادل (کسی که گناه کبیره انجام نمی دهد، اصرار بر گناه صغیره هم ندارد و به دنیا مال طمع نمی کند)؛

۲. اعلم (از مجتهدان زمان خود عالم تر باشد)؛

۳. قانع (حریص به مال دنیا نباشد)؛

حالا مسابقه ای را بین ۴ نفر از دوستان تان انجام می دهیم تا ببینیم چه کسی برنده می شود؛ پس سریع بگویید در این مشکلات به چه کسانی مراجعه می کنیم و به آن ها محتاج هستیم: هنگام بیماری: (دکتر)

هنگام غرق شدن در دریا: (غریق نجات)

خرید یا تعمیر کامپیوتر: (تکنیسین یا کارشناس کامپیوتر)

تعمیر وسیله نقلیه: (مکانیک)

خداوند نیز در قرآن ما را به این امر سفارش کرده است:

«فاسئلوا..... ان کنتم لاتعلمون؛ (اهل الذکر) آن چه را نمی دانید..... بپرسید» (آگاهان).

دست یافتن به هر یک از علوم پزشکی، مهندسی و هنری به چند روش است؟

■ آدمی به قدری عالم و متخصص شود که خود توان تشخیص و رفع نیاز را داشته باشد که به تشخیص خود عمل می کند.

■ از برترین عالمان آن علم تبعیت کند.

■ از هیچ کسی تبعیت نکند و به هیچ کسی کاری نداشته باشد.

که سومی غیرممکن است.

اکنون به خاطره ای از تقلید امام خمینی علیه السلام گوش کنید:

شاید شنیده باشید که وقتی حضرت امام در آخرین روزهای زندگی در بیمارستان بستری بودند، پزشکان متخصص نکته مهمی از ایشان آموختند؛ و آن این است که امام می فرمودند: «هر چه شما تشخیص می دهید من عمل می کنم.» این همان تقلید است؛ یعنی یک مرجع تقلید نیز، در

مسائل پزشکی مقلد است و مطابق دستور فردی صاحب نظر و متخصص عمل می‌کند و روی حرف او حرفی نمی‌زند.

پس اکنون بگویید برای به دست آوردن احکام دینی، چه کاری انجام می‌دهیم و به کجا رجوع می‌کنیم؟

پرسیدن از: م... .. د (کارشناس دینی)

پرسیدن از: ع... .. ل (دو نفر عادل که دستورها را می‌دانند)

پرسیدن از: ع... .. م (کسی که احکام را می‌داند)

خواندن: ر... .. ه (کتابی که احکام فقهی در آن نوشته شده است).

حالا راه‌های شناخت مرجع تقلید را بفرمایید؟

▪ اول باید دانشمندان علوم دینی را که به آن‌ها «ف ه ی ق» یا «ج ت ه د م» می‌گویند بشناسیم.

▪ دوم باید از بین آن‌ها، داناترین‌شان را تشخیص داده و ایشان را به عنوان مرجع تقلید انتخاب و از نظریات او پیروی کنیم.

▪ سوم این‌که اگر انتخاب مرجع تقلید برای ما مشکل بود، به سراغ افراد عادل و مورد اعتماد برویم و از آن‌ها بپرسیم.

▪ چهارم اگر عده‌ای از دانشمندان علوم دینی که در حوزه‌های علمیه هستند (مانند جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)، کسانی را به عنوان مرجع معرفی کردند، یکی از آن‌ها را مرجع تقلید خود قرار دهیم.

آخرین قسمت مسابقه:

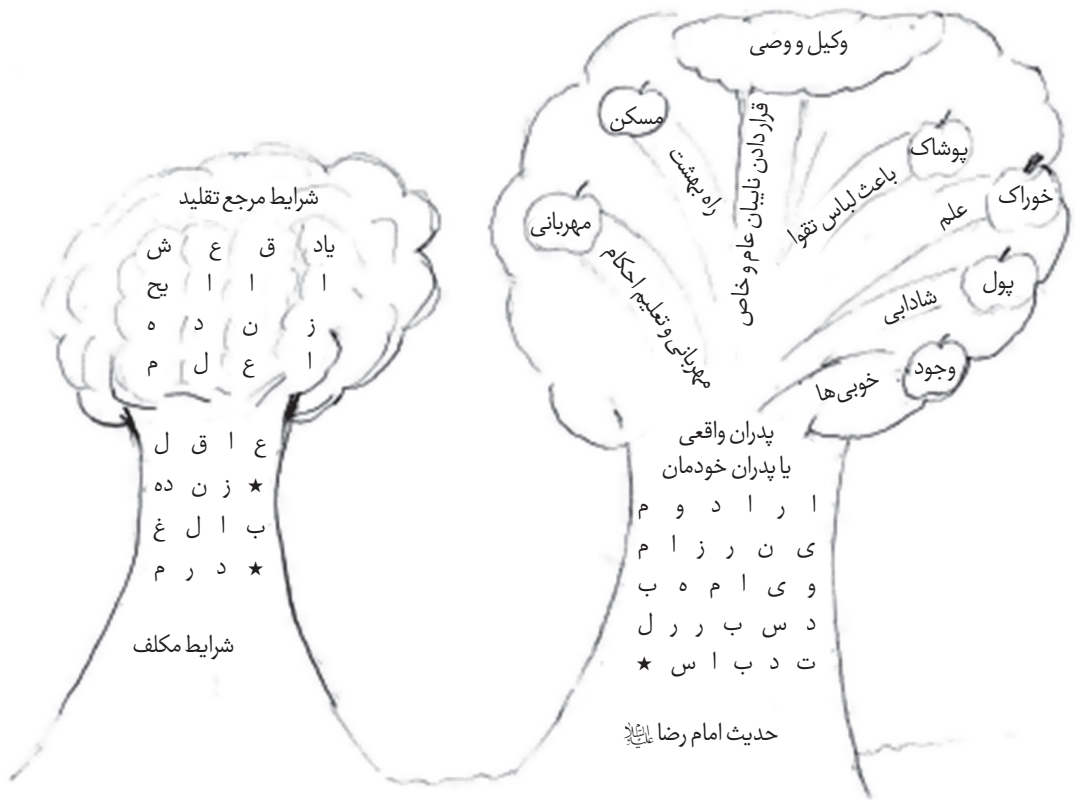
▪ در چه صورتی می‌توانیم به مرجع تقلید دیگری مراجعه کنیم؟

▪ در چه صورتی نمی‌توانیم به مرجع تقلید دیگری مراجعه کنیم؟

▪ در چه صورتی باید به مرجع تقلید دیگری مراجعه کنیم؟

اگر مانده‌ای کوه شو اگر می‌روی راه باش

به چشم زمین چشمه شو به چشم جهان ماه باش



شرایط مکلف: عاقل، زنده، بالغ، مرد، آزاد  
شرایط مرجع: آزاد، قانع، عادل، اعلم، زنده، شیعه

رمز جدول (حدیث): ۵، شجره طیبه  
حدیث، امام پدری مهربان و مرادی دلسوز است

الف

ب

## آیه‌الکرسی

موضوع: قرآن

اهداف کلی: آشنایی با معارف توحید در آیه‌الکرسی

اهداف جزئی:

▪ آشنایی با چند نام خداوند متعال (مانند حی و شفیع)

▪ آشنایی با بعضی از صفات خداوند

هدف رفتاری: حفظ آیه‌الکرسی و خواندن آن هنگام خروج از خانه و پیش از خواب

روش مناسب تدریس: با تخته و کارت

دوستان سلام! امیدوارم که سرحال و قیرواق، آماده‌ی اجرای برنامه‌ی امروز باشید.

برنامه‌ی ای که برای شما آماده کرده‌ام، بخش‌های مختلفی دارد؛ ولی شرط یک برنامه خوب،

همکاری شماست. قول می‌دهم تا پایان کلاس با نظم خودتان مرایاری کنید؟

برنامه را با خواندن شعری زیبا شروع می‌کنم.

خدا یعنی که یک عالم ستاره	خدا یعنی که والشمس ضحیها
چکیده روی بام کهکشانشاها	خدا یعنی قسم برآسمانها
خدا یعنی که دریا هست آبی	خدا یعنی پرستوها قشنگ اند
همیشه یک جواب آفتابی	خدا یعنی برای پرسش شب
خدا یعنی تشهدهای باران	خدا یعنی سجود قطره بر خاک
همان وقتی که گل را آب می‌داد	خدا یعنی رکوع برگ در باد
خدا یعنی که حتی مطلع الفجر	خدا یعنی که والللیل اذا یسر

امیدوارم از شنیدن این شعر زیبا لذت برده باشید!

## خدا همه جا

یکی از علمای بزرگ کلاس درسی داشت و از میان شاگردانش به نوجوانی بیش تر احترام می‌گذاشت. روزی یکی از شاگردان از آن او پرسید: «چرا بی دلیل، این نوجوان را آن همه احترام می‌کنید؟»

آن عالم دستور داد چند مرغ آوردند. او مرغ‌ها را بین شاگردان تقسیم کرد، به هر کدام کاردی داد و گفت: «هر یک از شما مرغ خود را در جایی که کسی نبیند، ذبح کند<sup>۲</sup> و بیاورد.» شاگردان به سرعت راه افتادند و پس از ساعتی، هر یک مرغ ذبح‌کرده خود را نزد استاد آوردند؛ اما نوجوان مرغ را زنده آورد. عالم به او گفت: «چرا مرغ را ذبح نکرده‌ای؟» او پاسخ داد: «شما فرمودید مرغ را جایی ذبح کنید که کسی نبیند؟ من هر جا رفتم، دیدم خداوند مرا می‌بیند.» شاگردان به تیزی و توجه عمیق آن شاگرد برگزیده پی برده، او را تحسین کردند و دریافتند که آن استاد چرا آن قدر به او احترام می‌گذارد.<sup>۳</sup>

آماده‌اید چند سؤال از شما بپرسم؟

- تنها اسم اختصاصی خداوند چیست؟ الله.
- رمز توحید چیست؟ بسم الله الرحمن الرحيم.<sup>۴</sup>
- سید سوره‌های قرآن کدام سوره است؟ بقره.<sup>۵</sup>
- آیه‌ای از قرآن که پنجاه کلمه و ۱۷۵ حرف دارد؟ آیه‌الکرسی.<sup>۶</sup>

احسن‌ت به شما که توانستید پاسخ سؤالات را بدهید!

در این آیه از قرآن، یعنی آیه‌الکرسی، حدود شانزده اسم و صفت از اسم‌ها و صفت‌های خداوند بیان شده است.

۱. مربی، با خط فانتزی یا کارت این کلمات را ارائه می‌دهد.

۲. به بریدن سر هر موجودی ذبح می‌گویند.

۳. مجموعه‌ی وزام، ص ۲۳۵.

۴. مربی روی یک کارت با خط زیبا کلمه‌ی «بسم الله الرحمن الرحيم» را ارائه می‌دهد.

۵. با خط فانتزی، کلمه‌ی بقره را در دو مرحله نشان می‌دهد.

۶. مربی از دانش‌آموزان می‌خواهد که با هم آیه‌الکرسی را بخوانند.



چند سؤال از شما بپرسم؟ آماده هستید!

▪ به خواهر مادرمی گویند؟ خاله.

- دوست نیست؟ دشمن.

- چشمه زمزم از زیر پای ایشان جوشید؟ اسماعیل علیه السلام.

- تنها محکمه بدون قاضی؟ وجدان.

- به پایین رفتن آب دریا می گویند؟ جزر.

- نامه رسان حضرت سلیمان علیه السلام؟ هدهد.

- پیامبر بت شکن؟ ابراهیم علیه السلام.

- قلّه عبادت ها؟ نماز.

آفرین به شما که با دقت و هوشیاری، جواب های صحیح را پیدا کردید!

از ترکیب حروف اول جواب سؤال ها، دو کلمه به دست می آید: خدا و جهان.

آفرین به شما دوستان زرنگ!

از اوصاف خداوند جهان آفرین (علم و قدرت) است.

بازی با کلمات:

▪ قرآن با آن شروع می شود: ق.

▪ «بگو» در زبان عرب ها: قل.

- عضوی از صورت: لب<sup>۲</sup>

## درس خداشناسی

در هر روستایی کدخدایی هست؛ هر شهری فرمانداری، هر استانی استانداری و هر کشوری

پادشاهی دارد که آن را اداره می کند.

---

۱. با خط فانتزی در دو مرحله نشان داده شود.

۲. برای این که ذهن مخاطب منحرف نشود، مربی بگوید یکی از بهترین ذکرها که می توان بال لب بیان کرد چیست؟ صلوات.

بدن انسان هم مانند کشوری است؛ پادشاه این سرزمین کیست؟

شاید بگویید: مغز!

حتماً شنیده‌اید فردی تصادف کرده و دچار مرگ مغزی شده؛ اما علائم حیاتی دارد؛ چرا؟ چون قلبش کار می‌کند. با از کار افتادن قلب، شخص می‌میرد؛ پس آن که بدن را اداره می‌کند و پادشاه سرزمین بدن است، قلب است.

چه قدر پیرامون قلب خود اطلاعات دارید؟<sup>۱</sup>

«قلب» این عضو گلابی‌شکل از مؤثرترین اعضای بدن انسان است که وزن آن بیش‌تر از ۲۵۰ گرم نیست. قلب در هر دقیقه حدود هفتاد مرتبه می‌زند. با این حساب، در هر ساعت ۴۲۰۰ بار، در شبانه‌روز ۱۰۸۰۰ بار و در سال ۳,۶۷۹,۲۰۰ بار می‌زند؛ پس اگر شخصی ۵۰ سال عمر متوسط داشته باشد، قلبش ۱,۸۳۹,۸۰۰,۰۰۰ بار، مثل تلمبه کار می‌کند و این از اسرار دستگاه آفرینش است. دانشمندان حساب کرده‌اند انرژی و قدرتی که در دوازده ساعت از قلب به دست می‌آید، قادر است وزنی ۶۵ تنی را که ۲۵ سانتی‌متر طول داشته باشد از زمین بلند کند.

در سرعت نیز کار قلب بی‌سابقه و حیرت‌انگیز است. جریان خونی که از قلب شروع می‌شود، ۷۵۰۰ کیلومتر راه (مسافت بین تهران تا نیویورک) را فقط در مدت یک ساعت در عروق می‌پیماید. با حساب متخصصان، مقدار حجم خونی که ظرف یک سال با قلب تلمبه زده می‌شود ۲,۶۰۰,۰۰۰ لیتر است که برای حمل آن، دست‌کم ۸۱ تانکر عظیم لازم است.<sup>۲</sup>

### حکایت

روزی هارون الرشید به بهلول گفت: «می‌خواهم روزی تو را مشخص کنم تا فکرت آسوده باشد.»

بهلول گفت: «مانعی ندارد؛ ولی سه عیب دارد: اول این‌که نمی‌دانی به چه چیزی محتاجم تا مهیا کنی. دوم این‌که نمی‌دانی چه وقت آن را می‌خواهم و سوم این‌که نمی‌دانی چه قدر می‌خواهم. تنها خداوند این‌ها را می‌داند. ضمن این‌که اگر خطایی از من سر بزند، تو حقوقم را

۱. مری تصویرری از قلب را ارائه می‌دهد.

۲. محمد مهدی تاج‌لنگرودی، داستان‌هایی از خداشناسی، ص ۸۶.

قطع خواهی کرد؛ ولی خداوند هرگز روزی بندگانش را قطع نمی‌کند.»



خداوند مهربان، هم می‌داند هر موجودی به چه چیزی نیازمند است، هم توانایی این را دارد که آن‌ها را مهیّا کند و روزی همه موجودات را به اندازه می‌دهد.

آیا تا به حال فکر کرده‌اید که خداوند چگونه روزی این همه موجودات را می‌دهد؟ لازمۀ رزق رسانی (روزی دادن) به همه موجودات، دانستن مکان و نیاز آن‌هاست. باید یک سیستم بسیار دقیق وجود داشته که آخرین آمار، آخرین نیازها و آخرین قرارگاه‌های همه را بداند. تعداد انسان‌ها و حیوانات از دریایی، هوایی و صحرائی و همه موجودات ریز و درشت، با ویژگی‌های گوناگون و نیازهای بسیار متنوع آن‌ها را بداند تا بتواند نیازهایشان را برآورده کند (یعلم مستقرها و مستودعها\*).

البته خداوند دو سنت دارد<sup>۲</sup>: یکی سنت روزی رسانی و دیگری سنت اجرای امور از طریق اسباب و وسایل؛ پس رسیدن رزق منافاتی با قانون تلاش انسان‌ها ندارد. تازه رزقی که خداوند می‌دهد از هر جهت مناسب با موجودات است؛ مثلاً غذای کودک در شکم مادر به تناسب نیاز او تغییر می‌کند، تا آن‌که پس از تولد شیر می‌گوارا می‌شود؛ و الا انسان با چه قدرتی می‌توانست به نوزادی که هنوز به دنیا نیامده غذا برساند.

۱. مریی این کلمات (علم، مکان و نیاز) را با خط فانتزی یا با کارت نشان می‌دهد.

۲. سنت؛ یعنی شیوه و روش.

خُب؛ پس باید باور کنیم تنها خداوند است که همیشه ما را می بیند و می تواند نیازهای مان را برآورد؛ نه دیگران!

دوستان! در قرآن آیه ای داریم که می گوید: «الم يعلم بآن الله یری؛ آیا نمی دانی که خدا تو را می بیند.»

تازه، در شبانه روز موجودات ساعتی در خواب هستند و از اتفاق هایی که در اطراف شان روی می دهد اطلاعی ندارند؛ ولی درباره خداوند چنین نیست: «لا تأخذ سنة و لا نوم». او همیشه مراقب مخلوق های خود است و می خواهد مشکلات آن ها را حل کند.

نکته دیگر این که ما نمی توانیم به تنهایی کارهای خود را انجام دهیم؛ مانند دانه ای که به تنهایی نمی تواند یک گیاه شود؛ بلکه آب و نور به او کمک می کنند تا بتواند رشد کند.

به نظر شما این کمک رساندن را به دانه ضعیف برای رشد کردن چه می گویند؟

تنها کسی که در عالم می تواند به همه کمک کند تا مشکلات شان حل شود، کسی است که قدرتش بالاتر از همه قدرت هاست: «و هو علی کل شیء قدير»؛ چون تمام قدرت ها از اوست و آن چه در آسمان ها و زمین است، برای اوست: «له ما فی السموات و ما فی الارض»؛ پس تنها کسی که می توانیم با او دوست باشیم باید ما را بشناسد، نیازمان را بداند و توانایی حل مشکلات مان را داشته باشد. او کسی است که یگانه است: «قل هو الله احد» و بی نیاز از همه است: «الله الصمد»؛ پس سر بر درگاه او فرومی آوریم و با صداقت می گوییم: «ایاک نعبد و ایاک نستعین».

نتیجه تربیت توحیدی این است که مؤمن فقط در مقابل خدا سجده می کند؛ نه پادشاهان و صاحبان قدرت!

در دربار نجاشی (پادشاه حبشه) پناهندگان مسلمان گفتند: «ما نسجد الا الله؛ ما به غیر خدا سجده نمی کنیم.»

دحیه کلبی در کاخ قیصر روم در جواب کاخ نشینان گفت: «من برای غیر خدا سجده نمی کنم.»  
خُب بچه ها! حالا به نظر شما، خودمان را دست چه کسی بسپاریم؟

کسی که بر هر کاری توانایی دارد و احتیاجی ندارد یا کسی که چنین قدرتی ندارد؟  
آفرین بر شما! حالا به این نکته باید توجه کنیم که هر چه داریم از خداست و باید در مقابلش

مؤدب باشیم.

بهترین نشانهٔ ادب، نماز خواندن است تا تکبر را از خودمان دور کنیم.

حالا به داستانی که تعریف می‌کنم خوب گوش کنید:

وقتی حضرت سلیمان علیه السلام بالشکریانش از سرزمین مورچه‌ها عبور می‌کرد، شنید که سلطان آن‌ها می‌گوید: «داخل خانه‌های خود شوید؛ مبادا سلیمان و لشکرش شما را پای مال کنند.» باد صدای او را به گوش سلیمان علیه السلام رسانید. آن حضرت به سلطان مورچه‌ها سلام کرد و او چنین جواب داد: «و علیک السلام ایها الفانی المشتغل بملک الفانی؛ و سلام بر تو ای کسی که فناشونده هستی و به سلطنت ناپایدار سرگرمی!» سلیمان از این جواب شگفت زده شد. سلطان مورچه‌ها دوباره گفت: «ای حشمة‌الله! ای سلیمان! آیا فکر می‌کنی بر انسان و اجنه حکومت می‌کنی. من مورچه‌ای ضعیفم و هزار امیر تحت فرمانم هستند که چهل صف از مورچه‌ها گوش به امر هر کدام و هر صف از مغرب تا مشرق است.»

حضرت سلیمان علیه السلام از او پرسید: «چرا از مردم گریزان هستید؟»

▪ اکثر مردم در غفلت به سر می‌برند و دوری از غافلان بهتر است.

▪ هر یک چند دانه از حبوبات را حمل می‌کنید؟

▪ یک یا دو حبه!

▪ چرا بیش‌تر بر نمی‌دارید؟

▪ چون ما مسافریم و مسافر هرچه بارش کم‌تر باشد، بهتر است.

▪ از من حاجت بخواه.

▪ تو مثل من ناتوان هستی و درخواست از عاجز از نظر عقل درست نیست.

بعد مورچه از سلیمان سؤال کرد: «ای سلیمان! بهترین چیزی که خداوند در مملکتت به تو

عنایت کرده چیست؟»

▪ انگشترم است؛ زیرا از بهشت آمده.

▪ غیر از انگشتر چه چیز نزد تو فاخرتر است؟

▪ بساطم؛ فرشی که باد آن را حرکت می‌دهد و در طول شبانه‌روز راه دو ماهه را طی می‌کند.

- آیا سَر این که بساط شما را باد حرکت می دهد می دانی؟
- سَرش را بگو!
- اشاره دارد به این که: ای سلیمان! آن چه با توست از مال و منال دنیا، مثل باد است که امروز در دست توست و فردا در دست دیگران و این که شبانه روزی دو ماه طی می کند، اشاره به این است که عمر تو مثل باد می گذرد و تو در رفتن به سمت آخرت در سرعت و عجله ای.
- آن گاه مورچه دوباره گفت: نفیس ترین چیز از مملکت تو چیست؟
- حضرت فرمود: خداوند به من زبان پرندگان را یاد داده است.
- این کار چگونه خوب و نفیس است؛ در حالی که با آن از مناجات خداوند بازداشته و به گفت و گو با غیر خدا مشغول شده ای.
- حالا بچه ها! بیایید ما هم با خدای مهربان مناجات کنیم؛ آماده اید.
- خدایا! ما را با خودت بیش تر آشنا کن.
- خدایا! ما را شکرگزار نعمت های ت قرار بده.
- خدایا! کمک کن تا با امام زمان مان بیش تر آشنا شویم و بهتر به دستورهای تو عمل کنیم.
- آمین یا رب العالمین!

## چترآرامش

موضوع: قرآنی

هدف کلی: آشنایی با برخی از زیبایی‌های حجاب و آثار آن

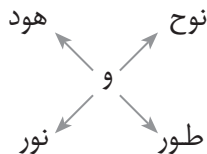
اهداف جزئی:

- آشنایی با آیات حجاب
  - شناختن انواع حجاب
  - آشنایی با داستان دختران حضرت شعیب ع‌ا‌س‌ل‌ی‌ه
  - شناختن آثار و زیبایی‌های حجاب
  - زنان و الگوهای قرآنی
- هدف رفتاری: کوشش هرچه بیشتر در دانش آموزان در رعایت این امر مهم الهی  
روش‌های تدریس: توضیحی و فعال (پرسش و پاسخ، کارت، مسابقه و جدول)  
وسایل آموزشی: تابلو، کارت و ...

آموزگار قرآن ای گوهر معانی  
آموختی، بخوانم آیات آسمانی  
در پای تخته گفتی قرآن بهار دل‌هاست  
سوغاتی از محمد ص‌ل‌ی‌ه این یک کتاب زیباست  
آهنگ درس قرآن آوای مهربانی است  
هر قصه قشنگش سرمشق زندگانی است

سلام! برنامه را با یک مسابقه شروع می‌کنیم.

سوره‌هایی را نام ببرید که حرف وسط آن‌ها حرف «و» باشد.

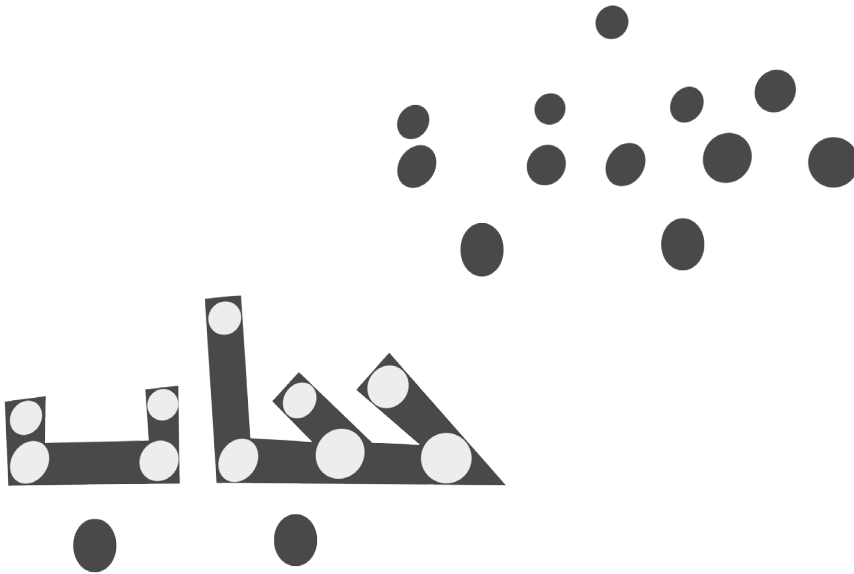


خیلی ممنون!

بحث امروز ما دربارهٔ سورهٔ نور است.

این سوره نام دیگری هم دارد؛ چه کسی می‌داند چیست؟

من چند دایره در تابلو می‌کشم؛ شما آن‌ها را به هم وصل کنید تا نام دیگر این سوره را پیدا کنید.



این سوره به سورهٔ حجاب معروف است. از دانش‌آموزانی که برای مسابقه تلاش کردند، خیلی

ممنونم!

آیا می‌دانید در چند سوره به حجاب اشاره شده است؟

سورهٔ نور آیات: ۳۰ و ۳۱، سورهٔ اعراف آیه: ۲۶ و سورهٔ احزاب آیات: ۳۲، ۳۳، ۵۳ و ۵۹.

البته همان کلمهٔ حجاب را نگه دارید که در آینده برای یک مسابقه لازم داریم.

پنج نفر از دانش‌آموزان بیابند و هر کدام یک آیه تلاوت کنند.<sup>۱</sup>

بعد از این که آیات حجاب را دانستیم، برویم انواع حجاب را در قرآن از بین همین آیات به دست

۱. دانش‌آموزانی که خوب و درست تلاوت می‌کنند انتخاب شوند.



بیاوریم.

قرآن کریم از سه نوع حجاب سخن گفته است. با دقت در کارت‌ها و حرف‌های به هم ریخته، کلمات مناسبی درست کنید.<sup>۱</sup>

گ ت ف ی ار      ر ت ف ی ار      د د ی ی ار

از همه شما ممنونم!

گ ت ف ی ار      ←      ر ت ف ی ار      د د ی ی ار

## حجاب دیداری

اولین نوع حجابی که قرآن تأکید می‌کند، حجاب چشم<sup>۲</sup> است که در سوره نور به آن اشاره شده است.

خداوند در قرآن می‌فرماید: «ای رسول ما! به مردان مؤمن و زنان مؤمن بگو تا چشم‌ها را از نگاه ناروا بپوشند» (مضمون دو آیه).

- این نوع حجاب چند پیام مهم دارد:
- لازمه ایمان حفظ نگاه از حرام است و دختر و پسر فرق ندارند؛
- چشم پاک، مقدمه پاک دامنی است؛
- چشم چرانی و بی‌عفتی، مانع رشد معنوی می‌شود؛
- همیشه در محضر خداییم و در محضر خدا مواظب چشم‌مان باشیم.

حجاب گفتاری      گ ت ف ی ار      گفتاری

نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی، حجاب گفتاری دختران و زنان در مقابل نامحرم است:

۱. مریی اول روی کارت‌ها حروف به هم ریخته را یک طرف و طرف دیگر، کلمات درست را می‌نویسد.  
۲. نور، آیات ۳۰ و ۳۱.

خداوند در قرآن می فرماید: «با لحن نازک و نرم با مردان سخن نگویند؛ مبادا آن که دلش بیمار است به طمع افتد.»<sup>۱</sup>

این نوع حجاب هم چند پیام مهم دارد:

▪ دختران دین دار باید حجاب خود را در مقابل بیمار دلان حفظ کنند؛ حتی اگر زنان پیامبر باشند؛

▪ آداب سخن گفتن با نامحرم، جلوگیری از سوءاستفاده بیمار دلان است؛

▪ چشم چرانی و بی عفتی، نوعی بیماری روحی است.

## حجاب رفتاری

رفتاری

رت ف ی ار

نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی، حجاب رفتاری دختران و زنان در مقابل نامحرم است. به زنان و دختران دستور داده شده است که مواظب راه رفتن و دیده شدن زینت های خود باشند که باعث جلب توجه نامحرم نشوند و طوری پای بر زمین نزنند که خلخال و زیور پنهان پاهای شان معلوم شود.

قرآن می فرماید: «و هم چون دوران جاهلیت نخستین، با خودنمایی (در میان مردم) ظاهر نشوید.»<sup>۲</sup>

این نوع حجاب هم چند پیام مهم دارد:

▪ خودنمایی تمدن نیست، بلکه نشانه جاهل بودن است؛

▪ حضور زن در بیرون از خانه به شرط نداشتن خودنمایی و خودآرایی اشکال ندارد.

راستی الگوی شما در زندگی یا در حجاب چه کسانی هستند؟

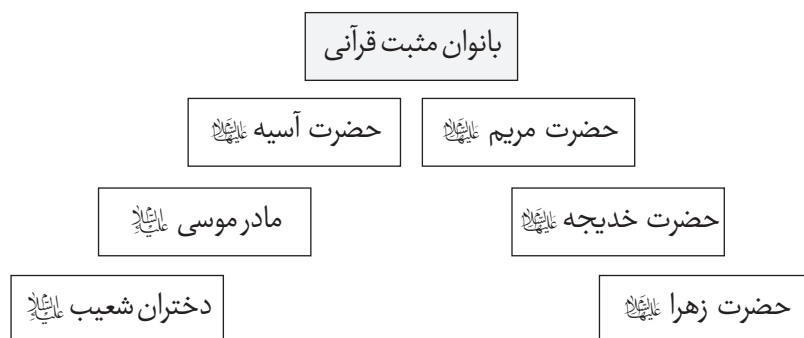
خیلی ممنون!

حالا چند بانوی قرآنی را که الگوی همه ما هستند نام ببرید.<sup>۳</sup>

۱. احزاب، آیه ی ۳۲.

۲. همان، آیه ی ۳۳.

۳. زنان قرآنی: حوا، مریم، آسیه، بلقیس، همسر ابولهب، همسر حضرت نوح علیه السلام، همسر حضرت لوط علیه السلام،



### داستان دختران حضرت شعیب ؑ

موسی ؑ به سرزمین «مدین» آمد. نزدیک شهر که رسید، گروهی از مردم را در کنار چاهی دید که چارپایان خود را سیراب می‌کردند. دو دختر باعث هم قدری دورتر مراقب گوسفندهای خود بودند و به چاه نزدیک نمی‌شدند.

موسی ؑ نزدیک آن‌ها آمد و گفت: «چرا کنار ایستاده‌اید و گوسفندهای خود را آب نمی‌دهید؟» دختران گفتند: «پدر ما پیرمرد سال خورده و شکسته‌ای است و به جای او، ما گوسفندان را می‌چرانیم. اکنون بر سر این چاه مردها هستند، در انتظار رفتن آن‌ها هستیم، تا از چاه آب بکشیم و گوسفندان خود را سیراب کنیم.»

موسی ؑ پس از شنیدن سخنان آن دو جلو آمد و با دلو سنگین، به تنهایی از آن چاه آب کشید و گوسفندهای آنان را سیراب کرد.

آن‌گاه از آن‌جا فاصله گرفت و برای استراحت به سایه درختی رفت. دختران شعیب پیامبر ؑ به سوی پدر، بازگشتند و ماجرا را تعریف کردند. شعیب ؑ به صفورا (یکی از دخترانش)، گفت که موسی را به خانه دعوت کند تا از وی پذیرایی و از اعمال نیکش قدردانی شود.

صفورا با شرم و حیا پیش موسی ؑ رفت و به او گفت: «پدرم می‌خواهد تو را ببیند و قصد دارد از جوانمردی‌ات سپاس‌گزاری کند.»

---

خواهر حضرت موسی ؑ، دختران حضرت شعیب ؑ، همسر حضرت عمران ؑ، «حنه» مادر حضرت مریم ؑ، «یوکابد» مادر حضرت موسی ؑ، حضرت خدیجه ؑ و حضرت فاطمه ؑ.

موسی علیه السلام دعوت شعیب را پذیرفت. صفورا جلو افتاد تا موسی علیه السلام را به خانه راهنمایی کند؛ ولی باد شدیدی می وزید و لباس صفورا را از اندام او کنار می زد. موسی علیه السلام که چنین دید، به صفورا گفت: «من از جلو می روم. تو سر دوراهی ها و چندراهی ها مرا راهنمایی کن.»

موسی علیه السلام وارد خانه شعیب علیه السلام شد. پیرمردی باوقار با موهای سفید در گوشه ای نشسته بود. او به موسی علیه السلام خوش آمد گفت و سؤالاتی پرسید. موسی علیه السلام هم ماجرای خود را برای وی بازگو کرد.

شعیب علیه السلام گفت: «نگران نباش! از گزند ستم گران نجات یافته ای. تو در یک منطقه امن قرار داری. همه چیز به لطف خدا حل می شود.»

صفورا که توانایی، وقار و جوانمردی موسی علیه السلام را دیده و به او علاقه مند شده، به پدرش پیشنهاد داد: «ای پدر! این جوان را برای نگه داری گوسفندان استخدام کن؛ زیرا وی فردی نیرومند و درست کار است. هنگام آمدنم به خانه، او به من گفت که پشت سرم حرکت کن؛ چون ما از خانواده ای هستیم که پشت سر زنان رانمی نگریم و هنگام آب کشیدن هم خیلی مهذب بود.»

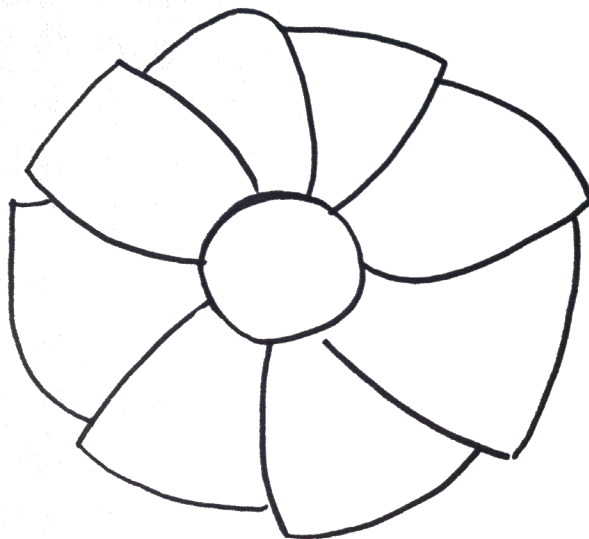
شعیب علیه السلام احساس کرد، صفورا به موسی علیه السلام خیلی علاقه مند است. از پیشنهاد او استقبال کرد و رو به موسی علیه السلام گفت: «من می خواهم یکی از دخترانم را به همسری تو درآورم؛ به این شرط که هشت سال برای من کار (چوپانی) کنی و اگر هشت سال را به ده سال تکمیل کنی، انتخاب با توست؛ اما واجب نیست. به هر حال من نمی خواهم کار را بر تو مشکل بگیرم و هرگز سخت گیری نخواهم کرد. به نیکی با تو رفتار خواهم کرد و ان شاء الله به زودی خواهی دید که من از صالحانم.» موسی علیه السلام این پیشنهاد را پذیرفت و با صفورا ازدواج کرد.

### حالا وقت یک مسابقه است:

من یک گل زیبا در تابلو می کشم و کلمات اول را می نویسم. شما کلمات زیر را در جاهای مناسب قرار دهید.<sup>۱</sup>

- |             |           |          |         |          |           |
|-------------|-----------|----------|---------|----------|-----------|
| ۱. خون شهدا | ۲. زینت   | ۳. فاطمه | ۴. تهمت | ۵. عبادت | ۶. خداوند |
| ۷. مصونیت   | ۸. خداوند | ۹. بهشت  |         |          |           |

۱. روش درست کردن گل برگ زیبایی های حجاب (البته مربی با توجه به تعداد نیازش درست کند).



آفرین بر کسانی که زود گل برگ‌ها را کامل کردند. حالا من هم با این کلمه‌ها گل برگ‌هایی را که در دستم است کاملاً با توضیح درست می‌کنم.

▪ دستور خداوند در قرآن کریم، در آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور که قبلاً به آن‌ها اشاره کردیم.

حفظ چادر نص قرآن مجید قفل جنت را بود تنها کلید

▪ هم‌رنگ حضرت فاطمه علیها السلام، بهترین الگوی قرآنی برای دختران خوب که حتی در مقابل

نامحرم نابینا می‌فرماید: «بهترین عمل برای زنان، آن است که مردان نامحرم را نبینند و مردان

نامحرم نیز آنان را نبینند.»

حفظ چادر، حفظ دین و مذهب است شیوه زهرا و درس زینب است

▪ امام علی علیه السلام فرموده‌اند: «پوشیده و محفوظ داشتن زن، مایه آسایش بیش‌تر و دوام زیبایی

اوست.»<sup>۱</sup> در قرآن کریم هم آمده است: «ای پیامبر! به زنان و دخترانت و نیز به زنان مؤمنان بگو

خود را بپوشانند تا مؤمنان شناخته شوند و مورد اذیت قرار نگیرند و این باعث استحکام خانواده‌ها

می‌شود.»<sup>۲</sup>

۱. غررالحکم، ح ۵۸۲۰.

۲. احزاب، آیه ۵۹.

▪ قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَنْ كَسَّ كَسَّ مِنْ مَقَامِ رُؤُوسِهِمْ يَنْصُرُكُمْ مِنْ هَاهُنَا وَيَنْصُرُكُمْ مِنْ هُنَا وَيَضَعُ يَدَهُمْ عَلَى الْغَيْظِ الَّذِي يُضَعُ فِي الْغَيْظِ» که چون خود را در محضر خدا می‌دانست، در مقابل هواوهوس ایستاد.

▪ خداوند شخص باحیا و عقیف را که از کارهای حرام دوری می‌کند دوست دارد.<sup>۲</sup>

▪ ای فرزندان آدم! برای شما لباس فرستادیم تا اندام‌تان را بپوشانند و مایه زینت شماست.<sup>۳</sup>

▪ برترین عبادت امام باقر علیه السلام فرمودند: «برترین عبادت، عفت و پاکی شکم و طهارت دامن

است.»<sup>۴</sup>

▪ در حدیثی داریم که از مواضع تهمت دوری کنید؛ و آن چه ما را از مواضع تهمت‌ها دور نگه می‌دارد، داشتن حجاب کامل است.

▪ پیام اکثر شهدای گران‌قدر این است: «خواهرم! حجاب تو کوبنده‌تر از خون شهیدان است.»

خواهرم! ای دختر ایران زمین

یک نظر عکس شهیدان را ببین

شیعیان مدیون خون کیستند؟

زنده از رقص جنون کیستند؟

چند تا کلمه بگویند که حرف اول آن‌ها حرف «چ» باشد.<sup>۵</sup>

خیلی متشکرم!

۱. نازعات، آیات ۴۰ و ۴۱.

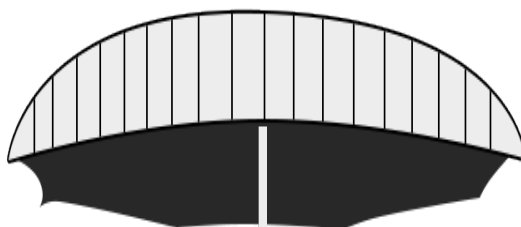
۲. نهج الفصاحه، ص ۶۸۳.

۳. اعراف، آیه ۲۶.

۴. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۷۱.

۵. مریی کلماتی را که از بچه‌ها می‌گیرد، در تابلوی نویسد و دو کلمه «چادر و چتر» را برای موضوع مطرح می‌کند.

حالا من شکل چتر را در تابلو می‌کشم و جدولی ۱۹ خانه‌ای هم رسم می‌کنم.<sup>۱</sup> شما حروف الفبای فارسی این اعداد را در جدول بگذارید و آن‌ها را کنار هم قرار دهید تا به یک جمله برسید.



دختران دارند چادر چون صدف  
زان‌که زن را زینت زن، چادر است  
شیوه زهرا و درس زینب است  
قفل جنت را بود تنها کلید  
روسفیدی نزد زهرا می‌شود



در کلاس حفظ تقوا و شرف  
بهترین سرمایه زن چادر است  
حفظ چادر، حفظ دین و مذهب است  
حفظ چادر نص قرآن مجید  
حفظ چادر سد فحشا می‌شود

در خاتمه دست به دعا برمی‌داریم و امیدواریم خداوند مهربان دعا‌های مان را مستجاب کند!

۱. حروف اعداد به شرح ذیل است:

جواب: در این باران نگاه‌های مسموم، «چتر حجاب را با خود بردار!»

۱۲	۱	۱۰	۱۲	۲	۱۰	۳۰	۹	۱	۲	۱	۱۲	۲	۱	۶	۸	۱۲	۴	۷
ر	ا	د	ر	ب	د	و	خ	ا	ب	ا	ر	ب	ا	ج	ح	ر	ت	چ

## خلاقیت

موضوع: تکنولوژی تبلیغ

هدف کلی: آشنایی با روش برش آرم «الله»، «محمد» و «علی»، روش گل برگ سازی، انتخاب

دوستان و راه آرامش

اهداف جزئی:

▪ یادگرفتن روش برش نام‌های مذکور

▪ آشنایی با دوستان خدا در قرآن

▪ آشنایی با همسایگان و نزدیکان پیامبر ﷺ در قیامت

▪ شناختن سه رکن اصلی آرامش در زندگی از زبان مولا علی علیه السلام

هدف رفتاری: یادگیری برش‌هایی برای به‌کارگیری در امور مذهبی و کوشش در اصلاح اخلاق

و رفتار فردی، اجتماعی و خانوادگی

روش‌های تدریس: توضیحی و فعال (پرسش و پاسخ، کارت، مسابقه و...)

ابزار آموزشی: قیچی، کاغذ، چسب شیشه‌ای، تابلو، کارت و...

چون نور چراغ راه ما الله است      آغاز سخن همیشه بسم الله است

سلام!

حال شما خوب است؟ دوست دارید برنامه را با یک مسابقه شروع کنیم.

لطفاً به این سؤال‌ها جواب دهید.

۱. پیامبر بت‌شکن که بود؟ ابراهیم.

۲. کلید آسمان‌ها و زمین: لا اله الا الله.

۳. کامل‌ترین دین الهی کدام است؟ اسلام.

۴. هدف پیامبران الهی چیست؟ هدایت.

حرف اول کلمات را به هم وصل کنید. چه کلمه‌ای به دست می‌آید؟



متشکرم!

کلمه «الله»

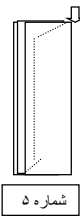
بچه‌ها! در پرچم کدام کشورها نام «الله» وجود دارد؟

خیلی متشکرم! بله، عراق، عربستان و ایران عزیزمان!

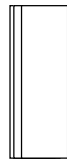
بچه‌ها! دوست دارید آرم قشنگ «الله» را با قیچی برش دهیم؛ پس به روش ذیل دقت کنید!



از این قسمت برش بزند

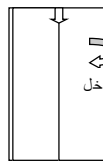


شماره ۵

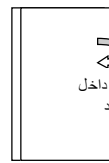


شماره ۴

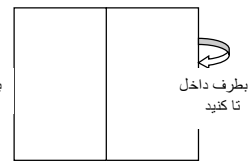
از این قسمت چسب  
شیشه ای بزند



شماره ۳

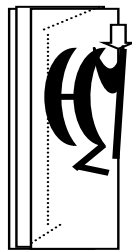


شماره ۲



شماره ۱

از این قسمت برش بزند



شماره ۶

۱. بهتر است مربی قبل از کلاس، چندبار در منزل این برش را انجام دهد تا در کلاس به مشکل برنخورد.

بعد از مرحله پنجم، آرم «الله» را مانند شکل با مداد رسم کنید و با قیچی برش دهید.  
توجه:

نام «الله» در قرآن ۲۶۹۹ مرتبه آمده است.

سوره‌ای که تمام آیات آن لفظ «الله» دارد، سوره مجادله است.

سوره‌ای که پنج بار کلمه «الله» در آن آمده است، سوره حج است.

چرا من آرم «الله» را برش دادم؟

چون خدایی دارم که:

آرامش	بسته	صدا	شکسته	بهتر	می ماند
آغوش	محرمت	فراموش			

چه کسی می تواند با این کلمات بهترین جمله را درباره خدا بسازد؟

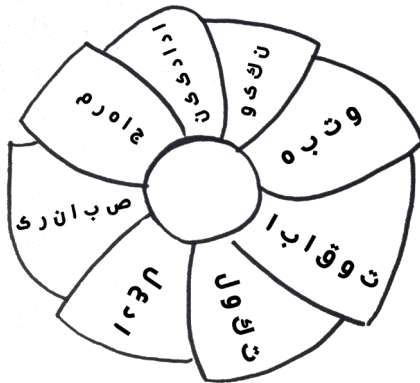
خیلی ممنون!

حالا من جمله را در تابلو می نویسم. شما کلمه مورد نظر را در جای خالی قرار دهید.

چون که خداوند:

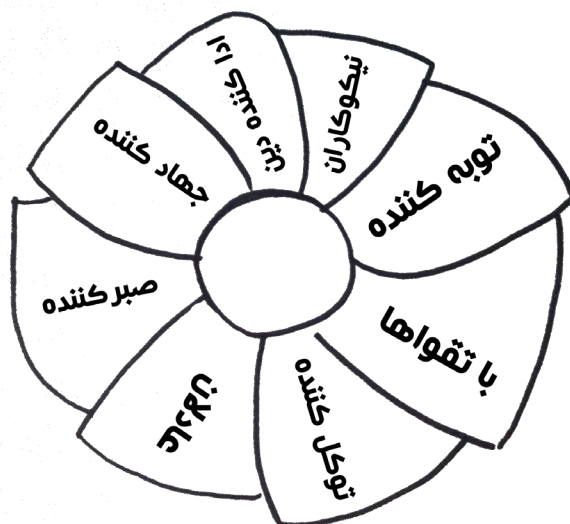
تنها روزنه امیدی است که هیچ گاه ..... نمی شود.

تنها کسی است که با دهان بسته هم می توان ..... یش کرد.



۱. جواب صحیح جاهای خالی: بسته، صدا، شکسته، بهتر، می ماند، آغوش، محرمت، آرامش، فراموش.

با پای ..... هم می توان سراغش رفت.  
 تنها خریداری است که اجناس شکسته را ..... برمی دارد.  
 تنها کسی است که وقتی «همه» رفتند، .....  
 وقتی همه بر تو پشت کردند، ..... می گشاید.  
 وقتی همه تنهایت گذاشتند، ..... می شود.  
 تنها سلطانی است که دلش با بخشیدن، ..... می گیرد، نه با تنبیه کردن.  
 من و خداوند هر روز صبح ..... می کنیم؛ او خطاهای مرا و من لطف او را.  
 چون مرا دوست دارد.<sup>۱</sup>  
 آیا می دانید خداوند چه کسانی را دوست دارد؟  
 به گل برگ هایی که در دست من است، دقت کنید و از حروف به هم ریخته، کلمات مناسب  
 درست کنید.  
 حالا آیاتی را که نشان می دهد خدا چه کسانی را دوست دارد، ببینید:



۱. مریخی گل برگ ها را دور و درست کرده یا در تابلو نوشته یا به صورت مسابقه ای به تعداد کارت ها بچه ها را بیرون بیاورد. مراجعه به آیات: ۱۹۵ و ۲۲۲ بقره، ۷۶، ۱۵۹، ۱۴۶، ۱۳۴ و ۱۴۸ آل عمران، ۱۳، ۴۲ و ۹۳ مائده، ۴، ۷ و ۱۰۸ توبه، ۸ ممتحنه، ۹ حجرات و ۴ صف.

اللَّهُ يُحِبُّ:

- الْمُحْسِنِينَ «آیه ۵»
- الْمُطَهَّرِينَ «آیه ۲» التَّوَّابِينَ «آیه ۱»
- الصَّابِرِينَ «آیه ۱»
- الْمُتَوَكِّلِينَ «آیه ۱»
- الْمُتَّقِينَ «آیه ۳»
- الْمُقْسِطِينَ «آیه ۳»
- الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ «آیه ۱»

خُب بچه‌ها! آماده‌اید یک شعر با هم بخوانیم:

- |                       |                             |
|-----------------------|-----------------------------|
| خدا کیا رو دوست داره؟ | احسان‌کننده‌ها رو دوست داره |
| خدا کیا رو دوست داره؟ | پاکیزه‌ها رو دوست داره      |
| خدا کیا رو دوست داره؟ | توبه‌کننده‌ها رو دوست داره  |
| خدا کیا رو دوست داره؟ | صبرکننده‌ها رو دوست داره    |
| خدا کیا رو دوست داره؟ | توکل‌کننده‌ها رو دوست داره  |
| خدا کیا رو دوست داره؟ | پرهیزگاران رو دوست داره     |
| خدا کیا رو دوست داره؟ | عدالت‌کننده‌ها رو دوست داره |
| خدا کیا رو دوست داره؟ | جهادکننده‌ها رو دوست داره   |

خُب بچه‌های خوب! پیامبران همیشه در راه خداوند جهاد کرده و مردم را به راست هدایت

می‌کردند. آنان با زشتی‌ها و ستم‌گری‌ها مبارزه می‌نمودند.

اگر گفتید با این شعر نام چه کسی را می‌خواهم به شما بگویم؟

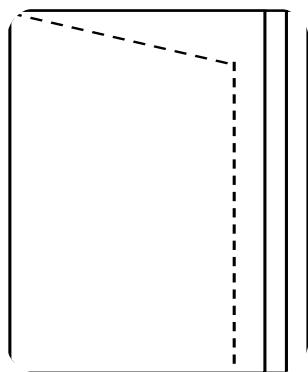
- |           |                 |                 |
|-----------|-----------------|-----------------|
| من کی‌ام؟ | نغمهٔ مرغ سحر   | در چمن و کوهسار |
| من کی‌ام؟ | آینهٔ حق نما    | پیامبر راهنما   |
| من کی‌ام؟ | واسطه‌ای مهربان | محرم هفت آسمان  |

من کی ام؟ راهنمای بشر در سفر پرخطر  
من کی ام؟ شبیه خورشید و نور مایه فخر و سرور  
من کی ام؟ رحمت دنیا و دین خاتم هستی، نگین

خیلی ممنون! نام مبارک حضرت «محمد ﷺ».

دانش آموزان عزیز! دومین برشی را که امروز یاد می‌گیریم، برش نام مبارک پیامبر مهربان مان حضرت محمد ﷺ است.

برش نام محمد!



نام زیبایی «محمد» چهاربار در قرآن آمده است.<sup>۲</sup>

نام آسمانی «احمد» یک بار در قرآن آمده است.<sup>۳</sup>

آیا می‌دانید در روز قیامت چه کسانی به پیامبر ﷺ نزدیک هستند؟

من در کارت‌های پنج‌ضلعی قبلاً آماده کرده‌ام و در تابلو قرار می‌دهم. شما این کلمات را کامل

کنید؛ البته سه حرف در جاهای خالی قرار دهید.

۱. مراحل تا کردن کاغذ، به روش تا کردن کاغذ آرم «الله» است.

۲. سوره‌های: آل عمران، آیه ۱۴۴۲، احزاب، آیه ۴۰۳، محمد، آیه ۲۴، فتح، آیه ۲۹۵ و صف، آیه ۶.

۳. صف، آیه ۶.



رسول خدا ﷺ فرمود:

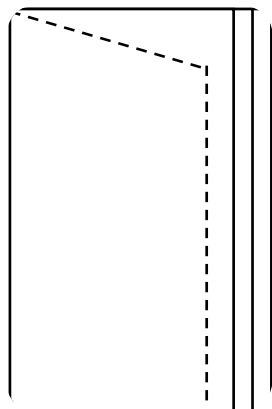
« أَقْرَبُكُمْ مِنِّي فِي الْمَوْقِفِ غَدًا أَصْدَقُكُمْ حَدِيثًا وَأَدَاكُمْ أَمَانَةً وَأَوْفَاكُمْ بِالْعَهْدِ وَأَحْسَنُكُمْ خُلُقًا وَأَقْرَبُكُمْ إِلَيَّ النَّاسِ؛ نزدیک ترین شما به من در قیامت، راست گوترین، امانت دارترین، وفادارترین به عهد، خوش اخلاق ترین و نزدیک ترین شما به مردم است. »<sup>۱</sup>

بعد از ۱۲۴۰۰۰ پیامبر، خداوند دوازده امام را برای هدایت مردم فرستاده است که اولین آن ها حضرت علی علیه السلام و آخرین آن ها حضرت مهدی علیه السلام است.

همان طور که امامان عزیز، حسن ختام عالم اند، ما هم برش نام مبارک «علی علیه السلام» را حسن ختام برنامه قرار می دهیم.

۱. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۹۴، ح ۱۲.

برش نام علی<sup>۱</sup>



آیا می‌دانید در بین امامان عزیزمان، نام چند امام «علی» است؟

خیلی ممنون!

بله، درست است؛ چهار امام.

چرا در قرآن کریم نام مبارک امام «علی علیه السلام» به صراحت نیامده است؟ (مربی از بچه‌ها کمک

می‌گیرد.)

خیلی ممنون!

ولی جواب اصلی و درست این است:

بودن اسم در قرآن دلیل برحق بودن نیست؛ چون نام شیطان و فرعون هم در قرآن آمده است.

اگر بودن اسم در قرآن دلیل برحق بودن است، باید بگوییم نام خلفای اهل سنت هم در قرآن

نیامده است.

اما این راهم باید بدانیم که اگر اسم علی علیه السلام در قرآن می‌آمد، دشمنان قرآن را تحریف

می‌کردند.

هرچند اسم آن حضرت در قرآن نیامده است، داستان و آیاتی در شأن آن مولا در قرآن وجود

---

۱. تا کردن کاغذ، مثل تا کردن کاغذ در آرم «الله» است. فقط نام «علی» را به جای آرم «الله» رسم کنید.

دارد؛ مثل داستان غدیر خم در آیه ۵۵ سوره مائده!  
دانش‌آموزان عزیز! بیایید یک سرود قشنگ و زیبا در شأن مولا علی علیه السلام اجرا کنیم.

علی علی مولا (۲ بار) علی علی مولا علی

\*\*\*\*\*

ناطق قرآن، اسوه انسان، آیت یزدان علی  
روضه رضوان، مایه غفران، لؤلؤ مرجان علی  
علی علی مولا (۲ بار) علی علی مولا علی

\*\*\*\*\*

اصل امامت، نور ولایت، مرد عدالت علی  
کنز سخاوت، قدر شجاعت، باب شفاعت علی  
علی علی مولا (۲ بار) علی علی مولا علی

\*\*\*\*\*

همسر زهرا، یاور طاها، سرور بطحا علی  
تو مهر و ماهی، به ما پناهی، بکن نگاهی علی  
علی علی مولا (۲ بار) علی علی مولا علی

\*\*\*\*\*

ساقی کوثر، فاتح خیبر، حیدر صفدر علی  
اسوه تقوا، سید و مولا، سرور و آقا علی  
علی علی مولا (۲ بار) علی علی مولا علی

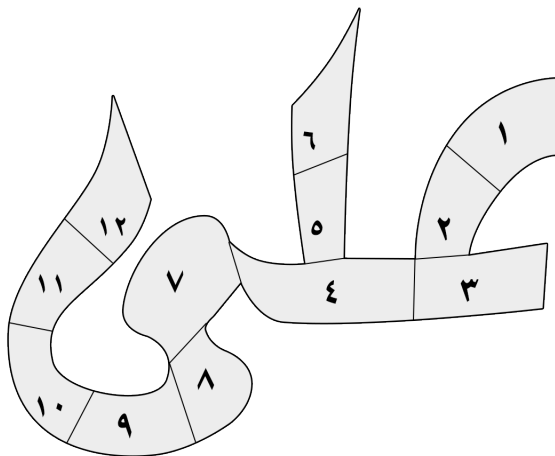
\*\*\*\*\*

جان به فدایت، نور هدایت، اصل ولایت علی  
صلح و صفایت، مهر و وفایت، دلم برایت علی  
علی علی مولا (۲ بار) علی علی مولا علی



\*\*\*\*\*

برای حسن ختام برنامه، یک جدول از سخنان گهربار حضرت علی علیه السلام تقدیم شما می‌شود. من نام «علی علیه السلام» را در تابلو رسم می‌کنم و آن را به دوازده قسمت به نام دوازده امام علیهم السلام تقسیم می‌کنم و حروف را در جدول قرار می‌دهم. حدس بزنید سه سفارش مولا علی علیه السلام چیست؟<sup>۱</sup>



آفرین!

جواب جدول ما، سفارش مولا علی بن ابی طالب علیه السلام در سه کلمه است: تقوا، نظم و اصلاح. آن حضرت به فرزندانش امام حسن و امام حسین علیهم السلام فرموده است: «أَوْصِيكُمَا وَجَمِيعِ وُلْدِي وَوَلَدِي) وَأَهْلِي وَمَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَنَظْمِ أَمْرِكُمْ وَصَلَاحِ ذَاتِ بَيْنِكُمْ فَإِنِّي سَمِعْتُ جَدَّكُمَا رَسُولَ اللَّهِ؟ ص؟ يَقُولُ صَلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ (إِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ) أَفْضَلُ مِنْ عَامَّةِ الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ؛ شما و همه فرزندان و خانواده‌ام و هر کسی را که نوشته من به او برسد، سفارش می‌کنم به تقوا، نظم در کارها و اصلاح رابطه بین برادران ایمانی. من از جدتان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود اصلاح رابطه بین برادران ایمانی، از یک سال نماز و روزه برتر است.»<sup>۲</sup>

۱. مریبی در جدول خالی با سلیقه‌ی خود، حرف‌ها را با فاصله قرار می‌دهد و دانش‌آموزان حروف مانده را حدس بزنند تا کلمات کامل گردد.

۲. بروجردی، جامع‌أحادیث الشیعه، ج ۲۳، ص ۸۹۱.

ت	ق	و	ا	ن	ظ	م	ا	ص	ل	ا	ح
---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---

با امید این که بتوانیم به این سه سفارش مولای مان در جامعه عمل کنیم و شادی، محبت و اتحاد را شاهد باشیم!

حالا به این سؤال جواب دهید: گرفتن وضو برای چه چیزهایی واجب است؟

خیلی ممنون!

آیا می دانید دست زدن بی وضو به نام «الله»، پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام حرام و گناه است.  
الله

منم بچه مسلمان الله نگه دارمه	گوش می کنم به قرآن الله نگه دارمه
عمل کردن به قرآن همیشه در کارمه	تو درس و علم و ایمان الله نگه دارمه
مادر مهربانم، همیشه غم خوارمه	دوسش دارم فراوان الله نگه دارمه
بابا که خیلی ماهه، ماه شب تارمه	قربون ماه تابان الله نگه دارمه
شیعه حیدرم من، عشق علی یارمه	مثل همه شیعیان الله نگه دارمه

## خواب صدساله

موضوع: قرآن

هدف کلی: تفهیم امکان زنده شدن مردگان در روز قیامت

اهداف جزئی:

- آشنایی با نمونه‌های وجود حیات پس از مرگ در دنیا
- دانستن این‌که قبلاً هم مردگان زنده شده‌اند
- آشنایی با داستان حضرت عزیر پیامبر عَلَيْهِ السَّلَام
- توجه نکردن به زخارف دنیا

هدف رفتاری: باور کردن امکان و وقوع حیات پس از مرگ و توان دلیل آوردن برای آن

روش‌های مناسب: بازی، کارت، داستان، هم‌خوانی، جدول و معما

ابزار: تابلو

دلت را با خدایت آشناکن ز عمق جان خدایت را صداکن  
بکن هر کار را با نامش آغاز خدای مهربان خود رضاکن  
سلام به شما و آرزوی قبولی طاعات و عبادات شما در این ماه عزیز!

اول برنامه یک سؤال می‌پرسم؟ چه کسی می‌تواند بگوید چرا ما روزه می‌گیریم؟  
آفرین! به فرمایش پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یکی از فایده‌های روزه این است که انسان به یاد تشنگی و  
گرسنگی روز قیامت بیفتد و از همین حالا برای آن روز خود را آماده کند.

یک سؤال دیگر!

ما که از دنیا می‌رویم و بدل به خاک می‌شویم آیا امکان زنده شدن مان وجود دارد؟  
کسی می‌تواند مثال بزند؟

بله! مثل فصل بهار. در زمستان همه درختان و گیاهان خشک و بی‌محصول می‌شوند و دوباره  
در فصل بهار همه آن‌ها سبز و شکوفا می‌گردند. در زمستان وقتی نگاه به درخت خشک می‌کنیم

---

۱. مربی جواب‌ها را می‌شنود و منتظر جواب اصلی است یا خود بیان می‌کند.

انگار چند سال است که خشکیده و دیگر زنده نی شود! ولی دوباره با شروع بهار سبز و زیبا می شود.  
مثال دیگر مثل خواب.

آدم وقتی خوابیده است، انگار از این دنیا فارغ شده و از هیچ چیز خبر ندارد. بعضی ها که آن قدر خواب شان سنگین است که به قول معروف: اگر دنیا را آب ببرد فلانی را خواب می برد. وقتی از خواب بیدار می شود و به او می گویند فلان اتفاق افتاد و این همه سروصدا شد، می گوید من اصلاً متوجه نشدم.

در روایت هم داریم که «انَّ التَّوْمَ أُخُ المَوْتِ»<sup>۱</sup> خواب برادرِ مرگ است» و انسان با بیدار شدن انگار دوباره زنده می شود! لذا مستحب است صبح که از خواب بیدار می شویم بگوییم: «الحمد لله الذی أحياني بعد ما أماتي وإليه التَّشور»<sup>۲</sup> خدا را شکر که مرا پس از میراندن، زنده کرد.

این که انسان ها بعد از مردن دوباره زنده می شوند را معاد می گویند. معاد از کلمه عودت و بازگشت است؛ یعنی ما بعد از مردن، دوباره زنده می شویم و جزا و پاداش اعمال مان را می بینیم.

راستی بچه ها! در قرآن هم داریم که خدا درباره قیامت و زنده شدن مثال زده باشد؟

بله! داستان حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام که پرنده هایی را سر برید و روی چهار کوه گذاشت؛ ولی من داستانی دیگر از قرآن بیان کنم، درباره پیامبری که اگر اسمش را بگوییم، بعضی ها به اصل داستان می رسند. اسم پیامبر را در قالب کارت<sup>۳</sup> بیان می کنیم.

- عاقبت گنه کاران در قیامت (مخالف پاداش) چیست؟ عذاب.
- سوره ای دو حرفی که حوادث قیامت در آن بیان شده و نام پیامبر اکرم نیز هست؟ یس.
- سوره ای در جزء سی ام قرآن که حوادث زمین در روز قیامت را بیان می کند؟ زلزال.
- یکی از معانی قیامت؟ رستاخیز.

رستاخیز	زلزال	یس	عذاب
---------	-------	----	------

از این کلمات نام پیامبری بیرون می آید؛ البته چون سخت است هر کس پاسخ داد جایزه دارد!

۱. تفسیر صافی، ذیل آیه ی ۲۱ کهف.

۲. کافی، ج ۲، ص ۵۴۰.

۳. یا نوشتن روی تابلو.

بله، پاسخ عَزِیر است که اگر اول کلمات را مرتب کنیم به آن می‌رسیم.  
 حالا بگویید داستان این پیامبر در کدام سوره بیان شده است؟  
 راهنمایی: سوره‌ای که بزرگ‌ترین سوره قرآن است. بله، بقره.  
 کسی می‌تواند داستان حضرت عزیر را بگوید؟  
 اجازه بدهید داستان را کامل کنم.

ولی قبل از آن، یک جدول حل کنیم؛ چون در ماه نزول قرآن هستیم سؤال‌ها هم قرآنی است تا ببینیم چه قدر حواستان جمع قرآن است.

۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
د	د							د	د
		د	د			د	د		
				د	د				

جواب همه سؤال‌ها آخرشان دال است.

۱. سوره‌ای قرآن.
۲. به معنای بی‌نیاز در قرآن.
۳. روز قیامت.
۴. کشته در راه حق.
۵. به معنای فرزندان در قرآن.
۶. ان الله لایخلف ال... .
۷. دور در لغت قرآن.

۱. با کمک دانش‌آموزان داستان بیان شود.

۸. عذاب کافران.

۹. شکارشده.

۱۰. مکر و حيله.

و اما داستان حضرت عزير عليه السلام

روزی حضرت عزير سوار بر الاغ خود از روستایی می گذشت؛ روستایی که اهالی آن یا مرده و یا کوچ کرده بودند و خانه های روستا خراب و ویران شده بود. حضرت عزير گفت: «خدا چگونه این آدم هایی را که مرده اند زنده می کند؟» مشغول فکر در این مورد بود که با خودش گفت: خوب است همین جا استراحت کنم و غذایی را بخورم. روی زمین نشست و مشغول خوردن غذا شد. کمی از غذایش باقی ماند. آن را کناری گذاشت و خواست زیر سایه درختی کمی استراحت کند. بعد از مدتی بيدار شد. در آن لحظه خدا وحی فرستاد که: «ای رسول ما! چه قدر خوابیدی؟» حضرت عزير گفت: «فکر کنم حدود نیم روز.» خداوند ندا داد: «تو صد سال خواب بودی؟»

■ صد سال؟

■ آری! نگاه به غذا و آبت بینداز، هیچ تغییری نکرده؟ الاغت را ببین!

■ الاغم کو؟

■ این استخوان هایی که می بینی، از آن الاغ توست. تو خواب بودی و او مُرد. حال می خواهی

آن را دوباره زنده کنیم؟ مگر شک نداشتی؟

■ آری! ای پروردگار من!

■ پس بنگر به این استخوان ها که چگونه آن ها را جمع می کنیم و روی آن را گوشت و پوست

می پوشانیم تا بفهمی خداوند بر هر چیزی آگاه است و توانا.

عزير وقتی این صحنه را دید به سجده افتاد و عرض کرد: «خدایا! فهمیدم که بر هر چیزی دانا

و توانایی.»

بله! همه ما یک روز از دنیا می رویم و دوباره زنده می شویم و باید نتیجه اعمال مان را ببینیم.

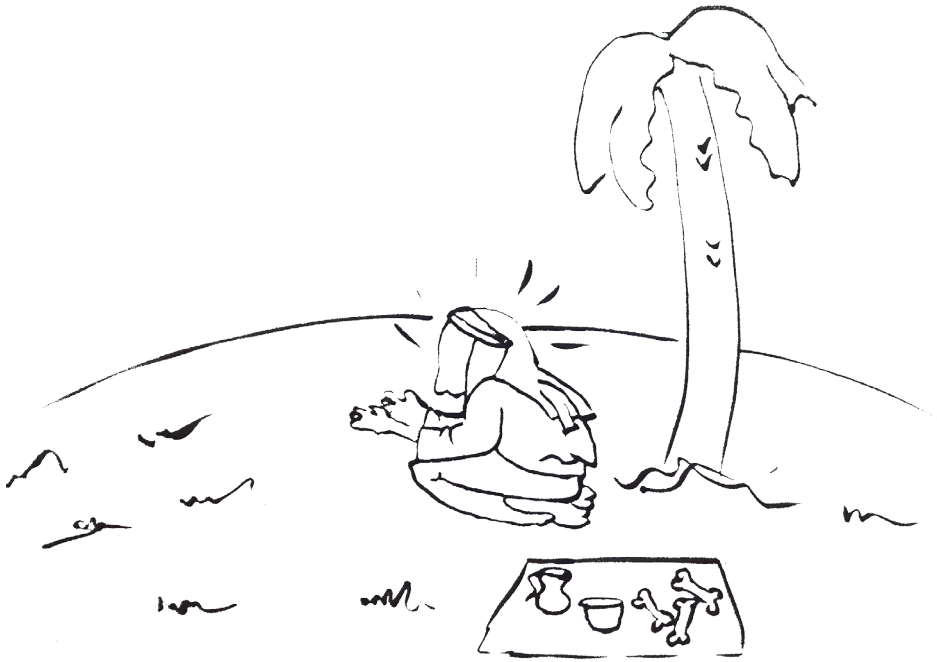
کیست زانای بشر آمد که از دنیا نرفت؟ زین سرای عاریت چون آدم و حوا نرفت؟

صالح و یعقوب را نگرفت دامان، دست گور؟ اشرف پیغمبران، ختم رُسل، عقل نخست  
 یوسف صدیق با آن طلعت زیبا نرفت؟ آن که شأن اوست، سبحان الذی اسری نرفت؟  
 مطلع شمس ولایت، آیت نور مبین مظهر یزدان علی یا همسرش زهرا نرفت؟  
 دار دنیا ای برادر فی المثل دانشگهی است کاندرا این جا هر که علم آموخت از دنیا نرفت!  
 و حالا وقت مسابقه است برای این بازی نیاز به هشت نفر داریم که به دو گروه چهار نفری  
 تقسیم می شوند و سپس به هر گروه چهار کارت داده می شود که روی هر کارت یک کلمه نوشته  
 شده است. کلمه ها و عبارات ها، متناسب با قیامت و معاد است که باید دوبه دو باهم هماهنگ  
 کنید؛ البته کارت مناسب کارت شما در دست گروه مقابل است.

گروه الف:	معاد	جهنم	جحیم
گروه ب:	قیامت	دوزخ	آتش جهنم
			بهشت

حالا گروه «الف» یک کارت را به صورت برعکس (طرف خالی) نشان می دهد و گروه «ب» هم  
 همین طور. اگر دو کارت هم معنی بود، گروه «ب» برنده است؛ وگرنه گروه «الف». حالا نوبت گروه  
 «ب» است؛ تا ۴ مرتبه. هر کس امتیاز بیش تری آورد برنده است.  
 در پایان برنامه شعری می خوانم و شما جواب دهید «غافل مشو».

هر بهاری را خزان در پی بود ای هوشیار! این بهار عمر تو دارد خزان غافل مشو  
 حال پیران را ببین، قدر جوانی را بدان تو ز رنج روز پیری ای جوان غافل مشو  
 در کمین گوهر دینت هزاران رهزن است زمین یگانه گوهر و زان رهزنان غافل مشو  
 خواهی ار دستت خدا گیرد گه درماندگی در توانایی تراز درماندگان غافل مشو  
 ان شاء الله که در این ماه عزیز بتوانیم همیشه یاد مرگ باشیم و از دیگران دستگیری کنیم.  
 ان شاء الله!





## دانشی از نور

ملکا! ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی  
نروم جز به همان ره که توأم راهنمایی  
همه درگاه تو جویم همه از فضل تو پویم  
همه توحید تو گویم که به توحید سزایی

موضوع درس امروز یک کلمه است؛<sup>۱</sup> یک کلمه سه حرفی و بی نقطه به معنای «دانش».

بله، علم؛<sup>۲</sup> یعنی: دانش، یادگیری و رسیدن به مهارت های علمی.

به نظر شما چرا کسب علم و دانش لازم است؟

کاملاً معلوم است؛ چون انسان بی سواد، مانند نادانی نابیناست؛ در حالی که کسب دانش دستور اسلام و سفارش پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که می فرماید: «برای کسب دانش، گرچه در ..... باشد بروید.<sup>۳</sup> در کجا باشد؟ بله، چین.

آن حضرت در حدیث دیگری می فرمایند: «الْعِلْمُ ... الْمُؤْمِن؛ دانش ... مؤمن است.»

شما بگویید در جای خالی چه کلمه ای باید نوشته شود؟

پاسخ ساده است. صفت حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام چه بود؟ آفرین! «خلیل»؛ یعنی دوست.

«الْعِلْمُ خَلِيلُ الْمُؤْمِن؛ دانش دوست مؤمن است.»<sup>۴</sup>

به همین دلیل است که پیشوای اول ما می فرماید: «عقل لک ه غری زه اخ ت ص اص  
ی ان سان و از س رم ای ه ای ط ب ی ع ی ب ش ر اس ت ، ب ا ع ل م آم و ز ی و  
ت ج ر ب ه ان د و ز ی اف ز ای ش م ی ی اب د.»

حروفی را که روی تابلو نوشته ام، مرتب کنید تا جمله درست شود: بله، امام علی عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید:

«عقل که غریزه اختصاصی انسان و از سرمایه های طبیعی بشر است، با علم آموزی و

۱. ابتدا یک پاره خط روی تابلو رسم می کنیم تا بچه ها کلمه مورد نظر را حدس بزنند.

۲. به صورت فانتزی با استفاده از همان پاره خط کلمه «علم» را کامل می کنیم.

۳. قَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ» (بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۶۲).

۴. بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۲ و ج ۷۴، ص ۱۳۹.

تجربه اندوزی افزایش می یابد.»

امروزی خواهیم با کسی آشنا شویم که آوازه علم او در همه دنیا پیچیده است؟<sup>۲</sup>

«ب ..... م»

بله، آوازه دانش ایشان چنان جهان اسلامی را پرکرده بود که این لقب را به او دادند. «ب

..... م»

او کسی است که هم چنان به این لقب مشهور است. وی در قرن اول و دوم هجری قمری می زیست. در فضائل و دانش او همگان سر تعظیم فرود آورده اند؛ تا جایی که «ابن حجر هیتمی» می نویسد:

«او به اندازه ای گنج های پنهان معارف و دانش ها را آشکار ساخته و حقایق احکام و حکمت ها و لطایف دانش ها را بیان کرده که جز بر عناصر بی بصیرت یا بدسیرت پوشیده نیست و از همین جاست که وی را شکافنده و جامع علوم و برافرازنده پرچم دانش خوانده اند.»<sup>۳</sup>

«عبدالله بن عطا» که یکی از شخصیت های برجسته و دانشمندان بزرگ عصر ایشان بود، می گوید:

«من هرگز دانشمندان اسلام را در هیچ محفل و مجمعی به اندازه محفل او از نظر علمی حقیر و کوچک ندیدم. من «حکم بن عتیه» را که در علم و فقه مشهور آفاق بود، دیدم که در خدمت وی مانند کودکی در برابر استاد عالی مقام، زانوی ادب بر زمین زده و شیفته و مجذوب کلام و شخصیت او شده بود.»<sup>۴</sup>

باید متوجه شده باشید منظورم چه کسی است؟

او امامی است که لقب «شکافنده دانش ها» در منزلت اوست؛ بله، امام پنجم ما شیعیان که در فضل و دانش وی، همگان درمانده بودند؛ «امام محمد بن علی علیه السلام معروف به باقر العلوم.»

۱. روایات تربیتی، ج ۲، «عقل و علم...»، ص ۵.

۲. روی تابلو به شکلی که می بینید، کلمه ناقص را می نویسیم تا بچه ها حدس بزنند. در ادامه، توضیحات لازم را برای رسیدن به کلمه مورد نظر ارائه می دهیم.

۳. الصواعق المحرقة، ص ۲۰۱.

۴. علم الحدیث و درایة الحدیث، ص ۶۷.

امام باقر علیه السلام در سخنان خود، اغلب به آیات قرآن مجید استناد کرده، از کلام خدا شاهد می آورد و می فرمود: «هر مطلبی گفتم، از من بپرسید که در کجای قرآن است تا آیه مربوط به آن را بیان کنم.»<sup>۱</sup>

آن حضرت در دوران امامت خویش، با وجود شرایط نامساعدی که بر فرهنگ اسلامی سایه افکنده بود، با تلاشی جدی نهضتی بزرگ را در زمینه علم و پیشرفت های آن طراحی کرد. تا جایی که این حرکت به تأسیس یک دانشگاه بزرگ و برجسته اسلامی انجامید و پویایی و عظمت آن در دوران امام صادق علیه السلام، به اوج خود رسید.

امام باقر علیه السلام با برقراری حوزه درس، مبانی معارف و اصول ناب اسلامی را محکم کرد و تمام ابواب فقهی و اعتقادی را از دیدگاه قرآن بررسی کرد و به پرورش دانشمندان و فرهیختگان عصر خود و جنبش بزرگ علمی کمر بست؛ به گونه ای که دانشمندی چون «جابر بن یزید جعفی»، هرگاه می خواست سخنی در باب علم به میان آورد، با آن که خود توشه ای از دانش داشت، می گفت: «جانشین خدا و میراث دار دانش پیامبران محمد بن علی علیه السلام این چنین گفت!»<sup>۲</sup> و به دلیل ناچیز دیدن موقعیت علمی خود در برابر جایگاه امام، از خود نظری ارائه نمی داد.

«ابواسحاق سبعی» از دیگر فرهیختگان این دوره، آن قدر نظریات علمی امام را درست می پندارد که وقتی از او در مورد مسئله ای می پرسند، پاسخ را از زبان امام می گوید و می افزاید: «او دانشمندی است که هرگز کسی بسان او (در علم) ندیده ام.»<sup>۳</sup>

«ابوزرعه» نیز در این باره اقرار می کند: «او بزرگ ترین دانشمندان است.»<sup>۴</sup>

امروز می خواهیم با بخشی از زحمات علمی ایشان آشنا شویم:

من کلمه هایی را روی تابلو می نویسم. شما باید کلمه های مربوط به هم را مشخص کنید تا با تلاش های علمی امام پنجم بیش تر آشنا شویم.

فرهنگ پرورش حدیث تدوین انتظار دانشمندان

۱. طبرسی، احتجاج، ص ۱۷۶.

۲. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۲۳۰.

۳. همان، ص ۲۳۱.

۴. مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۲۲۱ و سید محسن امین، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۵۱.

### پرورش دانشمندان

امام باقر علیه السلام، دانشمندان برجسته‌ای را در رشته‌های گوناگون معارف، چون: فقه، حدیث، تفسیر و دیگر شاخه‌های علوم اسلامی تربیت کرد که هر یک، وزنه‌ای در دانش بودند. امام با درایت و هوشیاری تمام، توانست شکافی را که در گذر سال‌های متمادی بین قرآن و عترت در باورهای دینی بخش عظیمی از مردم پدید آمده بود، از میان بردارد. ایشان با وجود تنگناهای خاص سیاسی و فرهنگی، توانست افراد زیادی بالغ بر ۴۶۲ نفر را با آموزش‌ها و تعالیم ناب خویش پرورش دهد که نام یکایک آن‌ها در دست است. برجسته‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

#### ۱. زراره بن اعین

او از بزرگ‌ترین راویان حدیث و مورد اطمینان اهل بیت علیهم السلام بوده و بارها از زبان آنان ستایش شده است. او پس از امام باقر علیه السلام، محضر فرزندان آن امام همام را نیز درک کرد و در زمان امامت آنان نیز، از بهترین‌ها بود. امام صادق علیه السلام روزی به او فرمود: «ای زراره! نامت در ردیف نام‌های بهشتیان است.»<sup>۱</sup> و نیز می‌فرمود: «خدای رحمت کند زراه پسر اعین را که اگر او و تلاش‌های او نبود، احادیث و سخنان پدرم از بین می‌رفت.»<sup>۲</sup> و نیز: «گروهی هستند که ایمان را به زینهار گرفته و برگردن می‌افکنند (و از آن پاسداری می‌کنند) که در روز قیامت آنان را پاسداران [ایمان] نامند. بدانید که زراره بن اعین از آن گروه است.»<sup>۳</sup>

#### ۲. محمد بن مسلم ثقفی

او از بزرگان و راویان احادیث امامان علیهم السلام و حدیث‌های بسیاری از امام باقر علیه السلام روایت کرده است.

امام باقر علیه السلام درباره‌اش می‌فرمود: «در شیعیان ما کسی فقیه‌تر از محمد بن مسلم نیست.» او مدت چهار سال در مدینه سکناگزید و همه‌روزه در محضر نورانی امام باقر علیه السلام حاضر می‌شد و پاسخ پرسش‌های خویش را می‌شنید و درس می‌آموخت. وی در مدت عمر خویش، سی هزار حدیث از امام باقر علیه السلام و شانزده هزار حدیث از امام صادق علیه السلام شنید و آن‌ها را روایت کرد که

۱. ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۳۴۵.

۲. همان، ص ۳۴۸.

۳. همان، ص ۳۷۸.

قسمتی از آن‌ها به دست ما رسیده است.<sup>۱</sup>

۳. ابوبصیر، لیث بن البختری مرادی

او نیز از نزدیکان و شاگردان امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام بود و سخنان بسیاری را نیز از آن دو بزرگوار نقل کرده است. او کتابی نگاشت که بسیاری از دانشمندان آن را تأیید و از آن روایت کردند.<sup>۲</sup>

«شعیب عرقونی» می‌گوید که از امام صادق علیه السلام پرسیدم: «اگر احتیاج به پرسش در مورد مسئله‌ای پیدا کردیم، از چه کسی پرسیم؟» امام پاسخ فرمود: «از ابابصیر».<sup>۳</sup>

### تدوین حدیث

در پی انحراف‌های عمیقی که پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به وجود آمد، رخداد تأسف برانگیزی دامن‌گیر جهان اسلام شد و آن جلوگیری از تدوین احادیث اهل بیت علیهم السلام بود که آثار زیان‌بار آن، سالیان دراز بر فرهنگ دینی مردم باقی ماند. نزدیک به یک قرن از نگاشتن و حفظ احادیث نبوی صلی الله علیه و آله و سخنان تابناک اهل بیت علیهم السلام جلوگیری شدید به عمل آمد. امام باقر علیه السلام بیان احادیث را آغاز کرد و راویان مختلف از ایشان ده‌ها هزار حدیث نقل کردند. در واقع، امام باقر علیه السلام نماینده مکتب اهل بیت علیهم السلام و نخستین سروسامان‌دهنده احادیث تابناک معصومان علیهم السلام بود؛ از این رو، بسیاری از محدثان وقت، با دیدن تلاش‌های بی‌دریغ امام، کمر به نگاشتن و نگاه‌داری سخنان ایشان بستند و بدین سبب، بیش‌تر احادیث اهل بیت علیهم السلام از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام است.

### فرهنگ انتظار

تلاش‌های گسترده و عمیق امام باقر علیه السلام در نشر معارف اسلام ناب، سوق‌دادن امت به سوی فرهنگ انتظار امام آخرین صلی الله علیه و آله بود. او در تبیین این فرهنگ، بر آن بود تا با روشن کردن زوایای پنهان فرج قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و پاسخ به پرسش‌های گوناگون، غیبت و ظهور او را امری خدادادی و خارج از اختیار معرفی و نیز منتظران را به انتظار ظهور او ترغیب کند.

۱. همان ۲، ص ۳۹۱ - ۳۸۳.

۲. رجال النجاشی، ص ۳۲۱.

۳. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۴۰۰.

«ام‌هانی ثقفیه» می‌گوید که خدمت سرورم محمد بن علی الباقر علیه السلام رسیدم و گفتم: «سرورم! آیه‌ای از کتاب خدا بر دلم خطور کرده، مرا پریشان ساخته و خواب از چشمم ربوده است.» فرمود: «بپرس ای ام‌هانی!» گفتم: «فَلَا أُقْسِمُ بِالْجَوَارِ الْكُنَّسِ.»<sup>۱</sup>

یکی از شما، آیه را با ترجمه برای ما بخواند. راستی می‌دانید منظور از این آیه که می‌فرماید: «قسم به ستارگانی که بازمی‌گردند و پنهانی در حرکت هستند.» چه کسی است؟ که خداوند او را به ستارگانی که بازخواهندگشت تشبیه کرده است؟

آفرین بر شما! امام عصر عجل الله تعالی فرجه الهم؛ لذا امام باقر علیه السلام فرمود: «ای ام‌هانی! خوب مسئله‌ای پرسیدی. او مولودی در آخرالزمان است. او مهدی این دودمان است و برای او غیبتی خواهد بود که اقوامی در آن گمراه می‌شوند و گروهی نیز هدایت می‌یابند و خوشا بر تو اگر او را دریابی و خوشا به حال کسی که او را دریابد!»<sup>۲</sup>

بیایید ما هم تا می‌توانیم از دریای علم بهره بگیریم؛ چرا که امام باقر علیه السلام در حدیثی می‌فرماید: «..... از هفتاد هزار عابد بهتر است.»

برای این که بدانیم چه کسی است که به فرموده امام پنجم از هفتاد هزار عابد ارزشش بیش‌تر است، باید به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

- به کسی که دانش فراوان دارد و در یک زمینه به درجه بالایی از علم رسیده باشد، می‌گویند.
- تنها و یکتا.
- «ز» مخفف آن است.
- دانش به عربی.
- حرف شانزدهم الفبای فارسی.
- همان بهره‌برداری را گویند.
- دوش وارونه.

حالا چنان چه پاسخ‌ها را کنار هم قرار دهید، بخش اول کلام امام به دست می‌آید. بله،

۱. تکویر، آیات ۱۵ و ۱۶.

۲. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۱، ص ۳۳۰.

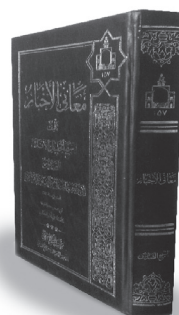
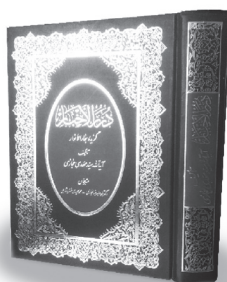
«عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ أَلْفَ عَابِدٍ» دانشمندی که از علمش استفاده شود، از هفتاد هزار عابد بهتر است.

سعی کنیم از علمی که کسب می‌کنیم، به دیگران هم بیاموزیم و دانش را گسترش دهیم. مثل نوری باشیم که روشن‌گر راه دیگران باشیم و از تلاش‌های علمی امامانی چون امام باقر علیه السلام استفاده کنیم.

بخش پایانی امروزه به سخنانی از ایشان در فضیلت علم اختصاص دارد که از دوست‌تان می‌خواهم برای‌مان بخواند. شما هم به دقت گوش کنید و در مورد درس امروز و این سخنان امام باقر علیه السلام برای جلسه آینده مقاله‌ای در یک صفحه آماده کنید.

علم بیاموزید که آموختنش نیک، طلب آن عبادت، گفت‌وگوی آن تسبیح، جست‌وجوی آن جهاد، یاد دادن آن صدقه و بخشش آن به کسی که شایسته آن است، وسیله تقرب به خداست. دانش میوه‌ای بهشتی، مونس تنهایی، همدم غربت، رفیق خلوت و کمکی برای دشواری‌هاست و اسلحه‌ای در مقابل دشمنان است. تمام ماهیان دریا و سایر موجودات و درندگان صحرا به دارندگان دانش درود می‌فرستند.<sup>۲</sup>

به امید دیدار!



۱. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۷۳.

۲. همان، ص ۱۸۸.

## روزنامه دیواری امام علی علیه السلام

موضوع: تکنولوژی تبلیغ

هدف کلی: آموزش طرز درست کردن روزنامه دیواری و آشنایی با گوشه‌هایی از زندگی حضرت

علی علیه السلام در قالب ساخت آن

اهداف جزئی:

▪ یادگیری قسمت‌های تشکیل دهنده روزنامه دیواری

▪ آموزش کار گروهی

▪ شناخت نمونه‌ای از رفتار مهربانانه امام علی علیه السلام حتی با دشمنان

هدف رفتاری: توانایی ساختن یک روزنامه دیواری زیبا با محوریت امام علی علیه السلام و سرلوحه

رفتار قراردادن مهربانی آن حضرت

روش مناسب تدریس: توضیحی و فعال (شعر، داستان، جدول و کارت)

وسایل آموزشی: تخته و روزنامه دیواری

### روزنامه دیواری

با نام خدا سخن را آغاز می‌کنم. بحث امروز ما درباره آشنایی با روش طراحی و تهیه یک روزنامه دیواری است. با کمک و همراهی شما دوستان، مراحل کار را انجام می‌دهیم. قبل از شروع، تعریفی ارائه می‌دهم: روزنامه دیواری، کاغذ مقوایی است که دانش آموزان به مناسبت‌های مختلف یا برای موضوعات مختلف، نوشته‌های روی آن قرار می‌دهند تا به شکل یک نشریه درآید.

خب، همه آماده‌اید؟

من سؤال‌هایی می‌پرسم و شما هم با جواب دادن تان کمک کنید تا کار را جلو ببریم.

پاسخ‌های تان را روی تخته می‌نویسم.



سؤال اول:

▪ مراحل تهیه روزنامه دیواری را چه کسی می داند؟

شما بفرمایید؟

ابتدا برای انجام کار، لازم است گروه تشکیل بدهیم. کاملاً صحیح است. من کلمه «تشکیل گروه» را روی تخته می نویسم.

بله، تمرین برای کار گروهی و کسب مهارت، مهم ترین اصلی است که در این کار نهفته است.

▪ اعضای گروه چه ویژگی هایی باید داشته باشند و گروه باید چند نفر باشد؟

اعضای گروه باید در رشته های مختلف توان مندی داشته باشند؛ مثل: جمع آوری مطالب، نگارش، ویراستاری، خط زیبا، طراحی و...

تعداد اعضای گروه، بسته به نوع روزنامه مشخص می شود. فکر می کنم برای گروه ما تعداد پنج نفر خوب است.

▪ از کجا مطلب تهیه کنیم؟

با دوروش می توانیم مطلب تهیه کنیم:

الف) کتاب خانه ای؛

ب) میدانی.

در روش کتاب خانه ای، از کتاب ها، مجلات و مقاله های علمی مطلب به دست می آوریم و در روش میدانی، از مصاحبه استفاده می کنیم.

تا اینجا مطالب خوبی گفته شد. بحث را با سؤال بعدی ادامه می دهیم.

▪ چه وسایلی برای ساخت روزنامه دیواری لازم است؟

شما بفرمایید.

▪ مقوا، چه اندازه ای را پیشنهاد می کنید؟

صد در هفتاد سانتی متر اندازه خوبی است؛ مقواها هم در این اندازه هستند؛ هر چند می توان

اندازه های دیگری را انتخاب کرد. اندازه هفتاد در پنجاه سانتی متر یا هر اندازه ای که می خواهید،

می‌توانید استفاده کنید. خط‌کش، مداد، پاک‌کن، وسایل طراحی و نقاشی مثل مدادرنگی، آب‌رنگ، مداد شمعی و...، عکس‌های مناسب با موضوع و...

▪ با توجه به نزدیک بودن ایام ولادت حضرت علی علیه‌السلام، چه موضوعی را برای روزنامه‌دیواری پیشنهاد می‌کنید؟

▪ بفرمایید.

آشنایی با زندگی حضرت علی علیه‌السلام؛ بله، خیلی موضوع خوبی را پیشنهاد کردید.

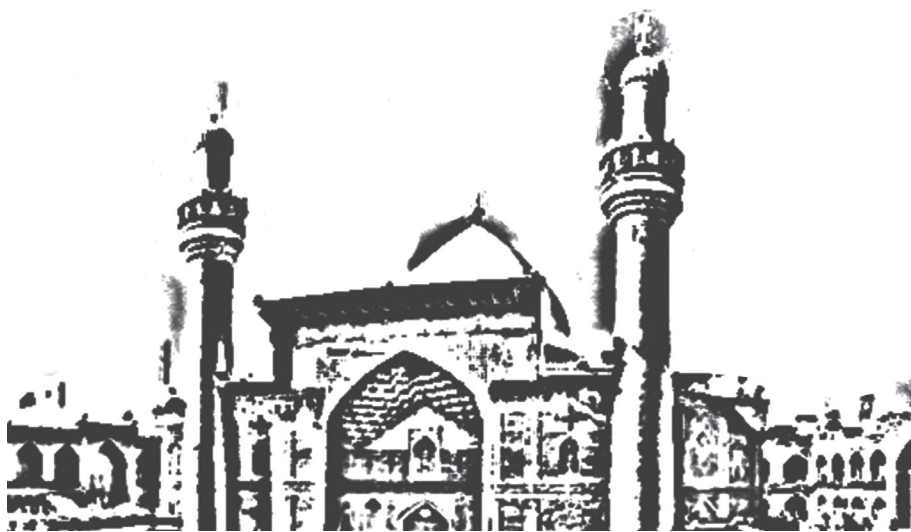
▪ درباره طراحی کلی روزنامه و صفحه‌آرایی چه طرحی را پیشنهاد می‌کنید؟

بفرمایید.

شکل روزنامه به شکل حرم حضرت علی علیه‌السلام باشد.

احسن خیلی عالی است که کل روزنامه به شکل حرم مطهر ایشان باشد. یکی از دانش‌آموزان

که طراح خوبی است، طرح حرم را در اندازه صد در هفتاد سانتی‌متر روی تخته بکشد.<sup>۱</sup>



۱. مربی از قبل، طرح حرم را آماده داشته باشد و در صورت امکان، روش کشیدن را با دانش‌آموزان تمرین کند.

معمولاً، روزنامه را به ده قسمت یا ستون تقسیم می‌کنند؛ ولی شما می‌توانید موضوع‌های کم‌تر یا بیش‌تری را پیشنهاد کنید. اگر تعداد موضوع‌ها کمتر از ده قسمت بود، می‌توان دو ستون را به یک مطلب اختصاص داد.

- با توجه به موضوع، برای این روزنامه چه بخش‌ها یا عنوان‌هایی را پیشنهاد می‌کنید؟
- نام یا عنوان؛
- مشخصات کلی حضرت؛
- شعر؛
- حدیث؛
- جدول؛
- نمونه‌هایی از سیره اخلاقی حضرت؛
- ...و

اگر موافقید، تخته را با خط‌کش به قسمت‌های مورد نظر، به‌طور دقیق تقسیم می‌کنیم و محل عنوان‌ها را مشخص می‌کنیم. بعد، یک نمونه روزنامه دیواری آزمایشی توی کلاس درست می‌کنیم تا شما آمادگی لازم را برای درست کردن روزنامه دیواری داشته باشید. هر گروه در مدت مشخص، مطالب مناسب را گردآوری و روزنامه گروه خود را تکمیل می‌کند و با آن، می‌تواند در مسابقه شرکت کند. باید توجه داشت، شما با دوروش می‌توانید مطالب را روی روزنامه دیواری منتقل کنید:

- نوشتن روی کاغذ و چسباندن بر جاهای مورد نظر؛
  - نوشتن مطالب روی مقوای روزنامه.
- در این روش باید دقت کنید، طول مطالب کم یا زیادتر از جای شما نشود.
- برای روزنامه خود چه عنوانی را پیشنهاد می‌کنید؟
- بفرمایید.

عنوان‌های خوبی را بیان کردید. یک عنوان که ساده تر است را با رأی اکثریت انتخاب می‌کنیم.

«امام اول علی علیه السلام»

یکی از دانش‌آموزان که خط زیبایی دارد، تشریف بیاورد و این عنوان را با خط زیبا، بالای کادر

بنویسد.

بخش بعدی، مشخصات کلی حضرت است.

در این قسمت، من یکی یکی این مشخصات را سؤال می‌کنم و شما پاسخ دهید؟ البته برای این که این قسمت را سریع تر جلو برویم، از قبل یک بنر تهیه کرده‌ام که تمام این سؤال‌ها، مثل نام امام، لقب، کنیه و... روی آن نوشته شده است.<sup>۱</sup>

وقتی شما سؤال را پاسخ دادید، کارت جواب را در بنر قرار می‌دهم و هم‌زمان از یکی از دانش‌آموزان درخواست می‌کنم، این مطالب را روی تخته در قسمت مشخصات کلی حضرت بنویسد.

معصوم دوم (امام اول)

نام:	علی <small>ع</small>	مدت عمر:	۶۳ سال
لقب:	امیرالمؤمنین	یاران:	مالک اشتر، عبدالله بن عباس
کنیه:	ابوالحسن	تاریخ شهادت:	۲۱ رمضان سال ۴۰ هجری
تاریخ تولد:	۱۳ رجب سال ۳۰ عام الفیل	محل دفن:	نجف
محل تولد:	مکه	نحوه شهادت:	ضربت شمشیر
پدر:	عمران	قاتل:	ابن ملجم
مادر:	فاطمه	زام‌داران:	معاویه و سه خلیفه
مدت امامت:	۳۰ سال		

قسمت بعدی چه بود؟ شعر.

■ آیا کسی می‌تواند شعری بخواند که در آن مطالبی درباره فضیلت‌های حضرت علی ع آمده باشد؟

۱. مری می‌تواند از قبل تعدادی کارت تهیه کند و به صورت سؤال و جواب از دانش‌آموزان بپرسد و سپس کارت‌ها را با آهن‌ربا به تخته وایت برد نصب کند. روش دیگر، در صورتی که بنر معصوم‌شناسی را در دست داشته باشد، می‌تواند از آن استفاده کند.

کوتاه هم باشد کفایت می کند.

بفرمایید! شما بخوانید.

علی آن شیر خدا شاه عرب  
شب ز اسرار علی آگاه است

الفتی داشته با این دل شب  
دل شب محرم سزایه است

▪ شاعر شعر را می توانید نام ببرید؟

«استاد شهریار». خیلی عالی بود!

این قسمت را هم، دوست مان که پای تخته است در روزنامه می نویسد.

حالا نوبت سخن یا حدیثی از امام علی علیه السلام است.

▪ چه کسی می تواند حدیثی از آن حضرت بخواند؟

شما بفرمایید.

«يَكْتَسِبُ الصَّادِقُ بِصَدَقِهِ ثَلَاثًا: حُسْنَ الثَّقَةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُ وَالْمَهَابَةَ مِنْهُ.»<sup>۱</sup>

يَكْتَسِبُ الصَّادِقُ	بِصَدَقِهِ ثَلَاثًا	حُسْنَ الثَّقَةِ	وَالْمَحَبَّةَ لَهُ	وَالْمَهَابَةَ مِنْهُ
-----------------------	---------------------	------------------	---------------------	-----------------------

این حدیث را چندبار می خوانم. شما هم تکرار کنید. حالا با این روش، ترجمه اش را بخوانید.

«راست گفتار با راست گویی اش سه چیز را به دست می آورد: اعتماد خوب، جلب محبت برای

خود و عظمت نزد مردم.»

برای این که حواس ها حسابی جمع شود، جدولی رمزدار را در قسمت جدول می کشم. پس از

تکمیل جدول، شما پیام آن را حدس بزنید.

ی	ن	ب	ت
و	و	ی	ا
د	م	ز	★

این جدول رمزی و رمز آن عدد ۳ است. راهنمایی می کنم.

۱. غررالحکم، ص ۸۸۳، ح ۱۰۸۸۲.

برای شروع، حرف اول را کنار بگذارید و سه تا سه تا بشمرید و به هر حرفی رسیدید، آن را روی کاغذ بنویسید. وقتی هم به خانه ستاره رسیدید، آن را به حساب نیاورید.

▪ خُب، رمز جدول چه بود؟

«یتیم نواز».

▪ این هم، یکی دیگر از صفات حضرت علی علیه السلام است.

▪ نمونه‌هایی از سیره اخلاقی آن حضرت، به خصوص مهربانی را یکی از دانش آموزان بفرمایند؟

علی علیه السلام به فرموده خودش از نوزادی در دامن پیامبر صلی الله علیه و آله پرورش یافت. پیامبر صلی الله علیه و آله او را به سینه می‌چسباند و در بستر خویش می‌خواباند. او را در بغل می‌گرفت و از عطر دلپذیرش بهره‌مند می‌ساخت.<sup>۱</sup> موقعیتی که او در محضر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله داشت، هیچ‌کس نداشت. هر روز سحر محضر او می‌رفت، سلام می‌کرد، اجازه ورود می‌گرفت، در کنارش می‌نشست و از کلامش بهره می‌برد.<sup>۲</sup>

حضرت علی علیه السلام با مردم مهربان بود؛ حتی با دشمنانش. وقتی ابن ملجم شمشیرش را بر فرق حضرت فرود آورد، او بی‌هوش شد و چون به هوش آمد، به حسین علیه السلام فرمود: «این اسیر را در بند نگه دارید. غذایش بدهید و سیرابش کنید؛ اسارتش نیکو باشد.» به پسرش امام حسن مجتبی علیه السلام هم فرمود: «پسرم! بر اسیرت مهربان باش و به او مهر بورز، نیکی کن و دلسوز باش.» وقتی هم شیر برایش آوردند، فرمود: «آن را نزد اسیرتان ببرید.»<sup>۳</sup>

به قول شهریار:

می‌زند پس لب او کاسه شیر      می‌کند چشم اشارت به اسیر  
چه اسیری؟ که همان قاتل اوست      تو خدایی مگر؟ ای دشمن دوست!

یارانش در نبرد صفین می‌گفتند: «چرا درنگ می‌کنید و به ما اجازه جنگ نمی‌دهید؟» او می‌گفت: «هیچ‌گاه جنگ را حتی یک روز به تأخیر نیندازم، مگر به آن امید که گروهی از مخالفان به من بپیوندند و هدایت شوند و با چشمان کم‌سوی خود، پرتوی از راه مرا بنگرند و به راه آیند؛

۱. نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۹۰.

۲. مسند احمد، ج ۱، ص ۷۷.

۳. حسین سیدی، امیرگل‌ها، ص ۱۸۱.

چنین حالتی را بیش تر دوست دارم از کشتن ایشان در عین ضلالت، هر چند خود، گناه خود به گردن گیرند.»

آن حضرت اصحابش را از ستیزه جویی گفتاری بازمی داشت و می فرمود: «کسی که نمی خواهد آبرویش بریزد، بگومگوارها کند.»<sup>۱</sup>

روزی در سفری، پیاده با غیرمسلمانی هم سفر شد. غیرمسلمان از او پرسید: «کجا می روی ای بنده خدا؟» پاسخ داد: «کوفه.» چون بر سر دوراهی رسیدند، همان راهی را رفت که غیرمسلمان می رفت. مرد علت را پرسید. امام فرمود: «اوج هم نشینی آن است که انسان چندقدمی دوستش را بدرقه کند؛ پیامبر ﷺ به ما چنین فرمانی داد.» مرد پرسید: «رسول خدا ﷺ چنین گفته است؟» علی رضی الله عنه فرمود: «بله.» نامسلمان گفت: «کسی که او را پیروی کند، کارهای نیک او را پیروی کرده است. من به اسلام گواهی می دهم.» سپس آن مرد مسلمان و به دنبال امام رهسپار شد.<sup>۲</sup> و بالأخره، حضرت آن قدر شیفته «لقاءالله» بود که وقتی در محراب عبادت، ضربت شمشیر بر فرقش فرود آمد، فرمود: «فزت و رب الكعبه؛ به خدای کعبه رستگار شدم.»

به سبب طولانی شدن، این قسمت را روی تخته نمی نویسیم. خب، حالا به تخته نگاه کنید. شما یک روزنامه دیواری زیبا و متنوع با موضوع امام علی رضی الله عنه دارید. حالا دور مطالب را با مائیک های مختلف تزیین می کنیم. دقت داشته باشید که رنگ ها به زیبایی کار شما جلوه می دهند. آخرین قسمت کار باقی مانده است؛ آن چیست؟ نوشتن شناس نامه تهیه کنندگان که در قسمت پایین، سمت چپ نوشته می شود.

امید است در مسابقه شرکت کنید و با ارائه روزنامه مناسب موفق شوید!

با ذکر یک صلوات کلاس را به پایان می بریم.

۱. نهج البلاغه، حکمت ۳۵۴.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۷.

## رهبر

موضوع: اجتماعی

هدف کلی: آشنایی با جایگاه رهبری در قانون اساسی

اهداف جزئی:

▪ آشنایی با مفاد اصل ۱۱۰ قانون اساسی

▪ آشنایی با وظایف رهبری

▪ آشنایی با شرایط رهبری

▪ زندگی‌نامه نوجوانی رهبر معظم انقلاب

هدف رفتاری: شناختن و بیان وظایف و شرایط رهبری و آشنایی با گوشه‌ای از زندگی مقام

معظم رهبری

روش‌های مناسب: توضیحی و فعال (بازی اعداد، پرسش و پاسخ، جدول و داستان)

وسایل آموزشی: تابلو و کارت

باسلام به شما دانش‌آموزان گرامی!

▪ درباره عدد «۱۱» چه می‌دانید؟<sup>۱</sup>

احسن!

▪ حالا اگر «۰» را هم به آن اضافه کنیم چه می‌شود؟

درست است می‌شود: ۱۱۰.

این دو عدد مربوط به قسمتی از درس کتاب اجتماعی شماست. همان‌جا که درباره حکومت و

مسائل مربوط به آن صحبت می‌کند.

▪ چه کسی می‌داند چیست؟

احسن! این عدد در واقع «اصل یکصد و دهم» قانون اساسی است.

▪ بچه‌ها! می‌دانید اصل ۱۱۰ قانون اساسی درباره رهبر انقلاب است؟

---

۱. مربی، نکاتی را که دانش‌آموزان درباره‌ی عدد ۱۱ می‌گویند، روی تخته می‌نویسد.



• آیا می‌دانید ۱۱ وظیفه در اصل ۱۱۰ قانون اساسی بر عهده رهبری گذاشته شده است؟ برای آشنایی شما با برخی از این وظایف، از دو نفر می‌خواهم بیایند و این کارت‌ها را که دوبه‌دو به هم مربوط‌اند، مرتب کنند.

نظارت	تعیین	سیاست کلی	حسن اجرا
	فرمانده	کل قوا	
امضا	نصب و عزل	سران نظام	حکم رییس جمهور

با تشکر از این دو دانش آموز.

حالا به این دو تصویر دقت کنید.

به نظر شما مربوط به کدام وظیفه رهبری است؟



احسن! این تصویر مربوط به تنفیذ حکم ریاست جمهوری است.

امام خمینی رحمته الله علیه به «شهیدرجایی» چنین فرمودند:

«اگر خدمت به مردم کردید، مقام برای شما صلاحیت دارد، خوب است و اگر نشد، مقام

۱. کارت‌ها به صورت پراکنده هستند.

چیزی نیست. من دعا می‌کنم ان شاء الله خداوند شما را موفق کند و مؤید کند و کابینه‌ای که بحمدالله شاید در طول تاریخ ما همچو کابینه‌ای به این صحت و به این خوبی و با این چهره‌های نورانی نداشتیم! حالا ان شاء الله نورافشانی کنند و مردم را هم، برسند بهشان و خصوصاً طبقه مستضعفین را که باید به آن‌ها رسیدگی بشود. در هر امری از امور رسیدگی بشود. با حفظ موازین اسلامی و شرعی به همه امور رسیدگی بشود.

اما این تصویر مربوط به یکی دیگر از وظایف رهبری است.

می‌دانید کدام وظیفه؟

بله، مربوط به عزل و نصب سران است.



این تصویر، عزل بنی صدر از مقام ریاست جمهوری، به امر امام خمینی علیه السلام است:

«بسم الله الرحمن الرحيم

پس از رأی اکثریت قاطع نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی مبنی بر این‌که آقای ابوالحسن بنی صدر برای ریاست جمهوری اسلامی ایران کفایت سیاسی ندارد، ایشان را از ریاست جمهوری اسلامی ایران عزل نمودم.

اول تیر ۱۳۶۰

روح الله الموسوی الخمينی»

حالا نوبت این است که مشخص شود که شرایط رهبر چیست؟

- برای همین، این جدول در نظر گرفته شده که ابتدا به سؤال‌ها پاسخ دهید و جواب‌ها را در خانه‌هایی که شماره‌هایشان داده شده بنویسید.
- در صندوق انتخاباتی چه برگه‌ای ریخته می‌شود؟ رأی. (۱۹، ۲۸ و ۱۵)
- کدام کلمه به معنای ضدظلم و جوراست؟ عدل. (۲۶، ۱۳ و ۲۳)
- به کشته شدن در راه خدا چه می‌گویند؟ شهادت. (۵، ۲۵، ۴، ۱۴ و ۱۰)
- لقب امام دوازدهم به معنای هدایت شده: مهدی. (۳، ۲۲، ۱۶ و ۲۰)
- جانشین پیامبر را چه می‌گویند؟ امام. (۱۸، ۶، ۹ و ۷)
- به معنی دوست و همراه است: رفیق. (۲۷، ۱، ۲۴ و ۸)
- به معنی خودبینی و خودپسندی: عجب. (۲، ۱۲ و ۲۱)
- سوره یک حرفی؟ ق. (۱۷)
- حرف بیست و ششم الفبای فارسی چیست؟ گ. (۱۱)
- این جدول نیاز به ۲۸ خانه دارد.

۲۳		۱۸	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۱
۲۴		۱۹					۱۳	۲	
۲۵		۲۰					۱۴	۳	
۲۶	۲۲	۲۱					۱۵	۴	
۲۷							۱۶	۵	
۲۸								۶	

حالا نوبت به دست آوردن پیام جدول است.

حرف اول را نوشته و هفت تا هفت تا بشمارید.  
پیام عبارت است از: «فقیه، عادل، متقی، آگاه، شجاع، مدیر و مدبر»  
تا این جا با وظایف و شرایط رهبری آشنا شدید.  
حالا با قسمتی از زندگی نامه کودکی و نوجوانی رهبر معظم انقلاب نیز آشنا شوید.

### فلک

کوچه های باریک محله بهتر از حیاط کوچک خانه بود و سیدعلی با کودکان محل خود تا جایی که جاداشت و صدایی به خانه او نهیب نمی زد، سرگرم بود و بازی می کرد. گرگم به هوا و اگر توپی پیدا می شد، فوتبال و والیبال. والیبال را بیش تر می پسندید. شیطنت های آقا اگر در تن خیابان گم می شد، در مدرسه به چشم می آمد؛ آن هم به چشم تدین، که باوقار و هیمنه در حیاط مدرسه قدم می زد و با چوب دستی ای که به کف داشت، گاه دانش آموزان خاطی را تنبیه می کرد. او حداقل یک بار در طول شش سال تحصیل دبستانی خود به دام چوب و فلک تدین افتاد؛ لابد این تنبیه که در محلی به نام «قصاص گاه» انجام شد، در پی ملاحظات فراوان تدین و سرآمدن کاسه ی صبرمدیر بوده است؛ ملاحظه این کودک قباپوش پر جنب و جوش و پسر آیت الله سیدجواد خامنه ای، پیش نماز مسجد صدیقی ها.

این جنب و جوش و هیجانانگیز کودکی، جای خود را داشت و تنه به پیکر علاقه های مذهبی سیدعلی نمی زد. او اهل خدا، نماز، دعا و مستحبات بود. با این که همه این ها را از تراوشات روحی مادرش داشت؛ اما اهلیت او جنبه ای ذاتی داشت نه طبعی. به سن تکلیف نرسیده بود که اعمال روز عرفه را همراه مادرش انجام داد. غسل می کردند و از ظهر تا غروب در حیاط خانه به نماز و دعا بودند. پس از سن تکلیف اعمال ام داوود را به جا می آوردند؛ غیر از روزه هایش. نمی توانستند روزه متسحبی بگیرند؛ نه او نه مادرش. «من از روز اول نمی توانستم روزه متسحبی بگیرم؛ به خاطر مزاجم و چشمم، نمی توانستم. برایم ضرر دارد. مادرم هم همین طور بود. هر دو مان عاجز بودیم.»  
مقید بودند لیلۃ الرغائب را از دست ندهند. «دعای ایام ماه رجب را من از بچگی حفظ بودم.»  
سیدعلی مدتی را هر شب با پدرش به حرم امام رضا علیه السلام می رفت و همراه زیارت پدر بود. پدر به زیارت طولانی امام خود علاقه مند بود. او نیز زیارت جامعه را از روی مفاتیح می خواند. «یک شب

که از حرم آمدیم بیرون به پدرم گفتم: «آقا! من امشب جامعه را از حفظ خواندم.»

نمازهای منسوب به معصومان علیهم السلام را نیز مدتی می خواند. بعدها از این که در کودکی و نوجوانی به حفظ قرآن نپرداخته ابراز تأسف کرد؛ هرچند در سنین بالا بخش هایی از این کتاب جاوید را حفظ کرد؛ اما هم چنان از این که خودش را حافظ قرآن نمی داند، جزء تأسف های بزرگ اوست.

#### آموزش مقدمات

سیدعلی آموزش درس های طلبگی را از کلاس پنجم دبستان در مدرسه دارالتعلیم دیانتی آغاز کرد. یکی از آموزگاران مدرسه، آقای احمدی، که خود روحانی بود، پیشنهاد کرد کتاب جامع المقدمات را به چند دانش آموز علاقه مند آموزش دهد. علی آقا و تنی چند از شاگردان پذیرفتند درس آموز آقای احمدی باشند.

علی آقا جامع المقدمات را نزد مادرش آغاز کرده بود و از همو شنیده بود: «اول العلم معرفة الجبار.» امثله و بخشی از شرح آن را از او فرا گرفته بود. صرف میرا هم از پدر آموخته بود. آموزش عوامل فی النحور با روحانی مدرسه شروع کرد. «از آن مدرسه که بیرون آمدم... تقریباً جامع المقدمات را تمام کرده بودم.» او بخشی از کتاب انموذج را از آقای حسین عبایی فرا گرفت.

در همین دوره، گاه بالاجبار در درس های مقدماتی پدر که به سیدمحمد می آموخت حاضر می شد و از تنبیهات آموزشی حاج سیدجواد، که همان فرود دست سنگین او به بیخ گوش باشد، بی نصیب نمی ماند. روزی که می خواست درس سیوطی را برای پسر بزرگش آغاز کند، در کنار اسم سیدمحمد، نام او را هم برد: «محمدآقا... علی آقا»

ابتدا سیوطی بود و سیدمحمد باید ابیات اول کتاب را که جلسه گذشته درس گرفته بود بخواند: «قال محمد هو ابن مالک احمد ربی الله خیر مالک...» نتوانست. جابه جا گفت که ناگه دست پدر روی صورت سیدمحمد سقوط کرد. محمدآقا گریه سرداد و از زیر کرسی دررفت. این رخداد آموزشی بارها تکرار شد. وقتی این دو برادر شرح لمعه را از حاج سیدجواد فرامی گرفتند، باید درس روز گذشته را به یاد می داشتند و به پرسش های پدر پاسخ درست می دادند.

قرار نانوشته این بود که هر کس نتواند جواب دهد، کتک بخورد. رقابت سختی برای دورنشستن از پدر وجود داشت. حاج سیدجواد در پشت طول میز علمایی خود می نشست و پسران،

پشت عرض آن؛ میزی که ۸۰ در ۴۰ سانتی متر محیط داشت. کرسی کوچکی بود که دست پدر راحت به آن طرف می رسید. «محمد آقا را هول می داد جلو. با این که او بیش تر کتک خور بود؛ یعنی دست پدر به قصد او بلند می شد؛ اما غالباً روی سر بنده فرود می آمد.»

اما «من کم تر پدری را دیدم که این قدر به فرزندانش محبت داشته باشد... من چهارده پانزده سالم بود. من و برادرم محمد آقا از پدرم اجازه می گرفتیم و می رفتیم بیلاق برای گردش و تفریح. با دوستان طلبه می رفتیم وکیل آباد... یک روز صبح تا عصر نبودیم. شب که برمی گشتیم، خسته و کوفته می خوابیدیم. پدرم که از نماز برمی گشت، ماها را توی خواب می بوسید... طاقت نمی آرود. از صبح ما را ندیده بود. این قدر دلش تنگ شده بود.»

---

۱. هدایت الله بهبودی، شرح اسم (زندگی نامه آیت الله سید علی حسینی خامنه ای)، ص ۵۰ تا ۵۳.

## سنگ درمشت

موضوع: اجتماعی

هدف کلی: آشنایی با تاریخچه فلسطین و جنایت های رژیم اشغال گر قدس

اهداف جزئی:

▪ آشنایی با تاریخچه تشکیل فلسطین

▪ اهمیت روز قدس

▪ جنایت های رژیم اشغال گر

▪ راه های اظهار هم دردی با کودکان فلسطینی

هدف رفتاری: توانایی بیان تاریخچه فلسطین، تبیین گوشه ای از جنایت های رژیم اشغال گر

و نوشتن نامه ای به کودکان فلسطینی و اظهار هم دردی با آنان و شرکت در راهپیمایی روز قدس

و اعلام هم بستگی

روش مناسب تدریس: توضیحی و فعال (شعر، کارت، جدول و نامه نگاری)

وسایل آموزشی: تابلو و کارت

درخت سیب را می آورند

با دست بند

به جرم این که چرا

سیب هایش را چون سنگ، پرتاب کرده است!

درخت پرتقال را می آورند

به جرم این که چرا

میوه های امسالش خونین است!

درخت زیتون را می آورند

به جرم این که چرا

یک درمیان گلوله به دنیا آورده است!

دادگاه، رسمی ست؛

متهّم، موجی ست که به او ایست دادند

و نایستاد

متهّم، کبوتری ست

که از قبة الصخره نرفت

متهّم، گنجشکی ست

که زبان عبری نمی داند!

دادگاه، رسمی ست

متهّم، درخت «سدرة المنتها» ست!

و جاده ای که به معراج می رود

متهّم، تمام سنگ قبرهایند

که «بسم الله» دارند

و تمام مادران

که در شکم هاشان،

فرزندانی دارند

سنگ درمشت!

با سلام به شما دانش آموزان گرامی!

راستی «قبة الصخره» در کدام سرزمین است؟

برای آشنایی با این سرزمین، به این کارت ها دقت کنید.<sup>۲</sup>

در قدیم **کنعان** نام داشت. دارای ۲۵۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت و در ساحل شرقی دریای

مدیترانه و در مجاورت کشورهای مصر، سوریه، لبنان و اردن قرار دارد. این منطقه محل ظهور

پیامبران بزرگی چون حضرت **موسی**، و حضرت **ابراهیم** و محل عبور و زندگانی حضرت **عیسی**

۱. علی رضا قرهوه.

۲. کارت ها قبل از کلاس تهیه شود.



بوده است.

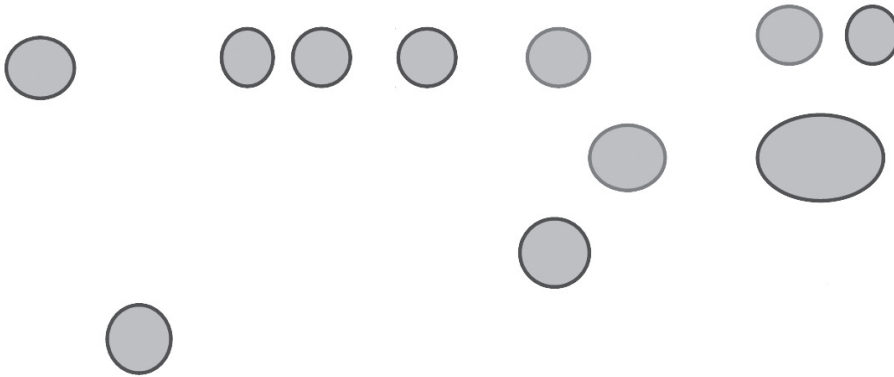
بعد از وفات حضرت موسی علیه السلام، بنی اسرائیل به رهبری **یوشع** از نهر اردن گذشته و به شهر اریحا وارد شدند. حدود هزار سال پیش از میلاد، حضرت **داود** توانست **بیت المقدس** یا خانه خدا را در آن جا بنا کند که این بنا را حضرت **سلیمان** تکمیل کرد. بیت المقدس، حدود ۱۱۰۰ سال پس از کعبه در مکه به دست ابراهیم علیه السلام و ۹۷۰ سال پیش از میلاد مسیح علیه السلام ساخته شد.

حضرت **مریم** از زنان برگزیده عالم بشریت فرزند عمران از علما و معارف بیت المقدس پیش از تولد نذر خدمت در بیت المقدس شد، پس از تولد در کنار مربی خود **زکریا** به حد رشد رسید. فرشته‌ای او را به فرزندی که عیسی علیه السلام نام داشت، مژده داد.

در ۱۳ سال اول بعثت که **پیامبر اکرم** در مکه زندگی می‌کردند، **مسجد الاقصی** در بیت المقدس قبله اول مسلمانان بود و پس از مهاجرت به مدینه در سال دوم در مسجد بنی سلمه در شهر مدینه، به فرمان خداوند، قبله از **مسجد الاقصی** به **مسجد الحرام** تغییر یافت که شاید خلع سلاح کردن یهود به خاطر این که مسلمانان را به دلیل نمازگزاردن به قبله آنان تحقیر می‌کردند، از مهم‌ترین دلیل‌های آن بوده است.



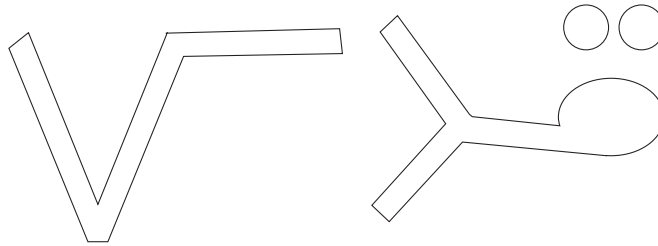
تا این جا، با تاریخچه این سرزمین آشنا شدید. در این قسمت، به سؤال هایی که می پرسیم پاسخ دهید تا جواب آن را درون این دایره ها بنویسیم.



- ماه روزه چه نام دارد؟ رمضان.
- کدام کلمه به معنی دوستی و پیروی از اهل بیت است؟ ولایت.
- نام سیاره ای که در آن زندگی می کنیم: زمین.
- حرکت معترضان و شجاعانه مردم فلسطین: انتفاضه.
- خوش بختی، ضد شقاوت: سعادت.
- سوره ای به نام شب: لیل.
- رژیم اشغال گر قدس: اسرائیل.
- لقب امام دوازدهم: مهدی.
- شیطان بزرگ: آمریکا.
- جادوگر و سحرکننده: ساحر.
- از فروع دین به معنی بیزارى از دشمنان: تبرى.
- حالا وقت آن است که بینیم پیام دایره ها چیست؟
- حرف اول پاسخ ها را کنار هم قرار دهید.
- احسن!
- پیام عبارت است از: «روز اسلام است».

چه روزی، روز اسلام است؟

بله، اگر دایره‌ها را بدین صورت به هم وصل کنیم، می‌شود:<sup>۱</sup>



امام خمینی علیه السلام فرمودند: «روز قدس، روز اسلام است.»

▪ روز قدس چه روزی است؟

بله، روز جمعهٔ آخر ماه مبارک رمضان که به دستور امام خمینی روز قدس نامیده شده است.

▪ روز نهم مهر چه روزی است؟

روز هم ..... و هم ..... با کودکان و نوجوانان فلسطینی<sup>۲</sup>؟

▪ جای نقطه چین چه کلمه‌ای باید نوشت؟

بله، روز هم بستگی و هم دردی.

▪ کودکان و نوجوانان فلسطینی چگونه زندگی می‌کنند که نیاز به هم دردی و هم بستگی دارند؟

به این خبر که یکی از دوستان تان می‌خواند دقت کنید.

به گزارش اسلام تایمز به نقل از روزنامهٔ «البناء لبنان»، «موریس هرش» که از وی را دادستان کل

رژیم صهیونیستی نام می‌برند، در گزارشی که در خصوص بازداشت و دستگیری کودکان و نوجوانان

در کرانهٔ باختری ارائه کرد، به دستگیری یک هزار کودک فلسطینی در سال ۲۰۱۳ اعتراف کرد.

از سوی دیگر، «رأفت حمدونه» از اسرای آزاد شده و رئیس مرکز پژوهشی اسرا به این موضوع

اشاره کرد که اسرائیل با این اعتراف، قانون بین‌المللی بشری در حق کودکان را نقض می‌کند.

وی افزود: کودکان خردسال در زندان‌های رژیم صهیونیستی در حین بازداشت‌شان و زمانی

۱. مری پس از آن‌که دایره‌ها را به هم وصل کرد، کلمهٔ روز را هم کنار آن می‌نویسد تا جمله کامل شود.

۲. مری دو کلمه هم را بر تخته نوشته و از دانش‌آموزان می‌خواهد حدس بزنند چه کلمه‌ای نوشته است؟

که از آنان بازجویی می‌شود، در معرض ضرب و شتم و هم‌چنین شکنجه قرار می‌گیرند و تحت شکنجه از آنان اعتراف گرفته می‌شود و از تمام حقوق قانونی‌شان محروم هستند و برای محاکمه به دادگاه‌های نظامی ارجاع داده می‌شوند.

او در ادامه به اظهارات و شهادت‌های کودکانی که «هبه مصالحه» یکی از وکلای این مرکز به ثبت رسانده است، اشاره کرد.

طی این شهادت‌ها کودکان محبوس فلسطینی اظهار داشتند که آنان در خلال بازجویی مورد اهانت قرار می‌گیرند و به صورت عریان تفتیش می‌شوند.

براساس این اظهارات، «محمد ابو عیاد» یکی از نوجوانان بازداشت‌شده و محبوس در زندان‌های رژیم صهیونیستی می‌گوید: «در روز ۱۲/۱۲/۲۰۱۳ در ساعت پنج صبح بعد از آن‌که نظامیان صهیونیستی به منازل‌شان یورش بردند، دستگیر شد.»

این نوجوان بازداشت‌شده در ادامه می‌گوید: «در حالی‌که در رخت‌خوابش بود، نظامیان صهیونیستی وی را دستگیر کرده و به بازداشتگاه «المسکوبیه» منتقل کردند و بعد از عریان‌کردنش، مجبور شد تا دو ساعت به حالت رکوع روی پاهایش بایستد.»

او ادامه داد: «صهیونیست‌ها تنها به ضربه زدن به شکم و صورتش بسنده نکردند، بلکه وی را تهدید کردند که پدر و مادرش را نیز دستگیر می‌کنند» و او از ترس ادامه ضرب و شتم، به آن‌چه که نکرده بود، اعتراف کرد تا از شکنجه خلاص شود.

با تشکر از ایشان! هرچند که از شنیدن این گزارش ناراحت شدیم، خب به نظر شما چگونه می‌توان با این کودکان و نوجوانان اظهار هم‌دردی کرد؟

من نامه دو نفر از افرادی را که با کودکان فلسطینی اظهار هم‌دردی کرده‌اند می‌خوانم:

سلام بر تو ای کودک فلسطینی! ممکن است که تو مرا شناسی.

ای کودک فلسطینی! من با تو ابراز هم‌دردی می‌کنم و تو را دوست می‌دارم. تو نباید ناامید شوی؛ چون همهٔ مسلمانان جهان از شما حمایت می‌کنند و در راهپیمایی روز جهانی قدس شرکت می‌کنند و به اسرائیل و آمریکا نشان می‌دهند که تا آخرین قطرهٔ خون‌شان از فلسطین دفاع می‌کنند

۱. مربی نظرهای دانش‌آموزان را بر تخته بنویسد.

و نشان می دهند که بیدارند و در برابر حمله آن ها هوشیارند و با این کارشان آمریکا و اسرائیل را می ترسانند. من هم در راهپیمایی شرکت می کنم. کاش تو هم یک نامه برای من می فرستادی و از قدس و بیت المقدس تعریف می کردی. من می دانم که اسرائیل شصت سال است که قدس را اشغال کرده و بسیاری از مردم فلسطین را بی خانمان کرده است و اما تا به حال نتوانسته است که تمام فلسطین را به چنگ بیاورد. من آرزو می کنم که هر چه زودتر قدس آزاد شود و شما به سرزمین های پدری تان بازگردید.

محمد جلالی

سلام!

امیدوارم حالت خوب باشد!

نمی دانم چه طور دلداری ات بدهم و آرامت کنم؛ ولی به هر حال می دانم چه رنج هایی که نکشیده ای؟ شاید پدرت شهید شده یا شاید مادرت! اما تو نباید امیدت را از دست بدهی. اگر تمام خانواده ات را هم از دست داده باشی دلیل نمی شود که امیدت را از دست بدهی؛ چرا که ما پیرو امام حسین علیه السلام هستیم و ایشان یکه و تنها باز هم زیر بار ستم و طاغوت نرفت. دوست خوبم! می دانم که از دست دادن عزیزان چه سخت است مخصوصاً که زیر بمباران هواپیماهای دشمن و در ساعات استراحت و آرامش خانواده باشد. می دانم که غصه داری؛ پس به تو از صمیم دل تسلیت می گویم

من نگران تو هستم و هر ساله در حال روزه داری راهپیمایی می کنیم و شعار می گوئیم. مطمئن باش بالأخره فلسطین سرزمین اجدادی تو پیروز خواهد شد و به آرزویت خواهی رسید!

مریم عبادی

گروه بسیج هنديجان

حالا شما هم دست به کار شوید و هر کدام یک نامه به کودکان فلسطینی بنویسید و احساس خود را بیان کنید.

در پایان، همه باهم شعار همیشگی مسلمانان را سردهید:

مرگ بر آمریکا مرگ بر اسرائیل

## شکیبایی

موضوع: صبر

هدف کلی: آشنایی با یکی از فضایل اخلاقی، یعنی صبر

اهداف جزئی:

- آشنایی با این حقیقت که دنیا پراز مشکل است
  - آشنایی با راه کارهای مقابله با مشکلات
  - آشنایی با انواع صبر
  - آشنایی با صبر در سیره امام علی علیه السلام
- هدف رفتاری (خروجی): درک این مطلب که دنیا محل مشکلات است و فقط با مدد الهی و صبر می توان بر مشکلات فایق آمده و به سعادت رسید
- روش های مناسب تدریس: توضیحی و فعال (هم خوانی آیات قرآن، بازی با کلمات، بازی با کارت، راز دایره و...)

وسایل آموزشی: تابلو، کارت و راز دایره ها

شکیبایی

به نام خداوند مردان مرد      خداوند شیران وقت نبرد  
همان ها که در بندگی اول اند      و در آفرینش، به حق گوهرند

دوستان من سلام علیکم! حالتان خوب است؟

الحمد لله! ان شاء الله که همیشه در پناه قرآن و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الموعود خوب، خوش و خرم باشید.

برنامه امروز را با بازی با کلمات آغاز می کنیم.

▪ اولین حرف از الفبای فارسی: «ا».

▪ نه به عربی: لا.

▪ اول این آیه چیست؟ ... بذكر الله تطمئن القلوب: الا.

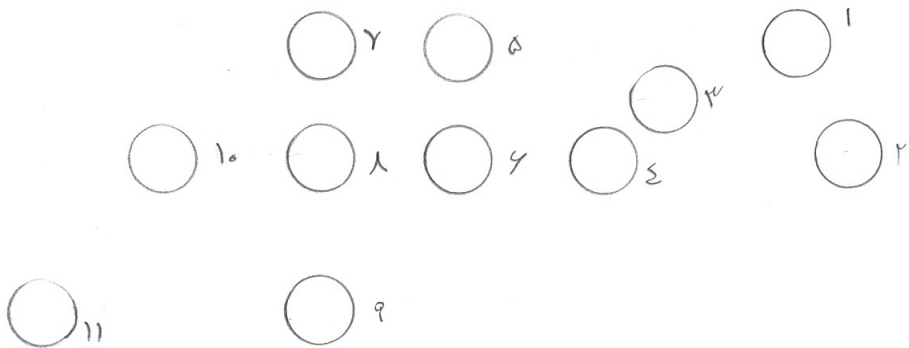
▪ مشکلات ناخوش آیند برای انسان ها: بلا.

- زیورآلات زن که بر مرد حرام است: طلا.
- نام یک بت که در قرآن آمده است: لات.
- زمینی پهناور و کوهستانی: فلات.
- به قلعه مستحکم می گویند: کلات.
- تنقلات خوش مزه، ولی مضر؟ شکلات.
- سختی های دنیا؟ مشکلات.

بچه های عزیز! امروز می خواهیم درباره ی مشکلات و راه مقابله با آن ها صحبت کنیم.  
 امام علی علیه السلام می فرماید: «دنیا خانه ای است که در گرفتاری و سختی ها فرورفته است.»  
 طبق حدیث بالا:

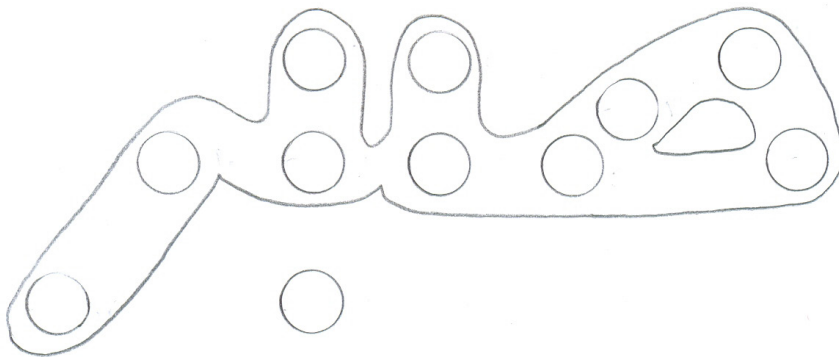
ما انسان ها در طول زندگی در دنیا، از کودکی تا بزرگ سالی و تا آخر عمر، با مشکلات فراوانی روبه رو خواهیم شد؛ اما برای این که بدانیم در مقابل این مشکلات باید چه راهی را در پیش بگیریم، سراغ راز دایره ها می رویم؛ آماده اید؟

خیلی ممنون!



دایره ها را از ۱ تا ۱۱ شماره گذاری می کنیم. خوب، حالا به سؤال های زیر پاسخ دهید تا من جواب آن ها را داخل دایره ها بنویسم.

- گناه نابخشودنی در قرآن: شرک.
  - نام پدر حضرت یوسف ع: یعقوب ع.
  - لقمان از بی ادبان آموخت: ادب.
  - کمک به انگلیسی: هلپ.
  - صدای زنبور: ویز.
  - آب منجمد: یخ.
  - بیماری واگیردار: وبا.
  - پیام آور سلیمان: هدهد.
  - واحد شمارش چهارپایان: رأس.
  - دست به عربی: ید.
- حالا بیایید با هم رمز کلمه های داخل دایره ها را پیدا کنیم.  
 یک راهنمایی: از حرف اول و آخر کلمه ها کمک بگیرید؟  
 آفرین! بر شما بچه های باهوش!
- این جمله یکی از سخنان مولای متقیان، امیرالمؤمنین ع است: «شکیبا، به پیروزی خواهد رسید.»<sup>۱</sup> طبق این فرمایش امام علی ع، کسی که در مقابل مشکلات، گرفتاری ها و بلاها شکیبا باشد، بالآخره به مقصود خود خواهد رسید.



۱. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۷۹.



• راز دایره‌ها چیست؟

بله، آفرین! راز دایره‌ها صبر است.

به قول شاعر:

صبر و ظفر هر دو دستان قدیم‌اند در اثر صبر نوبت ظفر آید

امام علی علیه السلام از هر جهت صبور، شکیبیا و حلیم بود؛ حتی در جنگ‌ها نیز آن قدر صبر و بردباری از خود نشان می‌داد تا دشمن از آن جنگ منصرف شود. این صبر تا جایی ادامه پیدا می‌کرد که دشمن از صبر آن حضرت سوءاستفاده کرده و جنگ را آغاز می‌کرد و آن حضرت فقط با شکیبایی از خود و یاران‌شان دفاع می‌کردند.

### حکایت:

بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله طبق پیش‌بینی آن حضرت، فتنه‌ای عالم اسلام را فراگرفت عده‌ای از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله حضرت علی علیه السلام را از حق طبیعی آن حضرت که حکومت بود، بازداشته و برای گرفتن بیعت از ایشان برای دیگران، او را کشان‌کشان به مسجد می‌بردند.

امیرالمؤمنین علیه السلام با این‌که قدرت پس‌گیری حقش را داشت، طبق وصیت‌های پیامبر صلی الله علیه و آله عمل کرد و در برابر آنان هیچ مقاومتی نکرد.

مردی یهودی که آن وضع و حال را دید بی‌اختیار لب به تهلیل (لا اله الا الله گفتن) گشود.

بچه‌های عزیز! آیا می‌دانید تهلیل یعنی چه؟

بله، به عبارت «لا اله الا الله» تهلیل گفته می‌شود. مرد یهودی تهلیل گفته و مسلمان شد. مردم با تعجب از این‌که او سال‌ها امام علی علیه السلام را دیده و مسلمان نشده، علت مسلمان شدنش را پرسیدند. او گفت: «من علی علیه السلام را می‌شناسم. او همان کسی است که قلعه‌های مستحکم خیبر را گشود و درب آهنین آن را که چهل مرد بازو بسته می‌کردند، با یک حرکت از جا کتد و به زمین انداخت؛ اما حالا در برابر جنجال عده‌ای آشوب‌گر سکوت کرده است و این سکوت، خالی از حکمت نیست. سکوت او برای حفظ دین اسلام است. اگر این دین حقیقی نبود، او در برابر این اهانت‌ها صبر و تحمل نمی‌کرد؛ به همین دلیل، حق بودن اسلام بر من ثابت شد و من مسلمان

شدم.<sup>۱</sup>»

دوستان خوبیم! آیا می‌دانید چند نوع صبر داریم.

به کارت‌های زیر دقت کنید.

ت ص م ی ع

ت ص م ی ب

ت اطاع

حالا حدس بزنید این حروف در هم ریخته چه کلماتی را می‌سازند؟

بله، کلمه‌های: اطاعت، مصیبت و معصیت.

عزیزان من! امیرالمؤمنین علی علیه السلام در حدیث شریفی می‌فرماید:

«صبر سه گونه است: صبر بر اطاعت، صبر بر مصیبت و صبر بر معصیت. صبر بر معصیت از دو

قسم دیگر با ارزش تر است.<sup>۲</sup>»

حضرت علی علیه السلام انواع صبر را در گرفتاری‌های زندگی خود به نمایش گذاشتند.

صبر در اطاعت:

اطاعت و عبادت پروردگار سختی‌ها و مشکلاتی در پی دارد که بدون صبر و استقامت امکان انجام آن نیست؛ برای مثال، هنگامی که انسان به حساب اموال و دارایی‌هایش می‌رسد و مبلغ زیادی خمس بده‌کار می‌شود، پرداخت آن برایش مشکل است. این جاست که باید در مقابل انجام این عبادت، صبر و استقامت کند تا بر انجام آن موفق شود.

حکایت:

امام حسن مجتبی علیه السلام و امام حسین علیه السلام در دوران کودکی بیمار شدند. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و فاطمه علیه السلام زهرا علیه السلام از آن‌ها مواظبت بسیار کردند و با خدای خود عهد کردند که اگر حسن و حسین بهبودی بیابند، سه روز صبر کرده و روزه بگیرند تا شکر نعمت الهی را به جای آورند.

چیزی نگذشت که خدا، کودکان را شفا داد. علی علیه السلام، فاطمه علیه السلام، فضه، حسن و حسین علیه السلام

۱. محمد رضا رمزی اوحدی، ۱۰۱ داستان از زندگانی امام علی علیه السلام، داستان ۴۰۶.

۲. میزان الحکمه، ج ۵، ح ۱۰۱۱.

روزه گرفتند، تا به نذر خود عمل کنند. در خانه غذایی نبود. امیرالمؤمنین علیه السلام با قبول کاری از مردی یهودی در قبال مزد، چند کیلو جو گرفتند و آن را نزد فاطمه علیها السلام آوردند. حضرت فاطمه علیها السلام، یک سوم آن را به زحمت و سختی آرد کرده و نان تهیه کرد. هنگام افطار، دور هم نشستند تا با آن نان افطار کنند. ناگهان فقیر گرسنه‌ای به در خانه آمد و آنان همه غذای خود را به وی دادند.

روز بعد هم همگی روزه گرفتند و برای افطار، یک سوم دیگر آن جو را آرد کرده و نان تهیه کردند. هنگام افطار، کودک یتیمی آمد و درخواست غذا کرد. باز هم آن‌ها همه غذای خود را به وی دادند. روز سوم نیز روزه گرفتند و یک سوم باقی مانده جو را آرد کرده و نان پختند. هنگام افطار غذای خود را به اسیر (بنده تازه آزاد شده در مانده‌ای) دادند و در این سه شب، فقط با آب افطار کردند. آنان با آن که خود روزه گرفته بودند و احتیاج به غذا داشتند، راضی نشدند آن افراد نیازمند، گرسنه بماند.

صبر بر اطاعت امیرالمؤمنین علیه السلام و خانواده‌اش، آن چنان مورد رضایت خداوند واقع شد که آیه‌ای در شأن این خانواده نازل شد.<sup>۱</sup>

«وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ... وَ... وَ...»

دوستان خوبم! آیا می‌دانید در جای خالی چه کلماتی باید قرار گیرد؟

راهنمایی می‌کنم اسیراً، مسکیناً و یتیماً.

حالا با کمک شما این سه کلمه را به ترتیب قرار گرفتن در این آیه شماره‌گذاری می‌کنم.

نفر اولی که برای درخواست کمک به خانه امام علی علیه السلام مراجعه کرد که بود؟

بله، مسکیناً؛

نفر دوم: یتیماً؛

نفر سوم: اسیراً.

دوستان خوبم! ترجمه آیه چنین است:

۱. علامه امینی، الغدیر، ج ۳.

۲. دهر، آیه ۸.

«نیکوکاران غذای خود را با این که به آن علاقه و نیاز دارند به مسکین، یتیم و اسیر می دهند.»  
و سپس در ادامهٔ آیه، زبان آنان می آید که می گویند: «ما شما را به خاطر خدا اطعام می کنیم و  
هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی خواهیم.»<sup>۱</sup>

صبر بر مصیبت:

بی شک، دنیا برای هیچ کس بدون مصیبت و گرفتاری نیست. گاهی عزیزی از دنیا می رود یا  
گرفتاری و اندوهی به وجود می آید. انسان های مؤمن این مصیبت ها را خواست خدا می دانند و به  
خاطر این که کار خود را به حکیمی بزرگ، چون خدای متعال سپرده اند که صلاح شان را می داند،  
باشکیبایی صبر می کنند.

حکایت:

آسمان تیره و تار بود. گویی آسمان و زمین رخت عزا به تن کرده بودند. مدینه، شهر پیامبر،  
تیره تر از آسمان بود. علی علیه السلام بغض کرده بود و حسن و حسین آرام اشک می ریختند. زینب و  
ام کلثوم، بهت زده به پیکر بی جان مادر خیره شده بودند. اشک بر گونه های کوچک آن ها  
خشکیده بود. آن ها مادر خود را از دست داده بودند. دیگر از نگاه مهربان فاطمه علیها السلام و صدای گرم  
و محبت صمیمانه او خبری نبود.

آن ها باید بی صدا اشک می ریختند و پنهانی فاطمه علیها السلام را به خاک می سپردند. کسی نباید از  
محل قبر او باخبر می شد. این وصیت مادر بود.

امام علی علیه السلام که گویی کمرش زیر بار این غم شکسته بود، با ناباوری و با دستانی لرزان، پیکر  
مطهر همسر مهربانش را به خاک گرم مدینه سپرد؛ اما همین که او را دفن کرد، غم سنگینی بر  
دلش نشست. نگاهش را به سوی مرقد مطهر پیامبر صلی الله علیه و آله چرخاند و بغض در گلویش شکست:

«سلام بر تو ای رسول خدا! از من و دخترت که به دیار تو آمد و اکنون در کنار تو در زیر خاک خفته  
است... ای رسول خدا! پس از فاطمه... اندوهم جاودانه است و شیم در بی خوابی می گذرد. غم  
پیوسته در دل است تا خداوند مرا نزد تو ساکن گرداند...»<sup>۲</sup>

۱. همان، آیه ۸ و ۹.

۲. حسن صالح، فرزند کعبه، ص ۷۳-۷۰ (با اندکی تغییر).

سپس با شکیبایی و صبر به این آیه قرآن عمل کرد: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ؛ از صبر و نماز کمک بجویید.» ناگهان سلمان، عمار، مقداد و ابوذر دیدند که علی عَلَيْهِ السَّلَامُ به نماز ایستاده است. آری علی عَلَيْهِ السَّلَامُ در تحمل مصیبت بزرگ از دست دادن همسرش به صبر و نماز پناه برد!

صبر در معصیت:

این صبر، یکی از سخت‌ترین انواع صبر است؛ چراکه نفس انسان به انجام برخی از کارها عادت کرده و ترک آن کاری سخت است. اگر انسان در مقابل هوای نفس، تاب تحمل نداشته باشد و نتواند در برابر خواهش‌های نفسانی مقاومت کند، مغلوب شیطان می‌شود؛ اما با استعانت از خداوند و صبر، می‌توان مکر شیطان را از بین برد.

### حکایت:

خندق، عمیق و طولانی بود. سپاهیان دشمن خود را برای مبارزه با پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و یارانش آماده می‌کردند. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و یارانش با حفر خندق، خود را برای دفاع آماده کرده بودند؛ اما ناگاه عمرو بن عبدود (که او را با هزار سوار برابر می‌دانستند) به همراه چهار مبارز دیگر با اسبان خود تاخته و از نقطه‌ای که پهنای آن تنگ‌تر بود، از روی خندق پریدند. او که از نظر جرئت، شجاعت و کاردانی شهرت زیادی داشت، جلوتر آمد و کسی را برای مبارزه طلبید.

در لشکرگاه اسلام، سکوت مطلق حکم فرما بود. پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرمود که یک نفر برخیزد و شرابین مرد را از سر مسلمانان کم کند؛ اما هیچ کس جز علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ آماده مبارزه نبود. ناچار پیامبر شمشیر خود را به علی عَلَيْهِ السَّلَامُ داد، عمامه مخصوصی بر سر او بست، در حقش دعا کرده و او را به میدان فرستاد.

علی عَلَيْهِ السَّلَامُ برای جبران تأخیر، با سرعت هرچه تمام پیش آمد.

خود آن حضرت در فرمایشی، ادامه داستان را چنین نقل می‌کند:

«هنگامی که با عمرو بن عبدود روبه‌رو شدم، از من پرسید: «کیستی؟» گفتم: «علی بن ابی طالب.» گفت: «هم آورد شایسته‌ای هستی، پسر من! میان من و پدرت، در گذشته دوستی و رفاقتی بود؛ از این رو، خوش ندارم تو را بکشم، بازگرد!» به او گفتم: «(شنیده‌ام که) تو با خدای

خویش پیمان بسته ای اگر کسی سه کار را بر تو پیشنهاد کند، یکی را برگزینی! گفت: «همین طور است.» گفتم: «نخست از تو می خواهم که اسلام بیاوری و بروحدانیت خدای یکتا و رسالت پیامبر او شهادت دهی و آن چه را از جانب خدا آورده است بپذیری.» گفتم: «پیشنهاد دوم خود را عرضه کن (که این یکی شدنی نیست).» گفتم: «از راهی که آمده ای، بازگرد.» گفتم: «در این صورت، زنان قریش چه خواهند گفت، جز آن که بگویند: من از تو ترسیده و بازگشته ام؟» گفتم: «پس پیاده شو تا با تو بجنگم.» گفتم: «این پیشنهاد را میپذیرم.» سپس پیاده شد و نبرد بین ما درگرفت. دو ضربت رد و بدل شد. ضربت او به سپر من اصابت کرد و آن را شکافت و بر سر من نشست؛ اما چندان آسیب ندیدم. ضربتی هم من به او زدم که زرهش دریده و پاهایش نمایان (و قطع) شد و سرانجام، خداوند با دستهای من او را به هلاکت رسانید.»

اما نکته مهم این است که نوشته اند:

هنگامی که حضرت علی علیه السلام بر «عمرو بن عبدود» چیره شد، او را نکشت و از وی دور شد و پس از اندکی درنگ بازگشت و به حیات او خاتمه داد. چون نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد، حضرت از وی علت آن وقفه را پرسید. علی علیه السلام در جواب گفت: «به مادرم دشنام داد و آب دهان به صورتم انداخت؛ این بود که ترسیدم اگر او را در آن حال بکشم، برای رضای خاطر خود کشته باشم؛ به همین دلیل، صبر کردم و او را به حال خودش وا گذاشتم تا خشمم فرو نشیند و آن گاه وی را در راه خدا کشتم.»<sup>۲</sup>

بچه های عزیز! امام علی علیه السلام نگذاشت خشم که معصیت بزرگی است بر او چیره شود؛ بلکه با صبر بر معصیت خشم خود را فرو خورد و سپس برای رضای خدا، عمرو را به هلاکت رساند.

خب عزیزان من! برنامه ما پایان گرفت. دست ها را برای دعا بالا ببرید.

■ خداوندا! به مظلومیت علی علیه السلام ما را در صبر بر اطاعت، مصیبت و معصیت یاری بفرما.

آمین یا رب العالمین!

۱. خصال، ص ۶۶۹.

۲. بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۵۱.

## عیدروزه داران

موضوع درس: احکام

هدف کلی: آشنایی با آداب روز عید فطر که یکی از آن‌ها غسل است

اهداف جزئی:

- این‌که یک ماه روزه‌داری نوعی بیمه برای سال آینده است
- آشنایی با آداب بعضی روزهایی که خداوند تعیین کرده
- آشنایی با آداب روز عید فطر
- غسل روز عید فطر
- آشنایی با احکام غسل
- آشنایی با حدیثی از امام صادق علیه السلام در مورد عید فطر

هدف رفتاری: آشنایی با غسل و احکام مربوط به آن و رعایت آداب روزهای خوب خدا

روش‌های مناسب: توضیحی و فعال (کارت، شعر، پرسش و پاسخ)

وسایل آموزشی: تخته، و کارت

به نام خداوند هستی و جان خداوند بخشنده و مهربان

سلام و صد سلام به شما دوستان عزیز و مهربان!

گرفتم مثل مادر

تمام روزه‌ها را

سر سجاده خواندم

دعای رینارا

همیشه وقت افطار

دل‌م پرواز می‌کرد

کسی مثل فرشته

دلَم را ناز می کرد

دلَم پروانه می شد

نگاهم مثل یک رود

تمام لحظه هایم

پراز نور خدا بود

بله، بچه های عزیز یک ماه بندگی و روزه داری به پایان رسید و ما در این ماه عزیز، با گرفتن روزه و خواندن دعا، خودمان را برای یک سال آینده بیمه کردیم. ان شاء الله که مورد قبول خداوند قرار گرفته باشد!

یک صلوات بفرستید.

حالا که روز عید است و می خواهیم برویم عید دیدنی؛ به نظر شما چه کارهایی خوب است انجام بدهیم؟

به نظر شما، خوب است سراغ کتاب «مفاتیح الجنان» شیخ عباس قمی برویم و ببینیم ایشان با استناد به روایت ها و حدیث ها، برای رفتن به عید دیدنی چه توصیه هایی کرده است؟

■ خواندن دعای مخصوص روز عید

«الله اکبر الله اکبر، لا اله الا الله و الله اکبر، الله اکبر و لله الحمد، الحمد لله علی ما هدانا و له الشکر علی ما اولانا».

■ کنار گذاشتن فطریه

فطریه: فطره در لغت چند معنا دارد که مهم ترین آن ها خلقت و اسلام است و در اصطلاح، عبارت است از زکاتی که هر مسلمان برای خود و هر کس که نان خور اوست، به مستحق می پردازد و زمان پرداخت آن، مغرب روز آخر ماه رمضان تا ظهر روز عید فطر است.

■ پوشیدن لباس زیبا و خوش بو

■ خوردن صبحانه قبل از نماز عید

.....



خب، برای این که بدانیم پنجمین عمل از اعمال روز عید فطر چیست، یک مسابقه انجام می دهیم.

آماده هستید؟

من این جا هفت عدد کارت دارم که در هر کدام حروفی نوشته شده و شما با پاسخ به سؤال های من، حروف داخل کارت ها را می بینید و در آخر به رمز مسابقه که همان عمل باشد، می رسید.

سؤال ها:

▪ از گناهان کبیره که با توبه کردن پاک نمی شود و حتماً باید رضایت شخص را گرفت: غیبت.

[ غ ] [ بغیّت ]

▪ از اعمال نماز که هفت عضو بدن در آن دخیل اند: سجده.

[ س ] [ ج س ده ]

▪ از اولیای خداوند که نام سوره ای در قرآن نیز به نام ایشان است (راهنمایی: پنجاهایی برای فرزندش دارد): لقمان.

[ ل ] [ ن ق م ل ا ]

■ از شهرهای زیارتی عراق که هر سال شیفتگان زیادی به آن جا می‌روند: کربلا.

[ ک ] [ ال ک رب ]

■ نوارهای بافتی بسیار محکمی را که دو سر آن‌ها به استخوان‌های دو طرف مفصل متصل می‌شوند می‌گویند: رباط.

[ ر ] [ رطبا ]

■ بلندترین قلّه ایران: دماوند.

[ د ] [ ادم و دن ]

■ اولین سؤال در روز قیامت در مورد آن است: نماز.

[ ن ] [ ازن م ]

به نظر شما رمز ما چیست (راهنمایی: حروف اول تمام کلمات)؟ آفرین غسل کردن.  
 خب حالا بگویید ببینم، کارهایی که برای خدا انجام می‌دهیم با چه قصدی باید باشد؟ بله،  
 با قصد قربت.

شما چهار نفر، یک گروه شوید. من کارت‌هایی را که دارم و هر کدام حاوی سؤال‌هایی دربارهٔ  
 غسل است، به سرگروه‌های شما می‌دهم و از آن‌ها می‌خواهم آن سؤال‌ها را از گروه دیگر بپرسند.  
 هر گروه که پاسخ داد، مسابقه را ادامه می‌دهد و هر گروهی که پاسخ نداد، از دور مسابقه کنار  
 گذاشته می‌شود. ادامهٔ سؤال‌ها را خودم از هر گروهی که به سؤال جواب داد و گفت از چه گروهی  
 بپرسم، می‌پرسم.

آماده هستید؟

▪ چند نوع غسل داریم؟

ترتیبی و ارتماسی.

(فلسفهٔ وجودی غسل):

در روایتی از امام رضا علیه السلام فلسفهٔ غسل چنین بیان شده است: جنابت از تمام بدن بیرون  
 می‌آید؛ از این رو، باید تمام بدن را شست. «علم روز نیز این مطلب را تأیید می‌کند. طبق تحقیقات  
 دانشمندان، در بدن انسان دو سلسله اعصاب سمپاتیک و پاراسمپاتیک وجود دارد که در سراسر  
 بدن و در اطراف تمام دستگاه‌های داخلی و خارجی آن گسترده‌اند.

وظیفهٔ اعصاب سمپاتیک، تندکردن و به فعالیت واداشتن دستگاه‌های مختلف بدن است.  
 وظیفهٔ اعصاب پاراسمپاتیک هم کندکردن فعالیت آن‌هاست؛ در واقع، یکی نقش گاز اتومبیل و  
 دیگری نقش ترمز را دارد. از تعادل فعالیت این دو دسته اعصاب، دستگاه‌های بدن به طور متعادل  
 کار می‌کنند. گاهی جریان‌هایی در بدن رخ می‌دهد که این تعادل را به هم می‌زند. از جملهٔ این  
 جریان‌ها، مسئلهٔ ارگاسم (اوج لذت جنسی) است که معمولاً مقارن خروج منی صورت می‌گیرد.

از جمله اموری که می‌تواند اعصاب سمپاتیک را به کار وادارد و تعادل از دست رفته را تأمین کند،  
 تماس آب با بدن است. از آن‌جا که تأثیر ارگاسم روی تمام اعضای بدن به طور محسوس دیده  
 می‌شود و تعادل این دو دسته اعصاب در سراسر بدن به هم می‌خورد، دستور داده شده است که

پس از آمیزش جنسی یا جنابت و خروج منی، تمام بدن با آب شسته شود.)

- غسل ارتماسی چیست؟
- در غسل ارتماسی باید آب در یک آن، تمام بدن را فراگیرد یا شخص در آب باشد و به نیت غسل، بدن را از آب خارج کند.
- آیا اگر بدن خیس باشد و با بدن خیس غسل کنیم اشکال دارد؟
- غسل با بدن خیس اشکال ندارد.
- اولین مرحله غسل ترتیبی پس از نیت چیست؟
- شستن سر و گردن.
- کسی که چند غسل واجب جنابت بر گردن دارد، می تواند با یک غسل همه آن ها را انجام دهد؟
- بله.
- آیا با غسل جنابت می توان نماز خواند یا باید وضو هم گرفت؟
- نیازی به وضو نیست.
- کسی که از اول قصد غسل کردن داشته باشد؛ ولی هنگام شستن، نیت غسل را فراموش کند و بعد از شستن خودش، نیت به خاطرش بیاید، چه حکمی دارد؛ آیا غسلش صحیح است؟
- اگر از نیت غسل برنگشته باشد، به نحوی که هنگام شستن بدن، اگر کسی از او می پرسید چه می کنی؟ جواب می داد دارم غسل می کنم، غسلش صحیح است.
- اگر در غسل مقداری از بدن خشک بماند صحیح است؟
- خیر.
- بعد از شستن سر و گردن نوبت چیست؟
- شستن سمت راست.
- اگر در جایی از بدن لکه ای باشد که مانع رسیدن آب به آن جا باشد و بعد از غسل ببینیم،

حکم چیست؟

باید اول موضع را پاک کنیم. بعد همان سمت را که لکه روی آن است بشوییم و ادامه غسل را انجام دهیم.

تا این جا هر چند تا از گروه ها که باقی مانده اند به مرحله دوم مسابقه راه پیدا می کنند. در این مرحله، باید با باد کردن بادکنک ها و ترکاندن آن ها، طوری که از دست کمک نگیرند، نفر اول را مشخص کنیم. داخل این بادکنک ها حدیثی از امام صادق علیه السلام در مورد عید فطر است. هر گروهی که بتواند این جمله را کامل کند، جزء برندگان است.

حدیث:

« مَنْ زَارَ قَبْرَ حُسَيْنَ بْنِ عَلِيٍّ فِي يَوْمِ عِيدِ كُتِبَتْ لَهُ أَلْفُ حَجَّةٍ وَأَلْفُ عُمْرَةٍ مَبْرُورَاتٍ مُتَقَبَّلَاتٍ وَ أَلْفُ غَزْوَةٍ مَعَ نَبِيِّ مُرْسَلٍ أَوْ إِمَامٍ عَادِلٍ. »

ان شاء الله که این عید عزیز بر شما مبارک باشد!

یک صلوات محمدی پسند بفرستید.

## کاردستی قلک

موضوع: تکنولوژی تبلیغ و قرآن

هدف کلی: آشنایی با آیه ۵۵ سوره مائده و آموزش ساختن قلک صدقات

اهداف جزئی:

- استفاده از قالب کاردستی برای آموزش صدقه دادن
  - آموختن احادیث و آیات مرتبط با موضوع
  - ساختن کاردستی قلک با وسایل ساده
- اهداف رفتاری: توانایی ساخت کاردستی‌های متناسب با موضوع و فراگیری کمک به مستمندان و صدقه دادن

روش مناسب تدریس: توضیحی و فعال (پرسش و پاسخ، جدول و کارت)

وسایل آموزشی: کاردستی

به نام خدایی که بر بندگان ببخشد و بس بود مهربان

با سلام خدمت شما دوستان! امروز می‌خواهیم یک کاردستی<sup>۱</sup> جالب و زیبا درست کنیم؛ یک قلک. اگر آماده‌اید یک صلوات بفرستید تا کار را شروع کنیم. نام کاردستی ما قلک صدقات است.

وسایل مورد نیاز:

یک شیشه مربای درب‌دار، مقداری سنگ‌ریزه یا چیزهای دیگر و چسب مایع.



۱. مربی از جلسه قبل مواد لازمی را که برای ساخت لازم دارد، به اطلاع دانش‌آموزان می‌رساند.



روش ساخت:

مانند شکل دور شیشه را به آرامی چسب بزنید و با حوصله سنگ ریزه‌ها را روی آن بچسبانید.



مانند شکل وسط درب پلاستیکی درب شیشه را برش بزنید؛ به‌گونه‌ای که بتوان سکه را از آن

عبور داد.



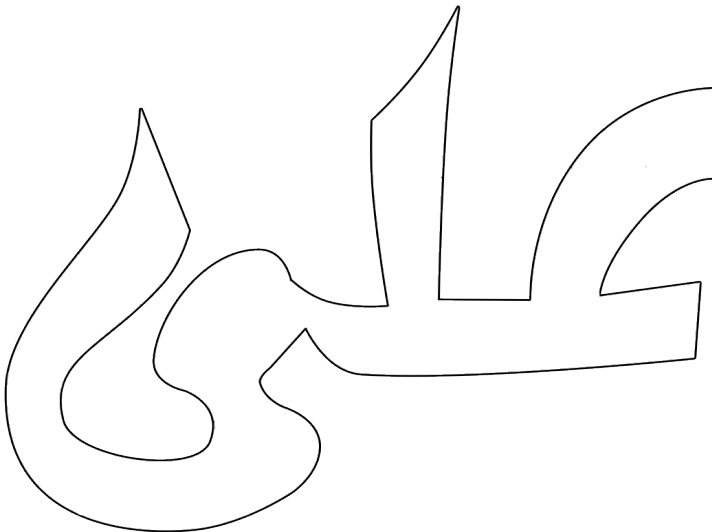
درب پلاستیکی را روی شیشه ببندید و روی آن را با سنگ ریزه بچسبانید تا کار شما زیباتر شود. حالا شما یک صندوق صدقات زیبا دارید و می‌توانید پول‌های تان را در قلک جمع‌آوری و

پس انداز کرده و صدقه بدهید.

برای ادامه بحث، تقاضا می‌کنم یکی از دوستان آیه ۵۵ سوره مائده را با صدای زیبا قرائت<sup>۱</sup> کند.

«إنما وليكم الله ورسوله والذين آمنوا الذين يقيمون الصلاة ويؤتون الزكاة وهم راكعون؛ سرپرست شما، تنها خداست و پیامبر او و مؤمنانی که نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند.»

این آیه، آشکارا بر مسئله خلافت و امامت چه کسی دلالت دارد؟ آن را با خط فانتزی می‌نویسم:



بله، کاملاً صحیح است! حضرت امیرمؤمنان، علی علیه السلام. هدیه به روح ایشان صلواتی عنایت کنید.

چراکه در این آیه روی مسئله‌ی «ولی» تکیه شده و علی علیه السلام ولی مسلمانان معرفی گردیده است. آیا می‌دانید این آیه به چه نامی معروف شده است؟

هر کسی جواب را بلد است، دستش را بلند کند و پاسخ دهد.

«آیه ولایت» احسن! خوب جواب دادید، متشکرم!

۱. در صورت لزوم مربی از قبل با دانش‌آموزان هماهنگ کند.



سؤال بعدی. چه کسی می‌داند شأن نزول این آیه چیست؟ یعنی چه اتفاقی افتاده که این آیه نازل شده است؟

حضرت علی علیه السلام در رکوع نماز بود که مستمندی تقاضای کمک کرد و آن حضرت در حال نماز، انگشترش را به او صدقه داد. یکی از شعرای معاصر در عظمت این کار بزرگ و الهی، شعر زیبایی سروده است؛ نام شاعر و نام شعر را بگویید؟

بله، پاسخ درست استاد «محمدحسین شهریار»، در دوران ما نیز شاعران بسیاری به ستایش امیرالمؤمنین علیه السلام پرداخته‌اند. مشهورترین شعر در مدح امام علی علیه السلام، «علی ای همای رحمت» است.

اگر کسی آمادگی دارد قسمتی از این شعر را که در ارتباط با این آیه است بخواند.

بروای گدای مسکین در خانه علی زن      که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را<sup>۱</sup>

خیلی زیبا بود یک بار دیگر به صورت گروهی تکرارش کنید.

اگر کسی می‌تواند، این<sup>۲</sup> غزل را بخواند. شما بفرمایید!

علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را	که به ماسوا فکندی همه سایه همارا
دل اگر خداشناسی همه در رخ علی بین	به علی شناختم من به خدا قسم خدا را
به خدا که در دو عالم اثر از فنا نماند	چو علی گرفته باشد سر چشمه بقارا
مگر ای سحاب رحمت تو بباری از نه دوزخ	به شرار قهر سوزد همه جان ماسوارا
بروای گدای مسکین در خانه علی زن	که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را
به جز از علی که گوید به پسر که قاتل من	چو اسیر توست اکنون به اسیر کن مدارا

شعر بسیار زیبایی بود!

۱. مری توضیح کوتاهی در خصوص شعر ارائه دهد و تأکید کند که قیمت این انگشتری خیلی گران نبوده است. اگر مطالب اغراق آمیزی در این باره شنیده‌اند درست نیست.

۲. مریبان محترم در صورت عدم آمادگی مخاطبان این قسمت را حذف کنند.

■ موضوع بحث را که درباره زکات و صدقات است ادامه می دهیم. آیا کسی می تواند تعریف صدقه را بگوید؟ بله، تعریف های خوبی بود. من آن را کامل می کنم: «صدقه چیزی است که انسان آن را به قصد قربت از مالش جدا می کند؛ مثل زکات؛ یعنی برای رضای خدا آن را می دهد. برخی تصور می کنند در صورت دادن صدقه مال شان کم می شود؛ ولی در واقع این چنین نیست و مال انسان برکت پیدا می کند و زیاد هم می شود. صدقه در دست بنده قرار نمی گیرد، مگر این که قبلاً در دست خدا قرار گیرد.

متأسفانه برخی افراد اگر کمک جزئی هم به فقیران می کنند، با بداخلاقی و با منت و اذیت همراه است. این کار زشتی است و روایات و آیات قرآن<sup>۲</sup> ما را از آن نهی کرده است. خوب است انسان در زمان حیات خود صدقه را اهدا کند و به امید دیگران نباشد. یک شعاری می دهم شما نیز تکرار کنید.

گر کنی خیری به دست خویش کن خیر خود را وقف هر بی چیزی کن<sup>۳</sup>

شما! تکرار کنید. متشکرم!

بهبتر است صدقه چگونه باشد؟ برای رسیدن به جواب این سؤال، باید به چند پرسش پاسخ دهید و جدول را کامل کنید تا مطلب خوب یادتان بماند. اگر آماده اید، یک صلوات عنایت بفرمایید.

جدول ۲۰۱ خانه دارد. به سؤال ها پاسخ دهید تا خانه های جدول را طبق شماره هایی که داده شده پر کنیم.<sup>۴</sup> هر وقت توانستید پیام جدول را حدس بزنید، بگویید:

سؤال های جدول

۱. به معنای راست گوشت؟ صادق. (۱۷، ۲، ۳ و ۸)

۲. ترجمه صراط؟ راه. (۱۶، ۵ و ۶)

۳. میوه دوحرفی؟ به. (۱ و ۱۳)

۱. مفردات راغب، ج ۱، ص ۲۷۸ (ولی در اصل، صدقه در امر مستحب است و زکات در امر واجب گفته می شود).

۲. بقره، آیه ۲۶۴.

۳. پندنامه عطاری با دخل و تصرف.

۴. مربی یک نفر را برای کمک پای تخته بیاورد تا خانه های جدول را بنویسد.

۴. تولد بیش تر پرندگان از آن جا شروع می شود؟ تخم. (۱۱، ۴ و ۱۸)

۵. نام دیگر صحرا؟ دشت. (۱۵، ۱۰ و ۱۲)

۶. نقطه چین را کامل کنید؟ لا فتی الا علی لا... الا ذولفقار: سیف. (۷، ۱۴ و ۹)

۷. بر بی انتها؟ ب. (۱۹)

۱	۲	۳	۴
۵	۶	۷	۸
۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
۱۷	۱۸	۱۹	★

حالا حرف اول را نوشته ۴ تا ۴ تا بشمارید تا پیام را بدست آورید.

بله، پیام جدول مشخص شد:

«بهتر است صدقه مخفی باشد»<sup>۱</sup>

البته صدقه دادن در هر حالتی خوب است و حتی گاهی لازم است حتماً صدقه را آشکارا بدهید.

در این جا یک سؤال پیش می آید: صدقه را به چه کسانی بدهیم؟

ببینیم قرآن<sup>۲</sup> چه می فرماید. من کارت های<sup>۳</sup> دوطرفه را - که طرح کارت آن به شکل نگین

انگشتر است یکی یکی نشان می دهیم. شما آن ها را بخوانید.

۱. بقره، آیه ی ۲۷۱ («وان تخفوها...؛ هرگاه آن ها را مخفی ساخته و به نیازمندان بدهید، برای شما بهتر است.»).

۲. توبه، آیه ی ۶۰ («إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ.»).

۳. مریبان محترم در صورت نیاز هر یک از کارت ها را توضیح مختصری بدهند.

لِلْفُقَرَاءِ	به فقرا
وَالْمَسَاكِينِ	نیازمندان
وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا	جمع آوری کنندگان زکات
وَالْمَوْلَمَّةَ قُلُوبُهُمْ	نرم کردن دل ها
وَفِي الرِّقَابِ	آزادسازی بردگان
وَالْغَارِيِبِينَ	ادای دین بده کار
وَفِي سَبِيلِ اللّٰهِ	مصرف در راه خدا
وَابْنِ السَّبِيلِ	در راه ماندگان

در پایان درس، یکی از دوستان این آیه را به صورت ترتیل و کوتاه کوتاه قرائت می کند و دیگران به صورت هم خوانی تکرار می کنند. امید است همیشه به فکر نیازمندان باشیم و قلک های صدقات خود را به آنان هدیه بدهیم! ان شاء الله.

## کاربا کاغذ

موضوع: تکنولوژی تبلیغ

هدف کلی: آشنایی با فایده‌های حجاب و آموزش ساختن کاردستی

اهداف جزئی:

▪ استفاده از قالب کاردستی برای آموزش حجاب

▪ وجوب پوشش شرعی

▪ آموختن قصه‌ای از قرآن

▪ ساختن کاردستی دختر باحجاب

اهداف رفتاری: توجه بیش‌تر دانش‌آموزان به مسئله حجاب و رعایت آن در زندگی و آموزش

ساختن کاردستی

روش مناسب تدریس: توضیحی و فعال (پرسش و پاسخ، جدول و کارت)

وسایل آموزشی: کاردستی

به نام خداوند جان و جهان خداوند بخشنده مهربان

با سلام خدمت شما دوستان عزیز!

امروز هم می‌خواهیم یک کاردستی<sup>۱</sup> جالب و زیبا درست کنیم. اگر آماده‌اید یک صلوات بفرستید تا کار را شروع کنیم. نام این کاردستی «حجاب» است. اگر دقت کنید می‌خواهم طرز درست کردن آن را با کاغذ و قیچی توضیح دهم.

وسایل مورد نیاز عبارت‌اند از:

مقوای سفید در اندازه‌ی ۴ A یک عدد، کاغذ رنگی در چند رنگ، چسب مایع، قیچی و مداد.

روش ساخت:

---

۱. مربی در جلسه‌ی قبل مواد لازم را برای ساخت کاردستی به اطلاع دانش‌آموزان می‌رساند.

مانند شکل قطعه‌ها را برش زده و روی کار بچسبانید.



کاردستی حجاب شما آماده است!

آفرین! کاردستی‌های زیبایی از حجاب ساخته‌اید. درس ما با این موضوع شروع می‌شود. از شما سؤال می‌کنم. داستانی از قرآن کریم را که در آن جلوه‌ای از «حیا و عفت» آمده است نام ببرید؟ هر کسی جواب را بلد است، دست بلند کند.

پاسخ‌های خوبی دادید. بله، داستان حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام. امروز این قصه را برای شما تعریف

می‌کنم. ■

## داستان<sup>۱</sup> حضرت موسیٰ علیه السلام

فرعون پادشاه ظالم و ستم‌کاری بود و خود را خدای روی زمین می‌دانست. او به همه مردم زور می‌گفت. مأموران فرعون به مردم ستم می‌کردند. وقتی موسیٰ علیه السلام به سن جوانی رسید، روزی در کوچه‌های مصر قدم می‌زد که دید دو نفر با هم دعوا می‌کنند. یکی از پیروان او بود و دیگری از دشمنانش. آن‌که از پیروان موسیٰ بود از او کمک خواست. موسیٰ به کمک او رفت و خواست آن‌ها را از هم جدا کند. مردی که از دشمنان بود، دیگری را رها نمی‌کرد. موسیٰ مشتت به او زد تا کنار برود؛ اما مشت به سر دشمن خورد، به زمین افتاد و مُرد.<sup>۲</sup> موسیٰ که ناراحت بود، از خدا خواست که او را ببخشد.

این مسئله باعث شد که موسیٰ از مصر بیرون برود. او رفت و رفت تا در وسط صحرا زیر سایه درختی که در نزدیکی آن چاه آبی قرار داشت به استراحت پرداخت. در آن جا دید چوپان‌ها گوسفندان خود را آب می‌دهند و دو دختر در کناری ایستاده‌اند و فقط از گله خود مراقبت می‌کنند. موسیٰ تعجب کرد و از دخترها پرسید: «چرا گوسفندهای خود را آب نمی‌دهید؟» دخترها گفتند: «ما منتظریم تا مردان چوپان گله‌های خود را آب دهند و بعد از رفتن آن‌ها ما گوسفندان خود را سیراب کنیم.» موسیٰ به کمک دختران رفت. از چاه آب کشید و گله آنان را سیراب کرد. آن روز دختران زودتر گله خود را به خانه رساندند و ماجرا را برای پدر تعریف کردند. پدر که شعیب پیامبر بود، به یکی از دخترانش گفت: «برو و آن جوان را به خانه دعوت کن.»

دختر به سراغ موسیٰ آمد و ماجرا را گفت و موسیٰ به دنبال دختر به راه افتاد. در راه دید وزش باد باعث نمودارشدن بخش‌هایی از بدن دختر می‌شود. موسیٰ که از خاندان نبوت بود، غیرتش قبول نکرد و از دختر خواست که او جلو برود و هر جا راه را خطا رفت، با سنگی راه را مشخص کند. موسیٰ به خانه شعیب رسید. دختر از ایمان و امانت‌داری موسیٰ برای پدر گفت و شعیب از این کار او خوشنود شد. با موسیٰ صحبت کرد و قرار شد که او آن جا بماند و گوسفندان شعیب را به صحرا ببرد و با دختر شعیب ازدواج کند. هر سال هم چند گوسفند برای دستمزدش بگیرد.

۱. حسین فتاحی، پیامبران و قصه‌های شان (۱۵ موسی (ع)) و هاشم رسولی محلاتی، تاریخ انبیا، ص ۳۸۲ تا ۳۸۷.

۲. قصص، آیه ۱۵.

داستان را شنیدید و حیا و عفت موسی را فهمیدید. در قرآن کریم آیاتی دربارهٔ حجاب و پاک دامنی آمده است؛ آیا می‌دانید این آیات در چه سوره‌ای است؟ بله، سورهٔ نور، آیات ۳۰ و ۳۱. آیه سی‌ام را می‌خوانم<sup>۱</sup> و ترجمه می‌کنم. مطالب آیهٔ ۳۱ را هم روی چند کارت نوشته‌ام. تقاضا می‌کنم چند بار این کارت‌ها را بخوانید.

«قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا...؛ به مردان بگو که چشم‌ها را (از نگاه ناروا) بپوشند و خود را محفوظ دارند.»

یغضضن	للمؤمنات	وقل
و یحفظن	من ابصارهن	

آیه را یک بار با هم می‌خوانیم: «وقل للمؤمنات یغضضن من ابصارهن و یحفظن...» ترجمهٔ آیه چه می‌شود؟  
من کارت‌ها را پشت‌ورو می‌کنم. پشت کارت‌ها ترجمهٔ آیه آمده است. لطفاً یک بار بخوانید.

تا بپوشند	به زنان	بگو
و خود را محفوظ دارند	چشم‌ها را	

ترجمه: «به زنان بگو تا چشم‌ها را (از نگاه ناروا) بپوشند و خود را محفوظ دارند...». کمی این مطلب را توضیح می‌دهم. استاد شهید آیت‌الله مرتضی مطهری در کتاب مسئلهٔ حجاب<sup>۲</sup> می‌فرماید: «خلاصهٔ این دست‌وراین است که زن و مرد نباید به یک‌دیگر خیره شوند، نباید چشم‌چرانی کنند...»  
برای این که بحث دوطرفه شود، سؤالی از شما می‌پرسم: چرا انسان باید پوشش داشته باشد؟  
لطفاً نظر خود را بگویید؟

۱. یکی از دانش‌آموزان می‌تواند با صوت زیبا آیه را قرائت کند.

۲. مرتضی مطهری، مسئلهٔ حجاب، ص ۷۲.



نظرهای خوبی بود. من آن‌ها را تکمیل می‌کنم. «پوشش زن در اسلام این است که در معاشرت خود با مردان، بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد.»<sup>۱</sup>

فلسفه پوشش اسلامی به نظر ما<sup>۲</sup> چند چیز است:

- بعضی از آن‌ها جنبه روانی دارد؛
- بعضی جنبه خانه و خانوادگی؛
- بعضی دیگر جنبه اجتماعی؛
- بعضی دیگر....

برای این که این مطلب را بدانید، باید جدول رمزی را حل کنید. من یک جدول می‌کشم که ۲۳ خانه دارد و شامل ۲۲ حرف و یک خانه ستاره است (خانه ستاره هم شمرده می‌شود). رمز جدول عدد ۴ است؛ یعنی حرف اول را در محلی یادداشت کنید (حرف اول را کنار بگذارید). بعد چهارتا چهارتا بشمارید و به هر حرفی رسیدید، آن را یادداشت کنید. یادتان باشد خانه ستاره هم شمرده می‌شود!

ح - ۱	۱ - ۲	ب - ۳	ز - ۴	ج - ۵	ی - ۶
ر - ۷	ش - ۸	ا - ۹	ب - ۱۰	د - ۱۱	ز - ۱۲
ب - ۱۳	ا - ۱۴	ن - ۱۵	ن - ۱۶	ب - ۱۷	ل - ۱۸
ا - ۱۹	★ - ۲۰	ر - ۲۱	ا - ۲۲	ر - ۲۳	

پیام جدول چه شد؟

«حجاب برای بالابردن ارزش زن»

و پیش‌گیری از ابتدال او، چنان‌چه توضیح مفصل این مباحث را نیاز داشتید. به کتاب «مسئله حجاب» نوشته آیت‌الله مرتضی مطهری مراجعه کنید.

با تشکر از توجه شما به بحث امروز، با ذکر یک صلوات بحث را به پایان می‌بریم!

۱. مرتضی مطهری، مسئله حجاب، ص ۶۴.

۲. همان، ص ۶۸.

## مردنیایش

موضوع: دعا

هدف کلی: آشنایی با فایده‌ها و آثار دعا

اهداف جزئی:

▪ شناخت اجمالی امام سجاد علیه السلام

▪ آشنایی با آثار و فایده‌های دعا

هدف رفتاری (خروجی): آشنایی هرچه بیشتر دانش‌آموزان با دعا و ایجاد انگیزه برای راز و

نیاز و نیایش

روش‌های مناسب تدریس: توضیحی و فعال (هم‌خوانی آیات قرآن، پرسش و پاسخ، بازی با

کارت، مسابقه و...)

ابزارهای آموزشی: تابلو، کارت و جدول.

## مردنیایش

خداوند بخشندهٔ مهربان

به نام توان‌بخش هر ناتوان

سلام علیکم! شاد، سرحال و خرم هستید؟ الحمدلله!

برنامه امروز را با چند سؤال شروع می‌کنیم:

امام حسین علیه السلام فرمودند: «اگر برای من صد پسر متولد شود، دوست دارم نام تمام آنان را علی

بگذارم.»<sup>۱</sup>

کوچک‌ترین فرزند امام حسین علیه السلام که روی دستان آن حضرت در روز عاشورا به شهادت رسید

نامش چیست؟ آفرین! علی اصغر علیه السلام.

---

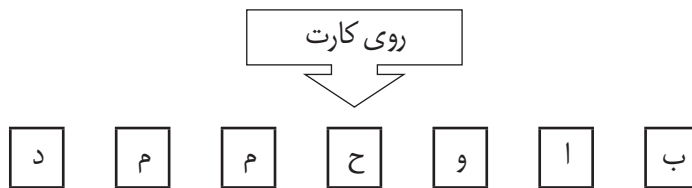
۱. کلینی، کافی، ج ۶، ص ۱۹.

بزرگ‌ترین فرزند امام حسین علیه السلام که شباهت عجیبی به پیامبر صلی الله علیه و آله داشت چه نام داشت؟  
احسن! علی اکبر علیه السلام.

فرزندی که بعد از شهادت امام حسین علیه السلام به امامت رسید چه نام دارد؟ علی (ط، و، ا، س).  
حدس بنزید حروف داخل پراتزچه کلمه‌ای رامی سازد؟ بله، علی اوسط که همان امام سجاد علیه السلام،  
امام چهارم ما شیعیان است.

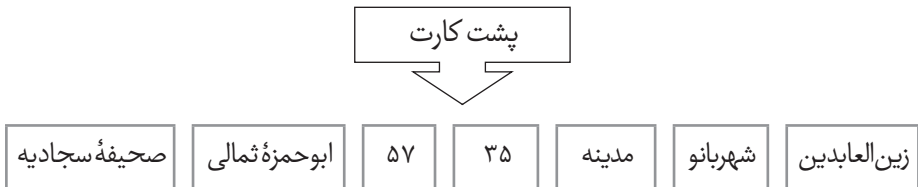
دوستان من! برای آشنایی بیش‌تر با این امام، مسابقه‌ای برگزار می‌کنیم:

این مسابقه ۷ نفر شرکت‌کننده دارد. هر کدام با یک سؤال و برای تماشاچیان نیز یک سؤال<sup>۱</sup>.



دوستان من! حدس بنزید با این حروف چه کلمه‌ای می‌توان ساخت؟ راهنمایی می‌کنم.  
کنیه امام سجاد علیه السلام چیست؟ آفرین! ابومحمد.

حالا نوبت شرکت‌کنندگان است. هر شرکت‌کننده باید بگوید کلمه‌ای که روی کارت او نوشته  
شده است، چه ارتباطی با امام چهارم ما شیعیان امام سجاد علیه السلام دارد؟



زین العابدین: یکی از القاب امام چهارم علیه السلام است؛ چون ایشان دائم در حال عبادت و راز و نیاز  
با خداوند بودند، آن حضرت رازینت عبادت‌کنندگان لقب دادند.

شهربانو: مادر امام سجاد علیه السلام که بانوی نمونه ایرانی بود.

۱. مربی از میان دانش‌آموزان، هفت نفر را انتخاب کرده و به جلوی کلاس یا سالن احضار می‌کند. سپس به هر دانش‌آموز یک کارت می‌دهد. دانش‌آموزان باید کارت‌ها را طوری در دست بگیرند که روی کارت (حروف الفبا) سمت دانش‌آموزان باشد و پشت کارت (کلمات) سمت خودشان.

۲. مربی از تماشاچیان مسابقه می‌پرسد؟

مدینه: شهر محل تولد و شهری بود که آن حضرت در آن به شهادت رسید و در آن جا (قبرستان بقیع) دفن شد.

۳۵: مدت امامت آن حضرت ۳۵ سال طول کشید.

۵۷:۵۷ سال مدت عمر شریف آن حضرت بود.

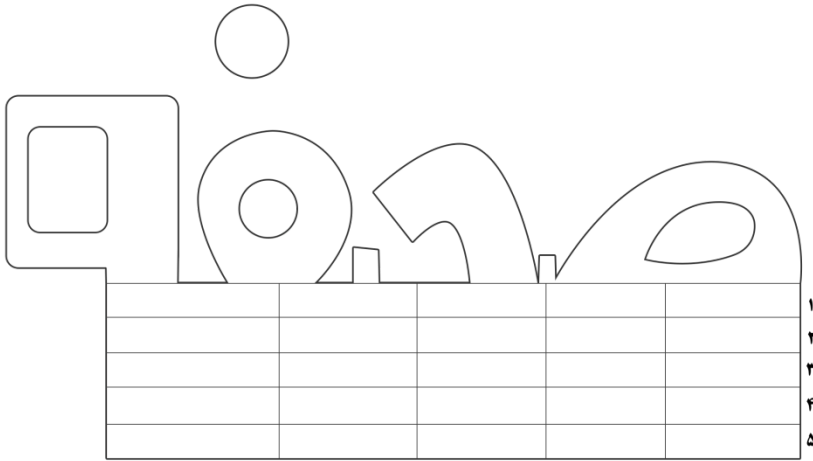
ابوحمزۀ ثمالی: یکی از یاران آن حضرت بود که امام سجاد علیه السلام دعای مخصوص شب های ماه مبارک رمضان را به او یاد داد.

صحیفه سجادیه: کتابی است که ۵۴ دعا و راز و نیاز از امام زین العابدین در آن جمع آوری شده است.

در این کتاب ارزش مند، امام سجاد علیه السلام طریقه راز و نیاز با پروردگار و درخواست حاجت از خداوند متعال و آداب دعا و نیایش را به زیبایی به نمایش گذاشته است.

عزیزان من! به نظر شما دعا چه فایده ها و آثاری در زندگی ما انسان ها دارد که امام سجاد علیه السلام آن قدر به آن اهمیت می دادند؟

دوستان خوبم! برای رسیدن به جواب سؤال بالا جدول زیر را حل کنید.



							۱
							۲
							۳
							۴
							۵

جدول قرآنی:

سوره‌ای که به نام چهارپایان است؟ انعام.

نام دیگر قرآن؟ فرقان.

دود عربی؟ دخان.

بیش‌ترین آیات قرآن درباره آن روز است؟ قیامت.

جای خالی را پر کنید؟ سوره حمد سوره‌ای است که اولش ستایش، وسطش

اخلاص و آخرش ..... است. نیایش.

بچه‌های عزیز! رمز جدول چیست؟ بله، آرامش.

مهم‌ترین اثر دعا، آرامش روحی و قلبی است که در اثر ارتباط با خالق هستی به وجود می‌آید. کسی که همیشه خدا را می‌خواند، یک آرامش قلبی خاص درون او موج می‌زند: «الا بذكر الله تطمئن القلوب» و در برابر تمام مشکلات، بلاها و دشمنان، احساس امنیت می‌کند؛ چراکه می‌داند پشتوانه پر قدرتی هم چون خدا دارد.

یکی از پیامبرانی که در اثر ایمان به خدا در هنگام خطر دست به دعا برداشته و با قبول شدن دعا قلبش آرامش یافت، حضرت موسی عليه السلام بود.

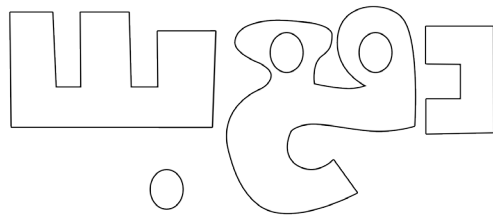
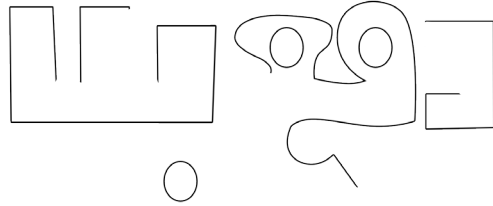
همان‌طور که شنیده‌اید، موسی عليه السلام و پیروانش از ظلم فرعونیان به ستوه آمده بودند و هم‌چنان در فشار و سختی به سر می‌بردند. خداوند به او وحی کرد: «پیروان خود را شبانه از مصر خارج کن.» سرانجام موسی عليه السلام تصمیم گرفت با پیروانش، به سوی فلسطین (بیت المقدس) هجرت کند. آنان شبانه حرکت کردند و در راه به دریای سرخ رسیدند. از آن جا نتوانستند عبور کنند. سپاه تادندان مسلح و بی‌کران فرعون هم پیش می‌آمد. شیون و غوغای بنی اسرائیل (یاران موسی) به آسمان رفت. نزدیک بود از شدت ترس، جان بدهند. آنان با ناامیدی و شکایت به موسی گفتند: «اَنَا لَمَدْرَكُونُ؛<sup>۱</sup> ما گرفتار شدیم.» حضرت موسی عليه السلام با ایمان به خدا فرمود: «كَلَّا اِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينُ؛<sup>۲</sup> چنین نیست، به یقین پروردگارم با من است و به زودی مرا هدایت خواهد کرد.» سپس

۱. شعراء، آیه ۶۱.

۲. همان، آیه ۶۲.

دست به سوی آسمان برداشت و از خدا کمک خواست. در آن حال، خداوند با لطف خاص خود به موسی علیه السلام وحی کرد: «عصای خود را به دریا بزن.» او هم به فرمان خدا، عصای خود را به دریا زد. آب دریا شکافته شد و زمین درون دریا آشکار گردید. موسی علیه السلام و بنی اسرائیل از همان راه حرکت کرده و از طرف دیگر به سلامت خارج شدند.

فرعون و سپاهیانش نیز فرار کردند و از همان راهی که در میان دریا پیدا شده بود، بنی اسرائیل را تعقیب کردند. وقتی آخرین نفر از لشکر فرعون وارد راه باز شده دریا شد، ناگهان به فرمان خدا امواج دریا از هر سو به هم پیوستند و همه فرعونیان را به کام مرگ فرو بردند.<sup>۲</sup>  
عزیزان من! حدس بزنید عدد زیر چیست؟



۱. شعراء، آیه ۶۳.

۲. بلاغی، قصص قرآن، ص ۱۴۶.

آفرین! یکی دیگر از فایده‌های دعا، دفع بلاست.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «ادفعوا امواج البلاء بالدعا؛ بلاها را با دعا از خود دفع کنید.<sup>۱</sup>»  
دوستان خوب! حضرت یونس علیه السلام یکی از پیامبران الهی است. ایشان پس از این که سه سال قوم خود را به ایمان دعوت کرد، هیچ‌کدام ایمان نیاوردند؛ مگر دو نفر. یکی عابدی بود به نام «ملیخا» یا «تنوخا» و دیگری عالمی به نام «روبیل». امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند، عذاب وعده داده شده را از هیچ امتی برطرف نکرده، مگر قوم یونس. حضرت یونس علیه السلام هرچه آن‌ها را به ایمان خواند، نپذیرفتند. با خود اندیشید که آن‌ها را نفرین کند. عابد نیز او را بر این کار تشویق می‌کرد؛ ولی روبیل می‌گفت: «نفرین مکن؛ زیرا خداوند دعای تو را مستجاب می‌کند؛ درحالی که دوست ندارد بندگانش را هلاک کند.»

بالآخره یونس علیه السلام گفتار عابد را پذیرفت و نفرین کرد. به او وحی شد در فلان روز و ساعت، عذابی نازل می‌شود. نزدیک زمان عذاب، یونس به همراه عابد از شهر خارج شد؛ ولی روبیل در همان جا ماند. ساعت نزول بلا رسید و آثار آن پیدا شد. قوم یونس آشفته شدند؛ چون هرچه گشتند یونس را نیافتند. روبیل به آنان گفت: «اینک یونس نیست. به خدا پناه ببرید و زاری و تضرع کنید؛ شاید بر شما ترحمی نماید!» پرسیدند: «چگونه پناه ببریم؟» روبیل فکری کرد و گفت: «فرزندان شیرخواره را از مادران شان جدا کنید؛ حتی بین شتران و بچه‌های شان، گوسفندان و بره‌های شان و گوساله‌ها و گاوها جدایی بیندازید و در میان شان جمع شوید. آن‌گاه اشک ریزان از خدای یونس، خدای آسمان‌ها، زمین‌ها و دریاها و پهناور بخشش بخواهید.

مردم به دستور روبیل عمل کردند. پیران کهن سال صورت بر خاک گذاشته و اشک ریختند. آوای حیوانات و اشک و آه قوم یونس با هم آمیخته شد و سرانجام، رحمت بی‌انتهای پروردگار جهان بر سر آن‌ها سایه افکند و عذاب نازل شده برطرف گردید.<sup>۲</sup>

بدین ترتیب، قوم یونس با دعا نزد پروردگار خویش، این بلای عظیم را از خود دور ساختند. دانش‌آموزان گرامی! برای این که با دیگر فایده‌ها و آثار دعا آشنا شوید، با حروف داخل کارت‌ها

۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۳۹.

۲. محمد محمدی اشتهاردی، داستان‌ها و پندها، ج ۴، ص ۴۹.

کلمه بسازید و به ترتیب در جای خالی قرار دهید.

ه ری ذ خ	ا ه و خ ت س	ی و ز ر	ای ف ش
----------	-------------	---------	--------

دعا ... دردهاست.

دعا ... را زیاد می‌کند.

دعا انسان را به ... هایش می‌رساند.

دعا اگر اجابت نشود، ... ای برای آخرت است.

آفرین!

دعا شفای دردهاست

محمد بن مسلم از یاران امام باقر علیه السلام می‌گوید از آن حضرت درباره خواص دانه‌ای سیاه‌رنگ پرسیدم و گفتم: «آیا این دانه به فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله، هر دردی جز مسمومیت را درمان می‌کند؟» امام باقر علیه السلام فرمود: «آری، آیا می‌خواهی تو را با چیزی آشنا کنم که هر درد و مسمومیتی را درمان می‌کند؟» با خوش حالی عرض کردم: «آری.» ایشان فرمودند: «دعا»<sup>۱</sup>

امام باقر علیه السلام، در حدیث دیگری نیز فرمودند: «دعا شفای هر دردی، حتی مرگ است.»<sup>۲</sup>؛ یعنی خداوند برخی مرگ‌ها را با دعا به تأخیر می‌اندازد.

### دعا روزی را زیاد می‌کند

روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به اصحابش فرمود: «آیا می‌خواهید اسلحه‌ای به شما معرفی کنم که موجب نجات و هم‌چنین فراوانی روزی باشد؟» اصحاب عرض کردند: «بلی یا رسول الله!» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «شب و روز دعا کنید؛ زیرا دعا اسلحه مؤمن است.»<sup>۳</sup>

دعا انسان را به خواسته‌هایش می‌رساند.

■ بچه‌های عزیز! این آیه قرآن را حتماً همگی شنیده‌اید. با من تکرار کنید:

۱. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۲۹۹.

۲. فلاح السائل، ص ۲۸.

۳. بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۳۰.



«أدعونی أستجب لکم» یعنی چه؟ «بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را»<sup>۱</sup>  
انسان مؤمن با دعا به خیلی از خواسته‌هایی که به صلاحش است، می‌رسد.

۴. دعا اگر اجابت نشود، ذخیره‌ای است برای آخرت

در روایات اسلامی آمده است: «هیچ مسلمانی نیست که قطع رحم و گناه نکرده باشد و دعا کند؛ مگر این که خدا او را به خواسته‌هایش می‌رساند یا مشکلی را از او دور می‌کند و یا این دعا را برای آخرتش پس انداز می‌کند.»<sup>۲</sup> یعنی خداوند در روز قیامت، به جای این دعا، چیز بهتری به او تقدیم می‌کند.

دوستان خوبم! حالا به این شعر زیبا گوش کنید.

آن پرنده‌ام که تو  
بال داده‌ای مرا  
تا شوم در آسمان  
گرم و شادمان، رها  
من دلم برای تو  
تنگ می‌شود خدا  
شاد می‌شوم ولی  
تا که می‌کنم دعا  
من گلم پراز دعا  
دست من به سوی تو  
سبز و تازه می‌شوم  
با نسیم بوی تو  
ای خدا! به ما بده  
قلب خوب و مهربان

۱. غافر، آیه ۶۰.

۲. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۲۲ تا ۲۹۴.

گرم مثل آفتاب

پاک مثل آسمان

(علی باباجانی)

خُب بچه‌های عزیز! آمادهٔ اجرای یک مسابقه هستید؟ مسابقهٔ ما از چند سؤال تستی تشکیل شده است. در این مسابقه، تمام دانش‌آموزان می‌توانند شرکت کنند. روال مسابقه چنین است: کسانی که گزینه «الف» را قبول دارند، در سمت راست کلاس، کسانی که گزینهٔ «ب» را قبول دارند، در انتهای کلاس و کسانی که گزینهٔ «ج» را قبول دارند، در سمت چپ کلاس می‌ایستند. آماده‌اید؟ شروع می‌کنیم.

۱. کدام دعاست که در هر فراز آن مجموعه‌ای از نام‌های خداوند آمده است.

الف) دعای کمیل (ب) دعای توسل ج) دعای جوشن کبیر

آفرین! دعای جوشن کبیر. برای ادامهٔ مسابقه، فقط کسانی که گزینهٔ «ج» را انتخاب کرده بودند، می‌توانند شرکت کنند.

۲. دعایی که در شب‌های ماه رمضان خوانده می‌شود، کدام دعاست؟

الف) دعای ندبه (ب) دعای افتتاح (ج) زیارت جامعهٔ کبیره

آفرین! گزینهٔ «ب» دعای افتتاح. در ادامهٔ مسابقه، کسانی که این گزینه را انتخاب کرده بودند، شرکت می‌کنند.

۳. کدام دعا منسوب به امام سجاد علیه السلام است؟

الف) مناجات پانزده‌گانه (ب) دعای ابوحمزه ثمالی (د) هر دو مورد

آفرین! برندگان مسابقه کسانی هستند که گزینهٔ «د» را انتخاب کرده‌اند.

دوستان خوبم! با یک دعا، برنامهٔ امروز را پایان می‌دهیم.

اللهم عجل لوليک الفرج! آمین یا رب العالمین!

## مسابقه فرهنگی

موضوع: تکنولوژی تبلیغ و قرآن

هدف کلی: انجام مسابقه فرهنگی و پاسخ به سؤالات دینی با استفاده از آیه الکرسی

اهداف جزئی:

▪ استفاده از قالب مسابقه برای آموزش مفاهیم دینی

▪ ترجمه لغات و معانی واژگان آیه الکرسی

▪ حفظ آیه الکرسی

▪ افزایش اطلاعات قرآنی و دینی

هدف رفتاری: درک قدرت خداوند با فهم آیه الکرسی و درک این مطلب که در همه جا و هر

وقتی خدا ما را می بیند؛ پس باید کارهای خود را با توجه به رضایت او تنظیم کنیم.

روش مناسب تدریس: توضیحی و فعال (مسابقه، جدول و کارت)

رسانه های آموزشی: مسابقه فرهنگی

به نام آن که رحمان و رحیم است      کتابش نور و پیغامش عظیم است

سلام دوستان عزیز!

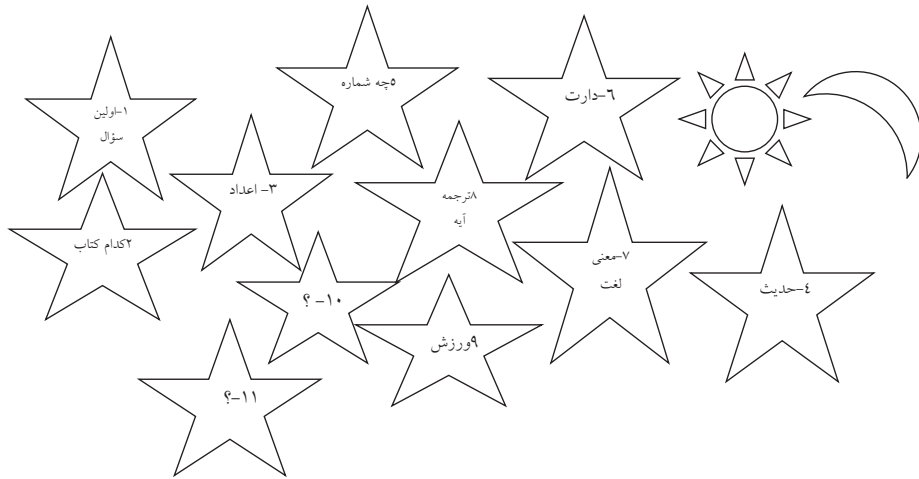
این دکوری<sup>۱</sup> که امروز می بینید، یازده ستاره با ماه و خورشید است که با مقوا یا یونولیت توسط

دوستان شما برای مسابقه آماده و به دیوار نصب شده است. روی هر ستاره شماره ای نوشته شده

و مطالبی روی آن، که سؤال های مسابقه است. به ترتیب جلو می رویم.

---

۱. در صورت نداشتن امکانات دکور، تصویر یازده ستاره، ماه و خورشید روی تخته ترسیم شود.



آماده شده‌اید برای مسابقه فرهنگی و جواب دادن به سؤال‌ها؟ قبل از شروع مسابقه، برای گرم شدن جلسه یک سؤال می‌پرسم. آیا می‌دانید معنای مسابقه چیست؟ هر کس جواب را بلد است، دست بلند کند. بله، شما بفرمایید. مسابقه از ریشه کلمه «سبق» است؛ به معنی سبقت بر یک دیگر و پیشی گرفتن. خوب است انسان در کارهای خیر تلاش کند و از دیگران جلو بزند. انجام مسابقه با این نیت خوب است.

خُب، معنای فرهنگ هم خیلی گستره است و شامل همه نوع مسابقه‌های خوب می‌شود؛ اما چون جلسه‌های ما قرآنی و دینی است، تلاش کردیم تا مسابقه رنگ و بوی قرآنی داشته باشد.<sup>۱</sup> برای انجام مراحل مسابقه آماده‌اید؟ پس با ذکر صلواتی می‌رویم مسابقه را شروع کنیم.

ابتدا سه گروه که هر کدام شان از یک نفر<sup>۲</sup> تشکیل شده و آمادگی لازم را دارند،<sup>۳</sup> تشریف بیاورند.<sup>۴</sup> در صورت پاسخ صحیح، امتیاز می‌گیرند. از نفر شماره «۱» می‌خواهم سؤال اول را از روی ستاره شماره «۱» بیاورد. خب، زیر شماره «۱» یکی از حروف الفبا نوشته شده است، آن را داخل جدول

۱. تلاش شده مسابقه طوری باشد که امکان اجرای آن با وسایل ساده ممکن باشد؛ هرچند مریبان می‌توانند امکانات گستره‌تری را به کار بندند.

۲. مریبی می‌تواند همه دانش‌آموزان را سه گروه کند و از هر گروه، یک نفر در جایگاه (جلوی کلاس) حاضر شوند.

۳. مریبی با سه شماره قرعه‌کشی می‌کند. هر کس شماره‌ای دارد؛ از شماره یک شروع می‌کند.

۴. مریبی در صورت صلاح دید، می‌تواند از جلسه قبل موضوع را با دانش‌آموزان در میان گذاشته و از آن‌ها درخواست مطالعه کند.

رمزی<sup>۱</sup> می نویسیم. جدول رمزی شانزده حرف است که در هر مرحله یکی از حروف آن مشخص می شود. الآن حرف «ز» را در خانه شماره<sup>۱</sup> قرار می دهیم. سؤال دوم را می پرسم. هر گروهی بلد بود، دست خود را بلند می کند (امتیازها را کمک مربی<sup>۲</sup> می نویسد). اگر بلد نبودید، از دیگر دوستانی که در این جا حضور دارند، سؤال می شود.

\* مرحله اول مسابقه: یک سؤال

سؤال اول با این روش سؤال می شود: ابتدا سه بار کلمه «سید» را روی تخته می نویسم.<sup>۳</sup> به نظر شما این «سیدها» به چه مفهومی است؟ راهنمایی می کنم. جلوی این سه سید، کلمه هایی می نویسم. حالا هر کدام از شما سه نفر، بلد است پاسخ دهد. (۱۰ امتیاز)

- سید سید الکلام؟ سید الکلام: القرآن
- سید وسید القرآن؟ وسید القرآن: البقره
- سید وسید البقره؟ وسید البقره: آیه الكرسي

خیلی عالی جواب دادید. معلوم شد «سید آیات» آیه الكرسي است. یک بار دیگر ترجمه مطالب را تکرار می کنم. شما تا این جا با سه تا از بهترین ها آشنا شدید. بهترین کتاب آسمانی: قرآن، بهترین سوره های قرآن: بقره و بهترین آیه های آن: آیه الكرسي است.

\* مرحله دوم مسابقه: کتاب های آسمانی (۱۰ امتیاز)

نفر دوم، سؤال ستاره دوم را بیاورد. حرف دوم «ا» است. آن را هم داخل جدول رمزی می نویسیم. به ترتیب جواب سؤال ها را بگویید.

- نام کتاب حضرت موسی عليه السلام چیست؟ تورات.
- نام کتاب حضرت عیسی عليه السلام چیست؟ انجیل.
- نام کتاب حضرت علی عليه السلام چیست؟ نهج البلاغه.

برای این که شما حاضران هم در مسابقه شرکت داشته باشید، از شما هم این سؤال را می پرسم:

۱. این جدول شانزده خانه ای است که مربی قبلاً آماده کرده و روی تخته نصب می کند.

۲. مربی یک نفر را برای کمک انتخاب می کند و او در کنار تخته می ایستد یا می نشیند و امتیازها را ثبت می کند.

۳. مربی می تواند مطالب را روی چند کارت بنویسد و آن ها را روی تابلو وایت برد با آهن ربا نصب کند

■ نام کتاب حضرت امام سجاد علیه السلام چیست؟ صحیفه سجادیه.

\* مرحله سوم: مسابقه اعداد (۱۰ امتیاز)

نفر سوم سؤال ستاره سوم را بیاورد. حرف سوم «س» است. آن را داخل جدول رمزی می نویسیم. هر کس جواب این سؤال را می داند، دستش را بلند کند.<sup>۱</sup>

■ از این عدد چه می فهمید؟ «۵۰»

کاملاً صحیح گفتید! از آن جا که بحث امروز ما در مورد آیه الکرسی است، این سؤال هم راجع به آن است. تعداد کلمه های آیه الکرسی «۵۰» کلمه است. من<sup>۲</sup> آن را می خوانم: «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ»

در روایات و نزد مشهور فقیهان، آیه الکرسی تنها همین آیه است؛ نه به ضمیمه دو آیه بعد آن.<sup>۳</sup> چند کلمه بود؟ ۵۰ کلمه.

■ دوباره عدد ۵۰ در ارتباط با آیه الکرسی؟ سؤال سخت است، راهنمایی می کنم: «خبر و برکت». بله، صحیح است. در هر کلمه از آیه الکرسی ۵۰ خبر و برکت وجود دارد.

\* مرحله چهارم مسابقه: حدیث (۱۰ امتیاز)

نفر اول سؤال ستاره چهارم را بیاورد. حرف چهارم «ن»؛ داخل جدول رمزی می نویسیم. باز هم سؤالی می پرسیم، هر کس بلد است، دستش را بلند کند.

■ حدیثی بگویید در ارتباط با اهمیت آیه الکرسی.

راهنمایی کنم: از همین کارت هایی که در مرحله او داشتیم، می توانید حدیث را بگویید.

■ بله، «سَيِّدُ الْكَلَامِ الْقُرْآنُ وَسَيِّدُ الْقُرْآنِ الْبَقْرَةُ وَسَيِّدُ الْبَقْرَةِ آيَةُ الْكُرْسِيِّ.»

خُب حدیث را با هم می خوانیم:

۱. اگر رنگ در اختیار دارید، شرکت کنندگان رنگ بزنند.

۲. اگر مربی صلاح دانست، می شود آیه را یکی از دانش آموزان بخواند.

۳. . . جواهر الکلام، ج ۱۲، ص ۲۱۵.

قال علی عليه السلام: «سَيِّدُ الْكَلَامِ الْقُرْآنُ وَ سَيِّدُ الْقُرْآنِ الْبَقْرَةُ وَ سَيِّدُ الْبَقْرَةِ آيَةُ الْكُرْسِيِّ.»

اما این حدیث ادامه هم دارد که من ادامه آن را می خوانم. این حدیث<sup>۱</sup> را حضرت علی عليه السلام از پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شنیده است:

«... سَيِّدُ الْكَلَامِ الْقُرْآنُ وَ سَيِّدُ الْقُرْآنِ الْبَقْرَةُ وَ سَيِّدُ الْبَقْرَةِ آيَةُ الْكُرْسِيِّ؛ يَا عَلِيُّ! إِنَّ فِيهَا خَمْسِينَ كَلِمَةً فِي كُلِّ كَلِمَةٍ خَمْسُونَ بَرَكَةً؛ قرآن کلام برتر است و بقره، بهترین سوره قرآن و آیه الکرسی بهترین آیه بقره است؛ ای علی! در این آیه پنجاه کلمه است و در هر کلمه پنجاه خیر و برکت وجود دارد.»

\* مرحله پنجم مسابقه: شماره‌ها (۱۰ امتیاز)

نفر دوم، سؤال ستاره پنجم را بیاورد. حرف پنجم هم حرف «ا» است. آن را داخل جدول رمزی می نویسیم. هر کس جواب سؤال‌ها را می داند، دستش را بلند کند.

▪ آیه الکرسی چندمین آیه از سوره بقره است؟

بله آیه ۲۵۵. کاملاً صحیح است.

▪ سوره بقره چندمین سوره قرآن است؟ دوم. بله، دومین سوره قرآن.

▪ سوره بقره شامل چه جزءهایی از قرآن است؟ اول، دوم و سوم.

باز هم سؤالی برای حضار:

▪ سه ورزشی که اسلام به آن‌ها سفارش کرده است کدام‌اند؟ اسب سواری، شنا و تیراندازی.

این ورزش‌ها انسان را شاداب و چابک می‌کنند. ما هم برای این‌که شما شاداب‌تر شوید،

مسابقه پرتاب دarts<sup>۲</sup> داریم.

\* مرحله ششم مسابقه، پرتاب دارت برای هر سه گروه (۱۰ امتیاز)

▪ نفر سوم، سؤال ستاره ششم را بیاورد. حرف ششم «س» داخل جدول رمزی آن را می نویسیم.

هر گروه به ترتیب، سه دارت پرتاب می‌کند. امتیازهای گروه جمع و بر عدد سه تقسیم می‌شود.

\* مرحله هفتم مسابقه: معنی این لغت چیست؟ (۳۰ امتیاز)

نفر اول، سؤال ستاره هفتم را بیاورد. حرف هفتم «ن»، آن را داخل جدول رمزی می نویسیم.

۱. تفسیر مجمع البیان، جزء ۱ و ۲، ص ۳۶۰-۳۶۱.

۲. با رعایت نکات کامل ایمنی مسابقه انجام شود. اگر امکانات بهتری وجود دارد، می‌توان به‌کار گرفت.

خُب تا این جا نتوانستید رمز جدول را حدس بزنید؟ اشکالی ندارد؛ مسابقه را ادامه می‌دهیم. به ترتیب پاسخ دهید.

روی این کارت‌ها لغت‌هایی نوشته شده است.<sup>۱</sup> یکی یکی می‌پرسم؛ از هر گروه سه لغت پرسیده می‌شود. هر کس بلد نباشد، نفر بعدی جواب دهد. آماده‌اید؟<sup>۲</sup>

■ معنای این لغت‌ها را بگویید.

■ حی: زنده.

■ قیوم: نگه‌دارنده و پاینده.

■ سنة: خواب سبک؛ به قول ما چرت.

■ نوم: خواب عادی و معمولی.

■ وسع: فراگرفته و دارای طاقت و توانایی.

■ کرسی: هر پایه و شالوده‌ای که به توان به آن اعتماد کرد.

■ لایووده: به زحمت و سختی نمی‌اندازد او را.

■ علی: بالاست در اقتدار و نفوذ.

■ عظیم: بزرگ (در این جا معنایش عظیم الشان است).

حالا که ترجمه لغات را به این خوبی پاسخ دادید. نوبت می‌رسد به ترجمه آیات که در هر

سؤال، بخشی از آیه را از شما سؤال می‌کنم. دارد از هر گروه سه ترجمه می‌پرسم.

\* مرحله هشتم مسابقه: ترجمه قسمتی از آیه الکرسی (۳۰ امتیاز)

نفر دوم، سؤال ستاره هشتم را بیاورد. حرف هشتم «ا» ف آن را هم داخل جدول رمزی

می‌نویسیم.

به ترتیب ترجمه هر بخش که پرسیدم را بگویید.

■ لا اله الا هو: احدی جز او سزاوار پرستش و خدایی نیست.

■ الحی القیوم: زنده‌ای که دانای به امور است.

۱. مربی این کلمات را با خط درشت روی کارت‌ها نوشته و ترجمه‌ها را با خط ریز در پشت کارت می‌نویسد.

۲. ترجمه‌های نزدیک به این ترجمه‌ها قابل قبول است.



▪ لاتاخذہ سنۃ و لا نوم: او را نه چرت و نه خواب سنگین می‌گیرد (یعنی او غافل از مردم نمی‌گردد و آن‌ها را فراموش نمی‌کند).

▪ له ما فی السموات و ما فی الارض: برای اوست سلطنت آن‌چه در آسمان‌ها و زمین است.

▪ من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه: کیست که شفاعت کند نزد او جزء به اجازه‌اش؟

▪ یعلم ما بین ایدیهم و ما خلفهم: می‌داند آن‌چه روبه‌رو و آن‌چه پشت سرش است.

▪ و لایحیطون بشیء من علمه: به چیزی از دانش او احاطه ندارند.

▪ الا بما شاء: مگر آن‌چه خود او بخواهد.

▪ وسع کرسیه السموات و الارض: علم و آگاهی او آسمان‌ها و زمین را فراگرفته است.

باز هم سؤال‌هایی برای حضار؟

▪ ولایؤوده حفظهما: بر خداوند حفظ آسمان‌ها و زمین سخت نیست.

▪ هو العلی العظیم: او توانا و عظیم‌الشأن است.

\* مرحله نهم مسابقه: ورزشی (۱۰ امتیاز)

نفر سوم، سؤال ستاره نهم را بیاورد. حرف نهم، حرف «ب» است آن را نیز داخل جدول رمزی می‌نویسیم.

از هر گروه یک نفر این حرکت را انجام می‌دهد. بدون این که زانو خم شود، نوک انگشتان (یا کف دست) روی زمین قرار گیرد و حضار تا عدد ده می‌شمارند: یک و یک و یک، دو و دو و دو... تاده و ده و ده.

اگر درست انجام شد، امتیاز کامل؛ والا با نظر مربی امتیاز داده می‌شود.

\* مرحله دهم مسابقه:

نفر اول، سؤال ستاره دهم را بیاورد. حرف دهم هم «ا» است. داخل جدول می‌نویسیم.

حُب سؤال را بخوانم: «از حضور شما در مسابقه تشکر می‌شود!» مثل این‌که سؤال نداشت.

\* مرحله یازدهم مسابقه:

نفر دوم، سؤال ستاره یازدهم را بیاورد. حرف یازدهم «ت» است. آن را هم داخل جدول رمزی

می‌نویسیم.

خوب سؤال را بخوانم ” شما برنده جایزه شده اید“ به شما تبریک می گویم  
خُب جدول رمزی را توانستید حدس بزنید؟ پیام آن چیست؟  
پیام جدول: «قرآن کتاب انسان ساز»

ق-۱۶	ر-۱۵	آ-۱۴	ن-۱۳	ک-۱۲	ت-۱۱	ا-۱۰	ب-۹
ا-۸	ن-۷	س-۶	ا-۵	ن-۴	س-۳	ا-۲	ز-۱

در این قسمت هم دو سؤال از حضار می‌پرسم:

- این یازده ستاره، ماه و خورشید مربوط به کدام یک از سوره‌های قرآن است؟
- بله، صحیح فرمودید. قصه حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَام که در دوران کودکی، در رؤیای صادق دید که یازده ستاره، ماه و خورشید بر او سجده می‌کنند.
- آیه‌الکرسی در چه اموری خوانده می‌شود؟ به تعداد ماه و خورشید بگویید؛ یعنی دو مورد را نام ببرید.

عالی بود! هنگام سفر و هنگام خواب.

در پایان درس، من موردهایی را که خوب است آیه‌الکرسی خوانده شود می‌گوییم:

■ بعد از وضو؛<sup>۱</sup>

■ بر بالین محتضر (کسی که در حال جان دادن است)؛<sup>۲</sup>

■ هنگام دفن میت؛<sup>۳</sup>

■ پس از نمازهای واجب؛<sup>۴</sup>

۱. در صورتی که نتوانستند حدس بزنند، مربی راهنمایی می‌کند و بقیه حروف را یکی یکی می‌گوید.

۲. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۰۰.

۳. همان، ص ۳۷۵.

۴. الحدائق الناضرة، ج ۴، ص ۱۰۵.

۵. مجمع الفائدة، ج ۲، ص ۳۱۵.

- هنگام پوشیدن لباس نو؛<sup>۱</sup>
  - هنگام خواب؛
  - در سفر؛<sup>۲</sup>
  - زمان رسیدن حاجی به عرفات برای وقوف؛<sup>۳</sup>
- خواندن آیه‌الکرسی خیلی سفارش شده و مستحب است.<sup>۴</sup>

\* نکاتی درباره اجرای مسابقه

مربیان محترم با توجه به امکانات و توان مندی‌های خود مسابقه را اجرا کنند. اگر اجرای برخی کارها یا برخی قسمت‌های مسابقه دشوار است، می‌توانند آن را تغییر داده یا حتی حذف کنند. هدف اصلی مسابقه، پاسخ‌گویی و آموزش محتوای سؤال‌هاست که باید انجام شود. افراد شرکت‌کننده باید آیه‌الکرسی را حفظ و با معانی و مفاهیم آن آشنا باشند. مربی از قبل، تعدادی جایزه مناسب با شأن شرکت‌کنندگان و تماشاچیان تهیه می‌کند و به افراد می‌دهد.

جدول رمزی:

با پاسخ به هر مرحله از سؤال‌های مسابقه، مربی یک حرف از حروف جدول را طبق شماره در آن قرار می‌دهد و پس از یازده مرحله مسابقه، یازده حرف جدول مشخص می‌شود. هر گروهی می‌تواند در هر مرحله از مسابقه پیام جدول را بگوید. مربی دقت کند که شماره‌ها یکی یکی از آخر به اول نوشته شده باشد و دانش‌آموزان با کمی دقت، می‌توانند به پیام جدول برسند. چنان‌چه پیام جدول را حدس زدند، مربی توضیح کوتاهی درباره جمله «قرآن کتاب انسان‌ساز و کتاب زندگی است» می‌دهد.

---

۱. کشف الغطاء، ج ۳، ص ۳۸.

۲. العروة الوثقی، ج ۲، ص ۴۱۴.

۳. جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۵۴.

۴. هم‌چنین در نمازهای مستحبی مانند نماز عید غدیر، نماز شب اول قبر و نماز اعرابی وارد شده است. در نافله‌های ظهر و رکعت دوم از دو رکعت نافله‌ی بین مغرب و عشا و نماز وتر هم مستحب است.

## معمای انگشتر

موضوع: قرآن

هدف کلی: آشنایی با جایگاه رهبر و امام در قرآن

اهداف جزئی:

▪ آشنایی با معنای جانشینی و شرایط جانشین

▪ آشنایی با جایگاه علی علیه السلام در قرآن

▪ وظیفه ما نسبت به حضرت علی علیه السلام

▪ آشنایی با آیه ۵۵ سوره مائده

هدف خروجی: آشنایی با جایگاه حضرت علی علیه السلام و جانشینی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله

روش تدریس: توضیحی و فعال (داستان، جدول، کارت، شعر و مسابقه)

وسایل تدریس: تخته و کارت

بچه‌ها سلام!

حال تان خوب است؟

احوالتان خوب است؟

خوش اخلاقید؟

زرنگید؟

بی سوادید؟

حواس تان جمع است؟

خیلی خُب، برای این که معلوم شود حواس تان جمع جمع است، با چند تا سؤال برنامه امروز را

شروع می کنیم. آماده اید؟

▪ یکی از پیامبران الهی که بعد از مدت ها پیامبری و سربلندی در امتحانات سخت الهی، به

مقام امامت رسید؟ ابراهیم.

- شهری که به حرم پیامبر اسلام معروف است و چهار امام معصوم علیهم السلام در آن شهر دفن هستند چه نام دارد؟ مدینه
- نام دشمن قسم خورده انسان در قرآن که به دلیل اطاعت نکردن از فرمان الهی برای سجده بر آدم، از جمع فرشتگان اخراج شد، چیست؟ ابلیس.
- حرم تنها امام مدفون در کشور عزیزمان در کدام شهر قرار دارد؟ مشهد.
- سوره‌ای از قرآن کریم که با «بسم الله الرحمن الرحيم»، شروع نمی‌شود؟ توبه.<sup>۱</sup>
- حالا برای اینکه به موضوع برنامه دست پیدا کنیم، ابتدای این پنج جواب را کنار هم قرار دهید تا کلمه ... به دست آید.

آفرین بر شما که خیلی سریع و صحیح به دست آوردید! بله،

بچه‌ها! یکی از اصول دین و پایه‌های اصلی اسلام، امامت است که درباره‌ی جانشین پیامبر، رهبر و سرپرست مردم بعد از رحلت پیامبر اسلام بحث می‌کند. برای روشن شدن ضرورت رهبر، سرپرست و ولی، به این مثال توجه کنید:

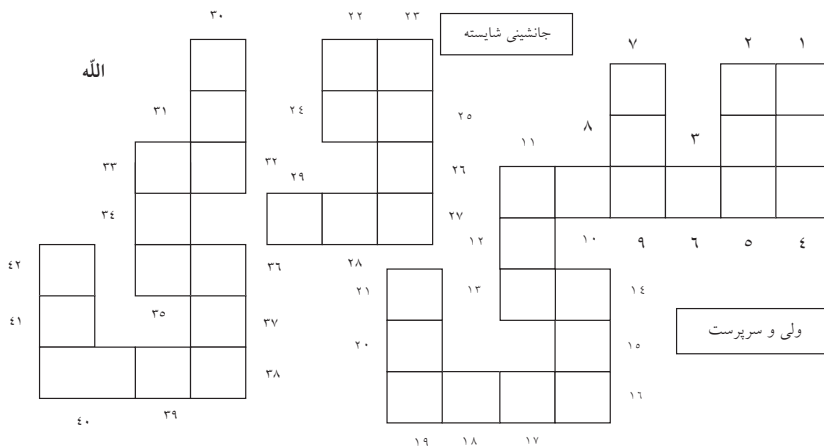
شما برای مسافرت به شهری دور، بلیت اتوبوس می‌گیرید و وقتی به پایانه‌ی مسافری می‌روید، می‌بینید که اتوبوسی زیبا، تمیز و بزرگ، ایستاده است و مسافران هم سفر شما در حال سوار شدن و نشستن روی صندلی‌های خود هستند. شما هم روی صندلی خودتان می‌نشینید و اتوبوس از هر جهت آماده‌ی حرکت است که ناگهان، آقای محترمی وارد اتوبوس می‌شود و اعلام می‌کند راننده‌ی اتوبوس بنا بر دلایلی نمی‌تواند، شما را به مقصد برساند؛ ولی نگران نباشید، در تلاش هستیم راننده‌ی دیگری را برای اتوبوس بیاوریم. دقایقی بعد، فردی که خستگی در چشمانش موج می‌زند و با صورتی که نشان از اعتیاد به مواد مخدر دارد و سلامتی او را به خطر انداخته است، سوار اتوبوس شده و روی صندلی راننده می‌نشیند و می‌خواهد حرکت کند. بعضی از مسافران و (شاید خود شما) احساس تردید می‌کنید که آیا این راننده توانایی رانندگی با این اتوبوس در جاده‌های پرپیچ و خم

۱. مناسب است مربی محترم در راستای آشنایی با معارف دینی و در جهت موضوع برنامه، درباره‌ی هر پاسخ، متناسب با فضای برنامه توضیحاتی ارائه دهد؛ مثلاً: ابراهیم پس از سال‌ها مبارزه با بت پرستی و شرک و پرهیز از خواسته‌های نفسانی، حتی آمادگی برای قربانی کردن فرزندش اسماعیل علیه السلام، به مقام امامت نائل شد؛ یا مثلاً اسم چهار امام مدفون در شهر مدینه گفته شود و به صورت مختصر، توضیح داده شود؛ یا پیامبر اسلام در ابلاغ سوره‌ی توبه، مأمور شد برائت را به کسی بسپرد که از خود ایشان باشد و او علی علیه السلام بود.

و خطرناک را دارد؟ آیا او می‌تواند ما را به سلامت به مقصد برساند؟ آیا...

■ به هر حال، یک انسان عاقل و دوراندیش حاضر نیست در جاده طولانی و تاریک، با دلپره و اضطراب همراه چنین راننده‌ای مسافرت کند. همان‌طور که مسافران یک اتوبوس مهم هستند، مسلمانانی هم که با تحمل سختی‌های زیاد، به دستور پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سوار وسیله هدایت اسلام شده‌اند، نیز مهم‌اند. آیا وقتی پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ متوجه شد، عمرش به پایان خواهد رسید، نباید جانشینی شایسته به جای خود انتخاب کند تا هدایت و سرپرستی مسلمانان را بعد از ایشان بر عهده بگیرد؟ به نظر شما آیا پیغمبر خوبی‌ها و مهربانی‌ها چنین کاری انجام داده است؟ پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اگر برای سفری کوتاه یا جهاد با کفار از مدینه خارج می‌شد، کسی را نماینده خود در مدینه معین می‌کرد تا به انجام امور مردم شهر بپردازد؛ پس در هنگام رحلت خود هم حتماً کسی را برای سرپرستی و رهبری امت خود قرار می‌داد.

حالا قبل از آن‌که جدول زیر را حل کنیم، داستانی را برای تان تعریف می‌کنم:



گروهی از یهودیان که مسلمان شده بودند؛ مثل «عبدالله بن سلام»، «ثعلبه» و «ابن‌صوریا» خدمت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمدند و عرض کردند: «یا رسول الله! حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام، «یوشع بن نون» را وصی و جانشین خود قرار داد؛ امام بعد از شما کیست؟» در این هنگام این آیه نازل شد: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ

و رسوله و الذین آمنوا فان حزب الله هم الغالبون.»

آن‌گاه پیامبر اسلام فرمود برخیزید به مسجد برویم. هنگام ورود به مسجد، مرد فقیری را دیدند که به طرف پیامبر می‌آید. او فرمود: «ای مرد! آیا کسی به تو کمک کرد؟» عرض کرد: «آری، این انگشتر را مردی همین حالا به من داد.» پیامبر پرسید: «چه کسی؟» فقیر جواب داد: «آن مردی که مشغول نماز است.» و با دست اشاره به علی علیه السلام کرد. پیامبر پرسید: «در چه حالی به تو کمک کرد؟» عرض کرد: «در حال رکوع.» پیامبر در این حال، بلند تکبیر گفت و اهل مسجد همه تکبیر گفتند. آن‌گاه حضرت رو به مردم کرد و فرمود: «پس از من، علی علیه السلام ولی و سرپرست شماست.»<sup>۱</sup> حالا قبل از آن‌که سراغ جدول برویم، یک مرتبه دیگر آیه را با هم می‌خوانیم: «إنما ولیکم الله ورسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکوة و هم را کعون و من یتول الله ورسوله و الذین آمنوا فان حزب الله هم الغالبون.»

▪ و اما سؤال‌های جدول که جواب‌های شان در خانه‌هایی که شماره‌ی شان داده شده است

نوشته می‌شود:

▪ به کسی که در راه خدا کشته می‌شود، می‌گویند: شهید. (۴، ۲۰، ۳۵ و ۴۲)

▪ عبادتی که در ماه رمضان واجب است: روزه. (۲۲، ۱، ۴۰ و ۱۴)

▪ فصل درس و مدرسه را گویند: پاییز. (۳۶، ۶، ۱۳، ۳ و ۳۰)

▪ فیلمی که حقیقت و واقعیت را به تصویر می‌کشد: مستند. (۳۴، ۱۵، ۳۳، ۴۱ و ۱۸)

▪ بعد از سفیر، در سفارت خانه بالاترین مقام را دارد: کاردار. (۳۱، ۱۱، ۲۶، ۲۱، ۳۹ و ۳۷)

▪ پایتخت کشوری معروف به حيله‌گری و استعمارگری: لندن. (۲، ۱۷، ۳۸ و ۱۰)

▪ رشدیافتن و کامل شدن: تکامل. (۱۶، ۲۷، ۲۴، ۷ و ۲۵)

▪ پیامبر کشتی‌ساز: نوح. (۱۲، ۸ و ۲۳)

▪ ... چو حل گشت آسان شود: معما. (۹، ۲۹، ۵ و ۳۲)

▪ کوه بی‌پایان: کو. (۱۹ و ۲۸)

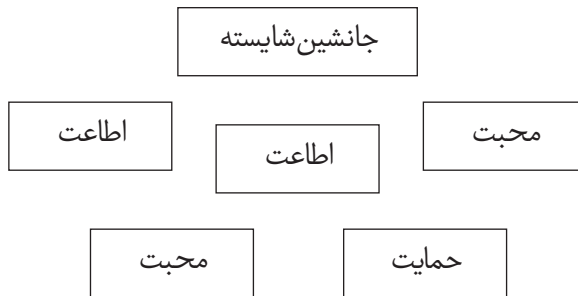
۱. تفسیر برهان ج ۱ ص ۴۸۰. لازم به ذکر است در حدیثی دیگر به نقل از عمار یاسر، علی (ع) در هنگام رکوع نماز مستحبی چنین صدقه‌ای داد (تفسیر عیاشی).

بچه‌ها پیام جدول بسیار آسان به دست می‌آید و کافی است شما حروف را به ترتیب شماره جدول کنار هم قرار دهید تا معنای قسمت دوم آیه به دست آید. معنای قسمت اول این است که «ولی و سرپرست شما خدا و رسولش هستند»؛ اما معنای قسمت دوم: آفرین به شما دوست عزیز! «ولی شما، مؤمنانی هستید که در حال رکوع، زکات<sup>۱</sup> می‌دهند.»

بله بچه‌ها! به این ترتیب همه فهمیدند مراد این آیه، حضرت علی علیه السلام است و شاید به همین خاطر است که ما (شیعیان) علی ابن ابی طالب علیه السلام را در اذان و اقامه «ولی الله» معرفی می‌کنیم؛ البته در روزهای بعد، بعضی از اصحاب پیامبر از فقرا می‌خواستند تا در موقعی که آن‌ها در حال رکوع هستند، بیایند و آن‌ها، انگشتر صدقه دهند، اما فایده‌ای نداشت و دیگر آیه‌ای نازل نشد. خُب برای این که آیه را همواره به یاد داشته باشیم، یک بار دیگر می‌خوانیم:

«إنما وليكم الله ورسوله والذين آمنوا الذين يقيمون الصلوة ويؤتون الزكاة وهم راكعون و من يتول الله ورسوله والذين آمنوا فان حزب الله هم الغالبون.»

می‌بینیم بعضی از بچه‌ها آیه کریمه را حفظ کردند؛ ولی بچه‌ها حفظ قرآن به تنهایی کافی نیست، بلکه عمل به دستورهای الهی در قرآن مهم‌تر است و این آیه از ما می‌خواهد همان طوری که از خدا و پیامبرش اطاعت می‌کنیم و به خدا و رسول گرامی اسلام اظهار محبت می‌کنیم و وظیفه خود را حمایت از آن‌ها می‌دانیم. از جانشین برحق آن‌ها و فرزندان معصوم ایشان هم اطاعت و حمایت کنیم و این معنای قبول است.



۱. البته لازم به تذکر است که زکات، مطلق صدقات را شامل می‌شده است و در زبان اهل دین بعد از پیامبر اسلام، منحصر به زکات واجب شد (رجوع شود به تفسیر المیزان، ذیل آیه‌ی مذکور).



در پایان اگر موافق باشید شعر زیبایی را برای تان می خوانم:

کیست ولی خدا؟ او علی مرتضی است  
سوره به سوره همه، منقبتش را گواست  
بعد رسول خدا از همه انبیاست  
آن که به جزمداح، هرچه بخوانی خطاست  
امامت او عیان به آیه ائمتاست  
جدا شده از رسول، هر که از حیدر جداست  
که خاک پای علی، به دیده ام توتیاست  
سلام بر دیده ای که جز علی را ندید  
درو بر آن دلی که جز علی را نخواست  
به دوستی علی، مس وجودم طلاست<sup>۱</sup>

کیست وصی نبی؟ آن که ولی خداست  
کیست وصی نبی؟ آن که کتاب خدا  
کیست وصی نبی؟ آن که مقامش فزون  
آن که به جز وصف او، هر چه بگویی غلط  
علی است جان جهان، علی است سرنهان  
جدا شده از خدا، جدا شده از کتاب  
من و ولای علی، سرم فدای علی  
علی به جانم شکیب، علی به قلبم حبیب  
علی به زخمم طیب، علی به دردم دواست  
سیاه رویم؛ ولی دلم بود منجلی  
صلوات



۱. غلامرضا سازگار، نخل میثم، ج ۳، ص ۹۲، با تلخیص.

## مهمانی خدا (۱)

موضوع: احکام

هدف کلی: آشنایی با برخی از احکام روزه

اهداف جزئی:

- آشنایی احکام پنج‌گانه روزه
- زمان شروع و ختم ماه رمضان
- اقسام روزه
- بحث اقسام اوقات نیت روزه
- برخی از باطل‌کننده‌های روزه

هدف رفتاری: آشنایی با برخی احکام و وظایف روزه‌دار و رعایت آن‌ها

روش‌های تدریس: توضیحی و فعال (پرسش و پاسخ، کارت، مسابقه و جدول)

وسایل آموزشی: تابلو، کارت و ...



مثل این ماه، دلامون تازه جوون بود به خدا

همه عمر ما فقط ماه رمضان بود به خدا

کاشکی هر دل مثل حالا مهربون بود به خدا

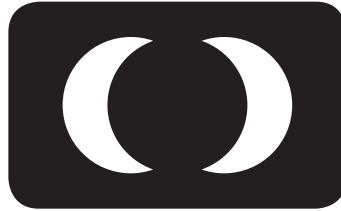
ذکر و تسبیح و دعا، اشک و نماز و زمزمه

سلام! فرارسیدن مهمانی خوب خدا را به شما تبریک می‌گوییم. خُب مهمانان خدا! برنامه را با

یک سؤال شروع می‌کنم.

■ آن چیست که با دیدنش یکی از فروع دین واجب می‌شود و با دیدنش حرام می‌شود؟ بله،  
مرحبا! ماه.

این تصاویر شما را به یاد کدام یک از مسائل مهم عبادی می‌اندازد؟



در روایات آمده است: یعنی با دیدن ماه روزه بگیر و با دیدن ماه روزه را افطار کن.

اول ماه به چند چیز ثابت می‌شود:

- خود انسان ماه را ببیند.
- به گفته دیگران یقین پیدا کند.
- دو مرد عادل بگویند که ماه را شب هنگام دیده‌ایم.
- گذشت سی روز از ماه شعبان یا رمضان.
- حکم حاکم.

با ثابت شدن اول ماه در ماه رمضان، چند چیز را باید رعایت کنیم.

با حرف‌های به هم ریخته، کلمه‌های مناسب درست کنید تا بدانیم آن احکام کدام‌اند؟



مباح



مکروه



مستحب



حرام



واجب

آیا می‌دانید روزه‌های واجب کدام‌اند؟<sup>۱</sup>

روزه‌های واجب:

الف) برای خودمان روزه می‌گیریم؛ مثل.....

ب) برای دیگری روزه می‌گیریم؛ مثل.....

خیلی ممنون! حالا من به کمک شما می‌آیم و صحبت‌های تان را کامل می‌کنم.<sup>۲</sup>



روزه‌هایی که برای خودمان است:

- روزه‌ی ماه مبارک رمضان؛
- روزه‌ی قضا؛
- روزه‌ی کفّاره؛
- روزه‌ی روز سوم ایام اعتکاف؛
- روزه‌ای که به سبب نذر واجب شود.

برای دیگری



۱. مربی سخنان دانش‌آموزان را گوش می‌کند.

۲. خیلی ممنون! حالا من به کمک شما می‌آیم و صحبت‌های تان را کامل می‌کنم.

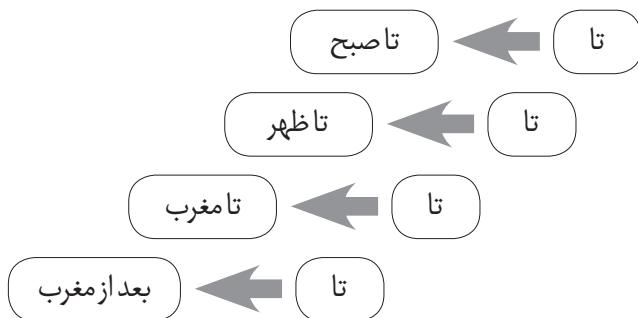
روزه‌های که برای دیگری است:

- روزه‌ی استیجاری (روزه‌هایی که شخص مزد می‌گیرد و به نیابت از میّت انجام می‌دهد)؛
- روزه‌ی قضای پدر که بر پسر بزرگ‌تر واجب است (طبق نظر برخی از مراجع).

دومین از احکام روزه **روزه‌های حرام** است

## روزه‌های حرام

- روزه‌ی عید فطر و عید قربان؛
- روزه‌ی یوم الشک به قصد رمضان؛ ولی به نیت آخر شعبان مانعی ندارد؛
- روزه‌ی غیر واجب برای فرزند در صورتی که موجب اذیت والدین باشد؛
- روزه‌ی مریض و کسی که روزه برایش ضرر دارد.



حالا که انواع روزه‌ها را شناختیم، خوب است احکام این روزه‌ها را هم بدانیم. یکی از چیزهای که در روزه گرفتن واجب است، احکام نیت روزه است. وقت نیت روزه بر چهار نوع تقسیم می‌شود.<sup>۱</sup>

کدام نیت روزه تا صبح واجب است؟

بدون عذر

۱. مربی چهار کلمه‌ی «تا» در تابلو نوشته یا کارت‌هایی که قبلاً درست کرده، در تابلو قرار داده و پاسخ‌ها را یکی یکی با توضیحاتی که پشت کارت نوشته به بچه‌ها نشان می‌دهد.

■ در روزه واجب، نیت روزه نباید بدون عذر بعد از اذان صبح باشد.

کدام نیت روزه تا ظهر وقت دارد؟

عذر

با

■ در روزه واجب، اگر به علت عذری، مانند فراموشی یا سفر، نیت روزه نکرده، اگر کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد تا ظهر می‌تواند نیت روزه کند.

کدام نیت روزه تا مغرب وقت دارد؟

مستحبی

روزه‌ی

وقت نیت روزه مستحبی، از اول شب است تا وقتی که به اندازه نیت کردن به مغرب مانده باشد.

کدام نیت روزه بعد از مغرب هم باشد، خودبه‌خود روزه ماه رمضان می‌شود؟

اول رمضان

آخر شعبان

روزه‌ی

■ اگر روزی را که شک دارد آخر شعبان است یا اول رمضان، به نیت روزه قضا و مانند آن روزه بگیرد و در بین روز بفهمد که ماه رمضان است، باید نیت روزه رمضان کند و اگر بعد معلوم شود ماه رمضان بوده، از رمضان حساب می‌شود.

چند تذکر:

■ روزه از عبادت‌هاست و باید برای انجام فرمان خداوند به‌جا آورده شود.

■ انسان می‌تواند در هر شب ماه رمضان برای روزه فردای آن نیت کند و بهتر است که شب اول ماه هم، روزه همه ماه را نیت کند.

■ لازم نیست نیت روزه را به زبان بگوید؛ بلکه همین قدر که برای انجام دستور خداوند، از اذان صبح تا مغرب، کاری که روزه را باطل می‌کند انجام ندهد، کافی است.

## احکام مربوط به روزه

حالا وقت نمایش است!

داستان نمایشی

روزی احمد بیکار بود و در خانه مانده بود. چون ماه رمضان بود، گفت کمی بخوابم. مثل همیشه ساعت نه بیدار شد و دید بچه‌های کوچک مشغول خوردن صبحانه‌اند. احمد هم مشغول خوردن صبحانه شد. در همان لحظه مادر از راه رسید و با صدای بلند داد زد: «آی احمد! چه کار داری می‌کنی؟» احمد با آرامی گفت: «مادر! من کار بدی نکردم؛ دارم صبحانه می‌خورم.» مادر بدون مکث گفت: «مگر تو روزه نیستی؟» احمد با ناراحتی، سریع به آشپزخانه رفت که دست به گلو ببرد تا غذاهای خورده را بیرون بیاورد؛ ولی مادر مانع این کار شد. احمد خیلی ناراحت بود که این کار را کرده....

■ بچه‌ها هر کدام یک چیز گفتند.

رضا گفت: «اشکال ندارد! حالا مگه چه شده، این قدر خودکشی می‌کنی؟»

مهدی گفت: «دیروز در مسجد از امام جماعت شنیدم که اگر ندانسته چیزی بخوری اشکال ندارد!»

رضا به احمد گفت: «غذای حلال اشکال ندارد؛ ولی غذای حرام باطل‌کننده است.»

مادر از بچه‌ها تشکر کرد که احمد را راهنمایی کردند و گفت: «صبر کنید من شماره حاج آقا موسوی، امام جماعت محله را دارم. زنگ بزنم و قضیه را به ایشان بگویم تا تکلیف احمد را مشخص کند.»

همین که گوشی زنگ خورد، حاج آقا فرمودند: «آن چه در دهان دارد، بیرون بیاورد و دیگر چیزی نخورد. یک ساعت دیگر من به مسجد می‌آیم، احمد بیاید؛ جوابش را می‌دهم.»

رضا گفت: «احمد آقا! ناراحت نباش؛ تا حاج آقا به مسجد بیاید، دیروز من یک کتاب گرفتم که همهٔ مسائل را در آن نوشته است، به آن مراجعه کنیم.»

مادر گفت: «آفرین پسرم! چه کتاب خوبی خریدی.» و اسم آن کتاب، رساله بود؛ یعنی انسان

---

۱. مربی با یکی از دانش‌آموزان هماهنگ می‌کند که با حالت نمایشی وارد شود.

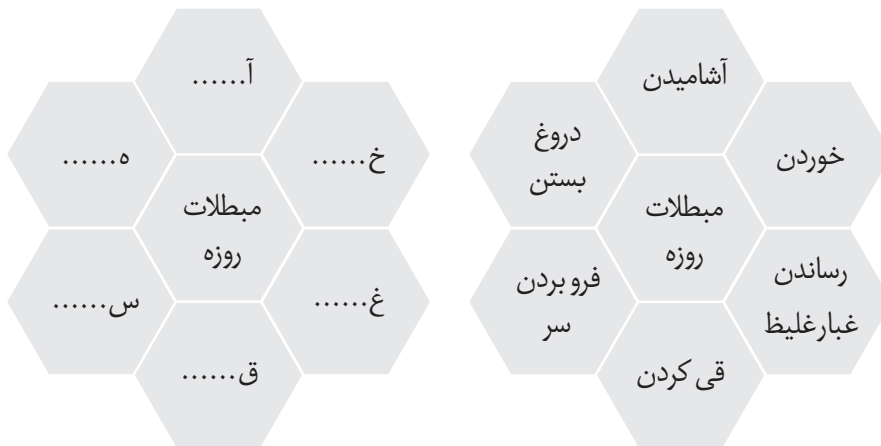
مكلف هر موقع به سن تكليف رسيد، بايد از يك مجتهد، تقليد و به دستورهاي او عمل كند و وقتي به رساله مراجعه كردند، تا حدى تكليف احمد مشخص شد و بقيه را به مسجد رفتند و از حاج آقا پرسيدند و ياد گرفتند. حاج آقا هم از بچه ها را تحسین کرد که این قدر به احكام دينی توجه می کنند.

خُب بچه ها! شما بگويد غذا خوردن احمد چه حکمی دارد؟

از همه شما متشكرم که به نمايش، خوب توجه کرديد!

بله، بچه ها! تا به حال عدد نُه به گوش خورده است. بگويد چه ربطی به داستان دارد؟  
بله، در رساله همه مراجع تقليد ما آمده است که نُه چیز روزه را باطل می کند. هم به خاطر کمی وقت و هم نیاز شما، چند مورد را در کارت نوشتم. دقت کنید و بگويد مبطلات (باطل کننده های) روزه چه چیزهایی هستند.<sup>۱</sup>

■ نُه چیز روزه را باطل می کند که برخی از آن ها عبارت اند از:



۱. مربي قبلاً در منزل کارت ها را مانند کارت های بالا، به صورت پشت و رو درست کند.



## خوردن و آشامیدن:



- اگر روزه دار عمداً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه اش باطل می شود.
- اگر کسی عمداً چیزی را که لای دندانش مانده است، فروبرد، روزه اش باطل می شود.
- فروبردن آب دهان، روزه را باطل نمی کند؛ هرچند زیاد باشد.
- اگر روزه دار به سبب فراموشی (نداند که روزه است) چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه اش باطل نمی شود.
- فروبردن اخلاط سر و سینه، اگر به فضای دهان نرسیده، روزه را باطل نمی کند.

## دروغ بستن به خدا و پیغمبر ﷺ:

- دروغ بستن از روی عمد به خدا، پیغمبر ﷺ یا امامان علیهم السلام روزه را باطل می کند و حتی دروغ بستن حضرت زهرا علیها السلام و دیگر پیامبران هم چنین است.
- در امور دنیوی باشد یا اخروی؛
  - با گفتار باشد یا نوشتار و یا اشاره؛
  - به صراحت باشد یا کنایه؛
  - دروغ را خودش ساخته باشد یا دیگری؛
  - اخبار باشد یا پاسخ به سؤال دیگری.

## اما در این موارد، روزه باطل نیست:

- اگر قصد راست گویی داشته باشد و دروغ درآید؛
- اگر قصد دروغ گویی داشته باشد و راست درآید؛

▪ بازگویی دروغی که دیگری ساخته یا گفته، اشکال ندارد.



رساندن غبار غلیظ به حلق:

▪ اگر روزه دار غبار غلیظی به حلق برساند، روزه اش باطل می شود؛ چه غبار خوراکی باشد، مانند آرد یا غیر خوراکی، مانند خاک.

▪ در این موارد، روزه باطل نمی شود:

الف) غبار غلیظ نباشد؛

ب) به حلق نرسد و فقط به داخل دهان برسد؛

پ) بی اختیار به حلق برسد؛

ت) نمی داند روزه است؛

ث) شک کند غبار غلیظ به حلق رسیده است یا نه؛



فروبردن سردرآب:

▪ اگر روزه دار عمداً تمام سر را در آب مطلق فروبرد، حتی اگر برای غسل باشد، روزه اش باطل

می شود.

در این موارد، روزه باطل نیست:

(الف) سهواً سر را زیر آب ببرد؛

(ب) قسمتی از سر را زیر آب ببرد؛

(پ) نصف سر را یک بار و نصف دیگر را بار دیگر در آب فروبرد؛

(ت) بی اختیار در آب بیفتد؛

(ث) شخص دیگری به زور، سر او را در آب فروبرد؛

(ج) شک کند تمام سر زیر آب رفته است یا نه (طبق نظر برخی از مراجع).

قی کردن:

- هرگاه روزه دار عمداً قی کند، هرچند به سبب بیماری باشد روزه اش باطل می شود.
- اگر روزه دار بی اختیار قی کند، روزه اش باطل نمی شود.
- اگر آروغ بزند و بدون اختیار چیزی در گلو یا دهانش بیاید، باید آن را بیرون بریزد و اگر بی اختیار فرورود، روزه اش صحیح است.

در آخر کلاس یک بیت شعر دعایی برای یادگاری تقدیم می کنم:

خدایا! به ما مهربانی

دلی ساده و آسمانی

به ما صبر و طاقت بده ای خدا!

به ما عقل و عفت بده ای خدا!

شادی روح امام، شهیدان و اموات صلوات

## مهمانی خدا (۲)

موضوع: احکام

هدف کلی: آشنایی با برخی از احکام روزه

اهداف جزئی:

- کسانی که از روزه گرفتن معاف هستند
- شرایط کسانی که از روزه گرفتن معاف هستند
- جاهای که روزه کامل است
- احکام روزه مسافر
- احکام قضای روزه
- احکام کفاره روزه

هدف رفتاری: آموختن و به کار بردن احکام دینی

روش های تدریس: توضیحی و فعال (پرسش و پاسخ، کارت، مسابقه و...)  
وسایل آموزشی: تابلو، کارت و...



که رحمتگر و مهربان خلق راست  
که بخشنده و مهربان است نیز  
بود صاحب عرصه رستخیز  
نداریم یاور به غیر از تو کس

سرآغاز گفتار نام خداست  
ستایش بود ویژه کردگار  
که بر عالمین است پروردگار  
تو را می پرستیم تنها و بس

بشو هادی ما به راه درست      ره آن که منعم ز نعمات توست  
 نه آنان که خشم برایشان رواست      نه آن ها که هستند گمره ز راست  
 سلام! برنامه را با چند سؤال شروع می‌کنیم.

روزی خانواده آقای همتی در ماه مبارک رمضان برای معالجه پدر بزرگ راهی شهر شدند؛ ولی درمان و مداوای او به طول انجامید و این خانواده نتوانستند تا ظهر به حد ترخص روستای خود برسند و بعد از اذان ظهر به روستای خود رسیدند. مادر بزرگ به آقای همتی و بچه‌هایش گفت: «بیا بیاید ناهار بخورید»؛ ولی آقای همتی گفت: «مادر جان! مگر ماه رمضان نیست؟» مادر بزرگ: «گفت برای همه شما افطار کردن روزه اشکال ندارد!» چرا؟ برای این که بدانید چرا روزه خوردن آقای همتی و خانواده‌اش اشکال ندارد، من دو حرف آخر کلمه‌هایی را در تابلو (یا کارت) نوشته‌ام. شما آن‌ها را کامل کنید تا علت افطار روزه آقای همتی و خانواده‌اش معلوم شود.

ان.....      ان.....      ان.....      ان.....      ان.....

خیلی ممنون از دقت نظر شما!

پس معلوم شد بعضی‌ها می‌توانند روزه خود را در ماه رمضان افطار کنند؛ اما بهتر است آشکارا روزه خواری نکنند؛ چون روزه خواری در انظار مردم هشتاد ضربه شلاق دارد. در ضمن، افطار کردن هر کدام شرایطی دارد که به طور مختصر در پشت کارت‌ها آورده‌ام.

مسافران	نوجوانان	کودکان	بیماران	پیران
↓	↓	↓	↓	↓
مسافران	نوجوانان	کودکان	بیماران	پیران

خیلی متشکر از دوست عزیزم که خوب تشخیص داد!

۱. مربی قبل از کلاس، کارت‌ها را درست کند یا کلمات را در تابلو بنویسد.

چون آقای همتی و خانواده‌اش هم پیر، هم مریض، هم کودک و در ضمن چون مسافر بودند و تا ظاهر به وطن نرسیدند، از نظر شرعی حق نداشتند آن روز را روزه بگیرند. این دوست خوب و باهوش را خوب تشویق کنید.

حالا از شما اجازه می‌خواهم درباره کسانی که از روزه گرفتن معاف هستند و شرایط آن‌ها توضیح کوتاهی بدهم.

## پیران



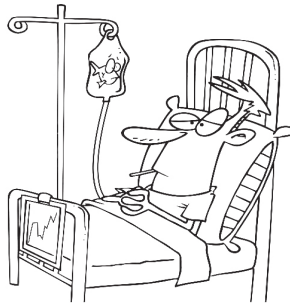
۱. پیرمردان و پیرزنانی که توان و طاقت گرفتن روزه را ندارند

روزه بر این افراد که مانند بچه‌ها هستند و توان گرفتن روزه را ندارند، واجب نیست.

الف) کسی که به علت پیری نمی‌تواند روزه بگیرد، یا برای او روزه گرفتن سخت است، می‌تواند روزه نگیرد.

ب) کسی که به علت پیری روزه نگرفته، اگر بعد از ماه رمضان بتواند روزه بگیرد، بنا بر احتیاط واجب باید قضای روزهایی را که نگرفته به جا آورد.

## بیماران



۲. بیماران

بیمارانی نباید روزه بگیرند که روزه گرفتن، بیماری آن‌ها را شدت می‌بخشد یا اگر هم بیمار نیستند، با گرفتن روزه بیمار می‌شوند؛ یعنی در هر صورت، روزه در به وجود آمدن بیماری یا تشدید آن مؤثر است.



## کودکان

۳. دختر بچه‌هایی که به سن تکلیف نرسیده‌اند

دختر بچه‌هایی که نه سال قمری‌شان را تمام نکرده‌اند، روزه بر آن‌ها واجب نیست. دخترانی که به تکلیف رسیده‌اند؛ اما توان گرفتن روزه را ندارند، یعنی روزه گرفتن برای آن‌ها قابل تحمل نیست، روزه نمی‌گیرند و بعداً که توان یافتند، قضا می‌کنند. برخی فقیهان معتقدند اگر دختر بچه‌ای توان روزه گرفتن در ماه مبارک رمضان را ندارد، به طور کل تکلیف روزه از او برداشته شده و حتی قضا هم ندارد.

این را هم بگویم که به بهانه ضعف، نمی‌توان روزه نگرفت. باید دقت داشت که فرد زمان سحر، نمی‌تواند بگوید چون ضعف می‌کنم روزه نمی‌گیرم؛ بلکه باید سحری را بخورد، برای روزه نیت و آن را شروع کند. اگر در میان روز به حالت ضعف بحرانی رسید، اجازه خوردن مقداری آب یا چیزی که او را از آن حالت خارج کند، دارد و بعد هم باید بقیه روزه را ادامه دهد.

## نوجوانان

۴. پسرانی که به سن تکلیف نرسیده‌اند

پسرانی که پانزده سال قمری آن‌ها تمام نشده است، روزه بر آن‌ها واجب نیست؛ ولی با تمام شدن پانزده سال قمری، روزه بر آن‌ها واجب می‌شود و دیگر فرقی میان او و بزرگان نیست.

۵. مسافر

یکی از کسانی که روزه بر آن‌ها واجب نیست، مسافران هستند؛ کسانی که در روزهای ماه مبارک به سفری می‌روند.

البته افطار روزه در مسافرت هم شرایط خاص خود را دارد.

شرایط از این قرار است که جزء موارد ذیل نباشد؛ اگر از موارد ذیل باشد، روزه باطل است.

برای این که چند مورد را بدانیم، در مسابقه زیر شرکت کنید.

## مسابقه

یک جدول شش در پنج رسم می‌کنم و حرف‌هایی در آن قرار می‌دهم. شما حرف اول را می‌نویسید و پنج تا پنج تا بشمارید؛ البته توجه داشته باشید که خانه ستاره دار شمرده نمی‌شود. بعد، حرف‌های شمرده را کنار هم قرار دهید؛ به جاهایی که نماز و روزه در آن‌ها کامل است خواهید رسید.

ز	ن	ص	م	د	ا
ت	د	س	ح	د	خ
ی	ف	ک	گ	ا	ح
ر	م	اه	بی	ر	زی
ی	ا	ق	ا	ا	*

کلمه‌های به دست آمده را در نقطه چین‌ها قرار دهید.<sup>۱</sup>

.....۱ .....۲ .....۳ .....۴ .....۵ .....۶

سؤال: در چند جا نماز و روزه کامل است؟

وطنی که محل تولد محسوب می‌شود و شخص بعد از تولد، حداقل شش ماه در آن زندگی کرده است.

وطن دوم که فرد برای زندگی دائمی انتخاب کرده است.

جایی که مسافر قصد ماندن ده روز دارد.

جایی که فتوای مرجع تقلید اجازه می‌دهد نماز یا روزه کامل باشد.

سفر حرام.

سفر زیاد (کثیرالسفر).

۱. زادگاه انتخابی قصدی حرام سفر زیاد حکمی



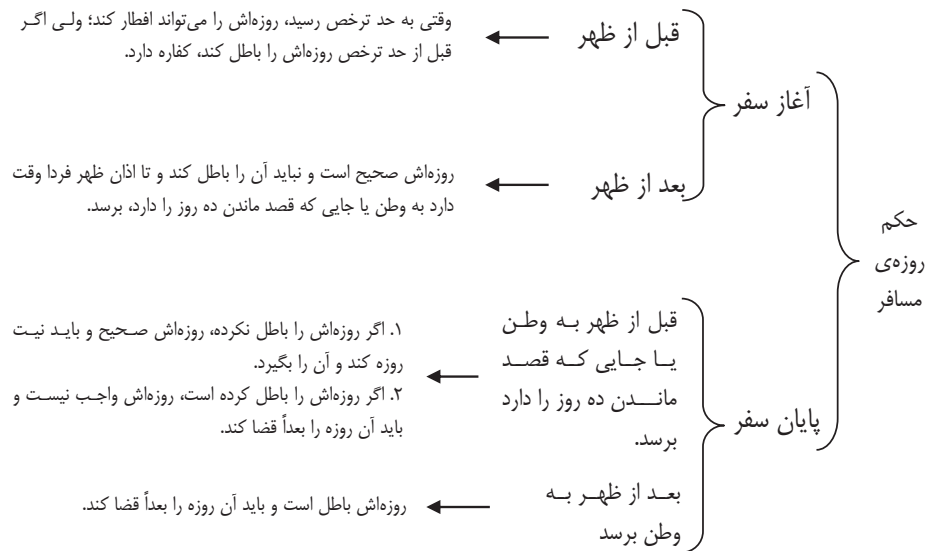
سؤال: آقای همتی و خانواده اش تا ظهر به وطن نرسیدند، کدام یک از کارت های بالا شامل آن ها می شود؟

آفرین! آن ها حکم مسافرا دارند.

گاهی مسافر نماز و روزه اش کامل است. گاهی نمازش شکسته و روزه هم نباید بگیرد. به این کلمه ها دقت کنید و برای ما توضیح دهید.

قبل بعد آغاز پایان حد ترخص وطن ۱۰ روز  
خیلی ممنون! از توضیح های دانش آموزان عزیز!  
حالا برای تکمیل توضیحات، به این مطالب توجه فرمایید.

مسافرانی که از وطن خود خارج می شوند و ظهر را در وطن نیستند و مسافت رفت و برگشت هم حدود ۴۵ کیلومتر است، نباید روزه بگیرند.





توجه:

حد ترخص به جایی می‌گویند که مسافر از آن جا، اولین دیوار شهر را ببیند و صدای اذان را بشنود (تقریباً ۲ کیلومتر).

▪ مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد؛ ولی برای فرار از روزه مکروه است.<sup>۱</sup>

بعد از آن که درباره روزه مسافر صحبت کردیم، حالا به این اعداد توجه کنید و بگویید چه ربطی به روزه دارند؟<sup>۲</sup>

۲۹	۳۱	۶۰	۶۰	۲۹	۳۰	۱
قطعه قطعه	پشت سرهم	روزه	فقیر	تعداد ۱ ماه	تعداد ۱ ماه	قضا

انسان اگر در ماه رمضان کارهای را انجام دهد که نباید انجام می‌داد، باید چنین کند:

- بعضی جاها فقط قضای روزه واجب است؛
- بعضی جاها فقط کفاره روزه واجب است؛
- بعضی جاها هم قضا و هم کفاره روزه واجب است؛
- بعضی جاها نه قضا واجب است و نه کفاره روزه؛ مثلاً خوردن چیزی در طول روز، بدون این که متوجه روزه بودنش باشد و بعد از خوردن متوجه شود.

۱. محمدحسین فلاح‌زاده، آموزش فقه، ص ۲۰۳.

۲. مربی اول اعداد را در تخته نوشته یا کارت‌هایی که درست کرده، به بچه‌ها نشان می‌دهد و بعد از شنیدن جواب دانش‌آموزان، پاسخ درست و اصلی را خودش می‌دهد.

کفاره روزه ماه رمضان سیرکردن ۶۰ فقیر، یا روزه گرفتن ۶۰ روز است.

پس اعداد دیگر چه بود؟

خیلی ممنون!

عدد ۳۰ و ۲۹ این است که گاهی ماه رمضان ۳۰ روز و گاهی ۲۹ روز است.

پس اعداد ۳۱ و ۲۹ یعنی چه؟

کسی که می خواهد دو ماه کفاره روزه رمضان را بگیرد، باید ۳۱ روز آن را پی در پی بگیرد و اگر بقیه پی در پی نباشد، اشکال ندارد.

کسی که می خواهد دو ماه کفاره روزه رمضان را بگیرد، نباید موقعی شروع کند که در بین ۳۱ روز، روزی باشد که (مانند عید قربان) روزه آن حرام است.

سؤال: کجا فقط قضای روزه واجب است؟

خیلی متشکرم!

حالا من به کمک شما می آیم و چند کلمه را به شما نشان می دهم تا بهتر متوجه شویم.

▪ قی خواب نیت ریا فراموش تحقیق مضمضه

در چند صورت فقط قضای روزه بر انسان واجب است و کفاره واجب نیست: (۲)

اول آن که روزه دار در روز ماه رمضان عمداً..... کند.

▪ دوم آن که در شب ماه رمضان غسل واجب باشد؛ ولی تا اذان صبح از..... سوم بیدار نشود.

▪ سوم آن که عملی که روزه را باطل می کند به جا نیآورد؛ ولی..... روزه نکند، یا..... کند و

یا قصد کند که روزه نباشد.

▪ چهارم آن که در ماه رمضان غسل را..... کند و با همان حال، یک یا چند روز روزه بگیرد.

▪ پنجم آن که در ماه رمضان بدون این که..... کند صبح شده یا نه، کاری که روزه را باطل

می کند، انجام دهد و بعد معلوم شود صبح بوده است.

■ ششم آن که برای خنک شدن یا بی جهت ..... کند و بی اختیار آب در گلوش فرورود.  
درس را با یک شعر خاتمه می دهیم.

خدایا! خدایا! تو ما را کمک کن	که از کینه در ما نماند نشانی
بگیر از همه فتنه و دشمنی را	به هر کس عطا کن دل مهربانی
خدایا! زمین تو دیگر نیازی	به یک حال و روز خوش و تازه دارد
مددکن که خوبی نگردد فراموش	بدی بس؛ خدایا! بد اندازه دارد

شادی روح امام، شهیدان و اموات صلوات!

# یاران

موضوع: اجتماعی

هدف کلی: آشنایی با مفهوم گروه و تیم و شرایط گروه مناسب

اهداف جزئی:

- شناختن مفهوم گروه
- آشنایی با خصوصیات دوست خوب
- دانستن این که ایمان ویژگی خاص دوست از دیدگاه قرآن است
- داستان اصحاب کهف

هدف رفتاری: توانایی تعریف مفهوم گروه، شناختن و بیان خصوصیات دوست خوب و شرکت

فعال در گروه

روش های مناسب تدریس: توضیحی و فعال (بازی با کلمات، کارت، جدول و داستان)

رسانه های آموزشی: تابلو و کارت

با سلام به شما دانش آموزان خوب! آماده هستید برنامه امروز را با یک بازی با کلمات شروع

کنیم تا موضوع برنامه معلوم شود؛ پس با یک صلوات بلند آمادگی خود را اعلام کنید.

بیست و هشتمین حرف الفبا: م.

مادر به عربی: ام.

▪ سقف: بام.

شهری در استان کرمان: بم.

برکه و غدیر آن معروف است: خم.

ناپخته و نارس: خام.

اسم: نام.

---

۱. مربی گرامی با اضافه کردن یا جابه جایی حروف، تمام کلمات را در وسط تخته می نویسد.

رطوبت و تری آب: نم.

زیاد نیست: کم.

سقف دهان: کام.

■ یک قدم: گام.

ناپدید: گم.

سرد نیست: گرم.

بازی به انگلیسی: گیم.

گروه: تیم.

تا حالا عضو گروه و تیمی بوده‌ای؟

ارتباط و دوستی با دیگران برای انسان قدرت، اطمینان خاطر و سرخوشی می‌آورد و فرصت‌های  
بیش تری را در زندگی روزمره نصیب او می‌کند.

■ برای رسیدن به این هدف باید اهل شکار باشید؛ شکار چه چیزی و چگونه؟ بلی، شکار  
دوست خوب و چگونگی آن در خود کلمه شکار آمده است. به این کارت‌ها دقت کنید؟

### شاداب

■ سعی کنید شخصیتی پرانرژی داشته باشید. این کار هم به بهبود روحیه شما کمک می‌کند و  
هم شما را با دوستانی جدید آشنا می‌سازد که می‌توانند هنگام عبور از مسیر مشکلات روزمره‌ای که  
در زندگی همه وجود دارد، با روش‌هایی بهتر همراه‌تان باشند.

### کم حرف

■ بگذارید آن‌ها هم گاهی در مورد دیدگاه‌ها، عقاید، نظریات، دغدغه‌ها، ترس‌ها، موفقیت‌ها  
و شکست‌های‌شان با شما صحبت کنند. کمی تحمل، سکوت و تنها شنیدن و همراهی، چیزی  
است که شما را دوست خوب دیگران می‌کند.

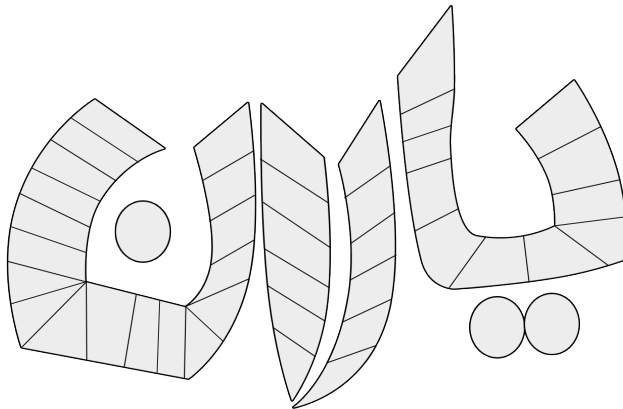
## اطمینان

▪ در گروه دوستی، به دوستان تان این اطمینان را بدهید که معاشرت با آن‌ها برای شما افتخارآمیز است. مهم نیست که این موضوع را دائم به زبان بیاورید و لازم نیست تن به کارهایی بدهید که از آن‌ها ناراضی هستید، خوش‌قولی، از خودگذشتگی‌های کوچک، کمک به آن‌ها در شرایط سخت و در دسترس بودن شما، باعث می‌شود آن‌ها شما را مهم‌ترین دوست خود بدانند.

## رازداری

▪ در مورد اسرار هیچ یک از دوستان خود بین بقیه صحبت نکنید. معمولاً چنین مسائلی دوباره به گوش دوستی که دربارهٔ او رازداری نکرده‌اید می‌رسد و شما صمیمیت و اعتماد او را از دست خواهید؛ از طرف دیگر، بقیهٔ افرادی هم که شنونده داستان‌های ممنوعه‌ی تان بوده‌اند، دیگر اطمینان کم‌تری به شما خواهند داشت و در نتیجه، شما بازندهٔ مطلق خواهید شد!

تا این‌جا دانستیم که چگونه دوست خوب را شکار کنیم؛ اما این گروه دوستان باید این خصوصیت را هم داشته باشند. کدام خصوصیت؟ به این جدول دقت کنید و سریع حروف آن را شش تا شش تا بشمارید تا پیام آن را به دست آورید:



جدول باید ۴۱ خانه داشته باشد و حروف داخل آن به ترتیب، عبارت است از: ا، ن، ن، ر، ش، ن، ن، ا، د، و، ا، ا، ه، ن، ک، ر، ن، و، ا، ی، ه، د، ا، ر، ج، ب، ب، گ، ی، د، و، و، ه، ا، م، ن، د، ا، د، پ، ر، ا.

بلی، پیام جدول عبارت است از:

«آن‌ها جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند.»

این جمله، ترجمه قسمتی از آیه‌ای از سوره کهف است که دوست‌مان برای ما تلاوت می‌کند: «أنهم فتية آمنوا بربهم وزدناهم هدى؛ آن‌ها جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند و ما بر هدایت‌شان افزودیم.»

می‌دانید آن جوانان چه کسانی بودند؟ به متنی که یکی دیگر از دوستان‌تان می‌خواند، دقت کنید: «در سده‌های اولیه دین مسیح، گروهی از جوانان مؤمن که در یک زندگی تجملاتی در ناز و نعمت به سر می‌بردند، برای حفظ عقیده خود به همه این نعمت‌های دنیوی پشت پا زدند و به غاری از کوه پناه بردند.

از آیات قرآن این چنین برمی‌آید، آن‌ها در زمانی می‌زیستند که بت‌پرستی و کفر احاطه‌ی شان کرده بود و حکومتی ستمگر بر آنان حکم‌رانی می‌کرده است؛ اما این گروه از جوانمردان که به گمراهی اطرافیان‌شان پی بردند، تصمیم بر قیام گرفته و راه هجرت پیش گرفتند؛ لذا با یک دیگر مشورت کرده و تصمیم گرفتند از مقام خود کناره‌گیری کرده و به غار پناه برند.»

حالا بگویید آن‌ها چه کسانی بودند؟ بله، اصحاب کهف. آن‌ها ثابت کردند که:

■ برای حفظ دین جوانمردی، گذشت از رفاه و آسایش و هجرت لازم است: «أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ».

■ دعا همراه با تلاش و حرکت مؤثر است: «أَوَى ... رَبَّنَا».

■ هجرت از محیط فاسد برای حفظ ایمان و ارزش‌ها، کاری جوانمردانه است: «أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ».

■ هجرت و قیام برای خدا، زمینه‌ی دریافت امدادهای الهی است: «أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَصَبْرُنَا».

چراکه مردم در برابر فساد و جامعه‌ی فاسد سه دسته‌اند:

الف) گروهی در فساد جامعه هضم می‌شوند؛ (آنان که هجرت نکنند و ایمان کامل نداشته



باشند): «كُنَّا نَحْوُ مَعَ الْخَائِضِينَ»<sup>۱</sup>

ب) گروهی که در جامعه‌ی فاسد، خود را حفظ می‌کنند؛ (مثل اصحاب کهف): «إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ»<sup>۲</sup>.

ج) گروهی که جامعه‌ی فاسد را تغییر می‌دهند و اصلاح می‌کنند؛ (مثل انبیا و اولیا): «يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ»<sup>۲</sup>.

در روایات آمده است که اصحاب کهف، جزو اصحاب و یاران حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ خواهند بود.

حالا به داستان اصحاب کهف گوش کنید

او با کمال احتیاط وارد شهر شد؛ اما منظره شهر را دگرگون دید و همه چیز را برخلاف آن چه به خاطر داشت مشاهده کرده، جمعیت و شیوه لباس‌ها و حرف‌زدن‌ها همه تغییر کرده بود، در بالای دروازه شهر، پرچمی را دید که در آن نوشته شده بود: «لا اله الا الله، عيسى رسول الله». تملیخا حیران شده بود و با خود می‌گفت گویا خواب می‌بینم؛ تا این‌که به بازار آمد و به نانوايي رسید. از نانوا پرسید: «نام این شهر چیست؟»

نانوا گفت: «افسوس!»

تملیخا پرسید: «نام شاه شما چیست؟»

نانوا گفت: «عبدالرحمن.»

آن‌گاه تملیخا گفت: «این سکه را بگیر و به من نان بده.»

نانوا سکه را گرفت، دریافت که سکه سنگین است از بزرگی و سنگینی آن تعجب کرد، پس از اندکی درنگ گفت: «تو گنجی پیدا کرده‌ای؟»

تملیخا گفت: «این گنج نیست؛ پولی است که سه روز قبل خرما فروخته و آن را گرفته‌ام. سپس از شهر بیرون رفتم؛ شهری که مردمش دقیانوس را می‌پرستیدند.»

نانوا دست تملیخا را گرفت و او را نزد شاه آورد، شاه از نانوا پرسید: «ماجرای این شخص

۱. سوره آیه

۲. - سوره آیه

چیست؟» نانوا گفت: «این شخص گنجی یافته است.»

پادشاه به تملیخا گفت: «نترس! پیامبر ما عیسی عَلَيْهِ السَّلَام فرموده کسی که گنجی یافت تنها خمس آن را از او بگیرد؛ خمسش را بده و برو.»

تملیخا گفت: «خوب به این پول بنگر؛ من گنجی نیافته‌ام. اهل همین شهر هستم.»  
شاه گفت: «آیا تو اهل این شهر هستی؟»

■ آری!

■ نامت چیست؟

■ نام من تملیخاست.

■ این نام‌ها، مربوط به این عصر نیست؛ آیا تو در این شهر خانه داری؟

■ آری، سوار بر مرکب شو؛ برویم تا خانه‌ام را به تو نشان دهم.

شاه و جمعی از مردم سوار شدند و همراه تملیخا به خانه او آمدند. تملیخا اشاره به خانه خود کرد و گفت: «این خانه من است» و کوبه در را زد. پیرمردی فرتوت از آن خانه بیرون آمد و گفت: «با من چه کار دارید؟»

شاه گفت: «این مرد، تملیخا ادعا دارد که این خانه مال اوست؟»

■ آن پیرمرد به او گفت: «تو کیستی؟»

■ او گفت: «من تملیخا هستم.»

پیرمرد بر پاهای تملیخا افتاد، بوسید و گفت: «به خدای کعبه! این شخص، جد من است. ای شاه! این‌ها شش نفر بودند که از ظلم دقیانوس فرار کردند.»

در این هنگام شاه از اسبش پیاده شد و تملیخا را بر دوش خود گرفت. مردم دست و پای تملیخا را می‌بوسیدند. شاه به تملیخا گفت: «هم سفرانت کجایند؟»

■ تملیخا گفت: «آن‌ها در میان غار هستند...»

شاه و همراهان با تملیخا به طرف غار حرکت کردند. نزدیک غار تملیخا گفت: «من جلوتر نزد دوستان می‌روم و اخبار را به آن‌ها گزارش می‌دهم. شما بعد بیایید؛ زیرا اگر بی‌خبر با این همه سروصدا حرکت کنیم و آن‌ها این صداها را بشنوند، تصویری کنند مأموران دقیانوس برای

دستگیری شان آمده‌اند و ترسناک می‌شوند.»

شاه و مردم همان جا توقف کردند. تملیخا زودتر به غار رفت. دوستان با شوق و ذوق برخاستند و تملیخا را در آغوش گرفتند و گفتند: «حمد و سپاس خدای را که تو را از گزند دقیانوس حفظ کرد و به سلامت آمدی.»

تملیخا گفت: «سخن از دقیانوس نگویند؛ هیچ می‌دانید شما چه مدتی در غار خوابیده‌اید؟»  
گفتند: «یک روز یا بخشی از یک روز.»

تملیخا گفت: «بلکه ۳۰۹ سال خوابیده‌اید. دقیانوس مدت‌هاست که مرده است. پادشاه دین‌داری که پیرو دین حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام است با مردم برای دیدار شما تا نزدیک غار آمده‌اند.»  
دوستان گفتند: «آیا می‌خواهی ما را باعث فتنه و کشمکش جهانیان قرار دهی؟»  
تملیخا گفت: «نظر و تصمیم شما چیست؟»

آن‌ها گفتند: «نظر ما این است که دعا کنیم خداوند ارواح مان را قبض کند!» همه دست به دعا بلند کردند و همین دعا را نمودند. خداوند بار دیگر آن‌ها را در خواب عمیقی فروبرد.  
و در غار پوشیده شد. شاه و همراهان نزدیک غار آمدند، هرچه جست‌وجو کردند کسی را نیافتند و در غار را پیدا نکردند. بعد به احترام آن‌ها، در کنار غار مسجدی ساختند.



